

فرمان شماره (910) مؤرخ (31) سنبله 1355 صدارت عظمی

بناغلی دوکتور عبدالمجید وزیر عدلیه!

مجلس وزراء تحت فیصله شماره (1614) در جلسه تاریخی 1355/6/30 با ملاحظه ورقه عرض شماره (3132) مؤرخ 1354/10/30 وزارت عدلیه راجع به قانون جزاء مراتب آتی را تصویب نمود:

" قانون جزاء بداخل دو کتاب مشتمل به هشت باب و پنجد و بیست و سه ماده که بمهر دار الانشاء رسیده منظور است."

مراتب تصویب مجلس عالی وزراء که به شرف منظوری حضور رئیس دولت جمهوری افغانستان رسیده و به شماره (1980) مؤرخه "21" سنبله 1355 ثبت گردیده بشما اطلاع داده شد تا در نشر آن به جریده رسمی اقدام گردد.

داکتر محمد حسن شرق

قانون جزاء

کتاب اول

احکام عمومی

باب اول

احکام مقدماتی

فصل اول

قواعد عمومی و تعریفات

ماده اول:

این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می نماید. مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می گردد.

ماده دوم:

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر بموجب قانون.

ماده سوم:

هیچکس را نمی توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونیکه قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده چهارم:

1- برائت الذمه حالت اصلی است. متهم تا وقتیکه به حکم قطعی محکمه باصلاحیت محکوم علیه قرار نگرفته باشد بی گناه شناخته میشود.

2- تعیین جزائیکه مخالف کرامت انسانی باشد جواز ندارد.

ماده پنجم:

بی خبری از احکام قانون عذر پنداشته نمی شود.

ماده ششم:

1- شخصیکه مطابق احکام این قانون مجازات می شود اگر از طریق جرم مالی را بدست آورده باشد بردعین آن و اگر مال موجود نباشد برد

مثل یا قیمت آن بمالکش محکوم می شود.

2- شخصی که به اثر ارتکاب جرم خساره ئی عاید ساخته باشد به جبران خساره وارده نیز محکوم می گردد.

ماده هفتم:

احکام این قانون حق استرداد ویا مطالبه تعویض مدعی حق العبد را اخلال نمی کند.

ماده هشتم:

با نمایندگان سیاسی که در افغانستان مرتکب جرم گردند مطابق قواعد حقوق بین الدول عمومی رفتار می شود.

ماده نهم:

میعاد های مندرج این قانون به اساس سنه هجری شمسی مدار اعتبار است.

ماده دهم:

حکم قطعی به مقصد این قانون عبارت است از حکمی که نهائی شده باشد یا موارد استیناف و تمیز طلبی برای آن موجود نباشد ویا میعاد های استیناف و تمیز طلبی آن قانوناً منقضی شده باشد.

ماده یازدهم:

اشخاصی که تابعیت افغانستان را نداشته اما در افغانستان اقامت یا سکونت داشته باشند به مقصد این قانون در حکم تبعه افغانی محسوب میگردند مگر اینکه در قانون طور دیگری به آن تصریح یافته باشد.

ماده دوازدهم:

به مقصد این قانون اشخاص آتی موظفین خدمات عامه محسوب می گردند:

1- مامورین واجیران دولت و تصدیهای دولتی.

2- مامورین واجیران مؤسسات عامه.

3- اعضای ارکان دولت و جرگه های ولایتی و محلی.

4- وکیل مدافع، حکم، اهل خبره، شهود و سایر اشخاصی که تصادیق شان معتبر شناخته شود.

ماده سیزدهم:

به مقصد این قانون وسایل آتی علنی شمرده می شود:

1- گفتار وقتی علنی شمرده می شود که در محفل عام، راه عام یا سائر مواضع طوری به جهر گفته شود یا توسط وسایل دیگر نشر شود که اگر کسی در آن جا موجود می بود آنرا شنیده می توانست.

2- فعل وقتی علنی شمرده می شود که در محفل عام، راه عام یا سائر مواضع طوری واقع گردد که اگر کسی در آنجا موجود می بود آنرا دیده می توانست.

3- رسم، تصویر، فلم، نوشته، رمز و سایر وسایل تمثیلی وقتی علنی شمرده میشود که به بیش از یک نفر توزیع گردد یا طوری به نمایش گذاشته شود که اگر کسی موجود می بود آنرا دیده می توانست. یا فروخته شود یا بفروش عرضه گردد.

فصل دوم

ساحه تطبيق قانون

قسمت اول

تطبيق قانون از حيث مكان و اشخاص

ماده چهاردهم:

۱- احكام اين قانون بر اشخاصی که در ساحه دولت جمهوری افغانستان مرتكب جرم شوند تطبيق می گردد.

ساحه دولت جمهوری افغانستان شامل هر مکانی است که تحت سلطه آن واقع باشد.

۲- طيارات و کشتی های افغانی اعم ازینکه در داخل افغانستان باشد یا در خارج آن از جمله ساحه افغانستان محسوب می شود مگر اینکه طبق قواعد حقوق بین الدول عمومی تابع دولت اجنبی باشد.

ماده پانزدهم:

احكام اين قانون بر اشخاص آتی نیز قابل تطبيق است:

۱- شخصیکه در خارج افغانستان مرتكب عملی گردد که به اثر آن عامل یا شریک جرمی شناخته شود که کلاً یا قسماً در افغانستان واقع شده باشد.

۲- شخصیکه در خارج افغانستان مرتكب یکی از جرایم آتی گردد:

1- جنایت علیه امنیت خارجی یا داخلی دولت افغانستان.

2- جنایت جعل مندرج مواد (302) و (303) این قانون.

3- جنایت تزویر مندرج ماده (310) این قانون یا ادخال اشیاء جعل یا تزویر شده مذکور به افغانستان.

ماده شانزدهم:

1- احكام اين قانون بر جرایمیکه در خارج افغانستان توسط مامورین و مستخدمین افغانی یا اتباع خارجی ایکه از طرف افغانستان بخدمات عامه گماشته میشوند در اثنای انجام وظایف محوله یا به سبب آن ارتکاب میگردد نیز قابل تطبيق است.

2- احكام اين قانون بر جرایمی که علیه اشخاص مندرج فقره فوق در اثنای انجام وظایف محوله یا به سبب آن ارتکاب می گردد نیز تطبيق می شود.

ماده هفدهم:

1- احكام اين قانون بر هر شخصیکه در خارج افغانستان علیه افغان یا منفعت افغانستان مرتكب جرم گردد قابل تطبيق است.

2- دعوی جزائی علیه مرتكب این جرایم مطابق به احكام مندرج قانون اجراءات جزائی اقامه میگردد.

ماده هجدهم:

هر افغان که در خارج افغانستان مرتكب عملی گردد که بموجب احكام این قانون جرم شمرده شود در صورت مراجعت به افغانستان طبق احكام این قانون مجازات می شود. مشروط بر اینکه فعل مذکور بموجب قانون کشور محل ارتکاب قابل مجازات باشد.

ماده نوزدهم:

به استثنای موارد مندرج مواد (ششم و هفتم) این قانون دعوی جزائی علیه شخصیکه ثابت نماید محاکم خارجی در مورد جرم منسوبه او را بری الذمه دانسته یا بحکم قطعی او را بجزا محکوم و جزا بر او تطبيق شده است یا اینکه دعوی جزائی قبل از صدور حکم قطعی یا مجازات محکوم بها بموجب قانون ساقط گردیده باشد اقامه شده نمی تواند.

ماده بیستم:

مدت توقیف و حبسی که متهم یا محکوم علیه با اثر تطبیق احکام جزائی در خارج افغانستان سپری نموده از مدت جزاء ایکه شخص از لحاظ ارتکاب عین جرم در افغانستان محکوم میشود یا جزاء ایکه بر او تطبیق میگردد کاسته میشود.

قسمت دوم – تطبیق قانون از حیث زمان

ماده بیست و یکم:

1- مرتکب جرم بموجب قانونی مجازات میشود که در وقت ارتکاب فعل نافذ باشد مگر اینکه قبل از صدور حکم قطعی قانون جدیدیکه به نفع متهم باشد نافذ گردد.

2- اگر بعد از صدور حکم قطعی قانونی نافذ گردد که بموجب آن فعلی را که متهم بارتکاب آن محکوم بجزا گردیده قابل مجازات نداند تنفیذ حکم متوقف و آثار جزائی مرتب بر آن از بین میروند.

ماده بیست و دوم:

هرگاه شخص از ارتکاب عملی بموجب قانون موقت که نفاذ آن به تاریخ معین خاتمه می یابد محکوم به جزا گردد ختم تاریخ نفاذ قانون موقت مانع سیر محاکمه و تطبیق جزا نمی گردد.

باب دوم

جرائم

فصل اول

جرائم از حیث شدت و خفت

ماده بیست و سوم:

جرائم از حیث شدت و خفت به جنایت، جنحه و قباحت تصنیف میگردد.

ماده بیست و چهارم:

جنایت جرمی است که مرتکب آن به اعدام یا حبس دوام و یا حبس طویل محکوم گردد.

ماده بیست و پنجم:

جنحه جرمی است که مرتکب آن به حبس بیش از سه ماه الی پنج سال یا جزای نقدی بیش از سه هزار افغانی محکوم گردد.

ماده بیست و ششم:

قباحت جرمی است که مرتکب آن به حبس از (24) ساعت الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم گردد.

فصل دوم

عناصر جرم

قسمت اول

عناصر مادی

اول- عمل، سببیت و نتیجه

ماده بیست و هفتم:

عنصر مادی جرم عبارت از ارتکاب یا امتناع از عمل مخالف قانون است بنحویکه عمل منجر به نتیجه جرمی گردیده و رابطه سببیت بین عمل و نتیجه موجود شده باشد.

ماده بیست و هشتم:

- 1- شخص از جرمیکه نتیجه عمل جرمی او نباشد مسؤل شناخته نمی شود.
- 2- شخصیکه عمل جرمی او در احداث نتیجه به اعتبار یکی از اسباب قبلی یا توأم با فعل و یا بعدی سهیم شده باشد مسؤل شناخته میشود گرچه شخص به موثریت عمل جرمی خود در احداث نتیجه علم نداشته باشد.
- 3- اگر سبب به تنهایی در احداث نتیجه جرم کافی شمرده شود در این صورت تنها فاعل از عمل جرمی خود مسؤل شناخته میشود.

دوم- شروع

ماده بیست و نهم :

- 1- شروع به جرم عبارت است از آغاز به اجرای فعل به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه به نحویکه نظر به اسباب خارج از اراده فاعل آثار آن متوقف یا خنثی شده باشد.
- 2- مجرد تصمیم به ارتکاب جرم یا اجرای اعمال مقدماتی شروع به جرم شناخته نمی شود.
- 3- هر عملیکه به قصد ارتکاب جنایت یا جنحه یکی از رهگذر عوامل مربوط به موضوع جرم یا وسایل استعمال مستحیل باشد شروع به جرم شمرده میشود. مشروط بر اینکه عقیده مرتکب در احداث نتیجه جرمی ناشی از اشتباه یا جهالت مطلق نباشد.

ماده سی ام:

شروع کننده به جنایت به جزاهای آتی محکوم می گردد مگر اینکه در قانون به خلاف آن تصریح شده باشد:

- 1- در مواردیکه جزای اصل جرم اعدام باشد حبس دوام.
- 2- در مواردیکه جزای اصل جرم حبس دوام باشد حبس طویل.
- 3- در مواردیکه جزای اصل جرم حبس طویل باشد حبس متوسط یا نصف حد اکثر جزای اصل جرم.

ماده سی و یکم:

جزای شروع به جنحه از نصف حد اکثر جزائیکه در قانون برای اصل جرم پیشبینی گردیده است تجاوز نمی کند مگر اینکه قانون به خلاف آن تصریح نموده باشد.

ماده سی و دوم:

شروع به قباحت مستلزم مجازات نیست مگر اینکه قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد.

ماده سی و سوم:

در شروع به جرم احکام خاص متعلق به جزا های تبعی یا تکمیلی و تدابیر امنیتی ایکه در مورد جرم تام پیشبینی شده است رعایت می گردد.

قسمت دوم

عنصر معنوی
قصد جرمی و خطاء
اول - قصد جرمی

ماده سی و چهارم:

- ۱- قصد جرمی عبارت است از سوق اراده فاعل به ارتکاب فعلیکه جرم را بوجود می آورد به نحویکه منجر به وقوع نتیجه جرم مورد نظر ویا وقوع نتیجه جرم دیگری شود.
- ۲- قصد گاهی بسیط وزمانی توأم با صرار قلبی می باشد.
- ۳- اصرار قلبی عبارت است از اتخاذ تصمیم قاطع قبل از انجام جرم مورد نظر مشروط بر اینکه ناشی از غضب آنی و هیجانانات نفسی نباشد.
- ۴- اصرار، قلبی شمرده می شود بدون آنکه قصد مرتکب جرم متوجه شخص معین یا غیر معین باشد اعم از اینکه قصد موقوف به شرط ویا مرتبط به امری باشد یا نباشد.

ماده سی و پنجم:

- ۱- جرم وقتی عمدی شمرده می شود که قصد جرمی نزد مرتکب آن محقق شده باشد.
- ۲- جرم درحالات آتی نیز عمدی شمرده می شود:
 - (۱) در حالتیکه شخص بموجب قانون یا موافقت بانجام وظیفه مکلفیت داشته باشد واز ایفای آن عمداً امتناع ورزد به نحویکه امتناع وی مستقیماً منجر به وقوع جرم گردد.
 - (۲) در حالتیکه شخص فاعل نتایج جرمی عمل خود را قبلاً پیش بینی نموده باشد ولی با آنهم به اجرای عمل مذکور محض جهت وقوع جرم اقدام نموده باشد.

دوم - خطاء

ماده سی و ششم:

جرم وقتی غیر عمدی شمرده می شود که وقوع نتیجه جرمی از فاعل آن به سبیل خطاء صدور یافته باشد خواه خطا ناشی از اهمال، ساده لوحی بی احتیاطی و عدم توجه باشد ویا ناشی از عدم رعایت قوانین، مقررات و اوامر.

قسمت سوم

عنصر قانونی

ماده سی و هفتم:

- ۱- عنصر قانونی جرم عبارت است از تصریح اعمال جرمی و جزا های آن در قانون.
- ۲- قاعده قانونیت جرم و جزاء در احکام مندرج مواد (دوم و سوم) این قانون تصریح یافته است.

فصل سوم
اشتراک در جرم
قسمت اول
فاعل و شریک

ماده سی و هشتم:

شخص در حالات آتی فاعل جرم شناخته میشود:

- 1- در حالتیکه به تنهائی یا به اشتراک شخص دیگر مرتکب جرم گردد.
- 2- در حالتیکه به ارتکاب عمل جرمی به نحوی مداخله نماید که از جمله اعمال تشکیل دهنده جرم یکی آنرا قصداً مرتکب گردد.

ماده سی ونهم:

شخص در حالات آتی شریک جرم شناخته می شود:

- 1- در حالتیکه بارتکاب یکی از اعمال تشکیل دهنده جرم شخص را تحریک نماید و جرم به اثر همین تحریک واقع شود.
- 2- در حالتیکه بارتکاب جرم با شخص دیگری موافقت نماید و جرم با اثر همین موافقت بوجود آید.
- 3- در حالتیکه فاعل جرم را به نحوی از انحا در اعمال تجهیزاتی تسهیلاتی یا تکمیلی ارتکاب جرم با داشتن علم به آن کمک نماید و جرم در اثر همین کمک بوجود آید.

ماده چهلم:

فاعل به جزای معینه جرم ارتکاب شده محکوم میگردد.

ماده چهل و یکم:

- 1- شریک بمجازات جرمیکه در آن اشتراک نموده محکوم می گردد مگر اینکه قانون بخلاف آن تصریح نموده باشد.
- 2- در مواردیکه فاعل جرم به سببی از اسباب قانونی مجازات نگردد این معافیت مانع مجازات شریک نمی گردد.

ماده چهل و دوم:

هرگاه جرم واقع شده غیر از آن جرمی باشد که فاعلین و شرکاء قصد ارتکاب آنرا داشته اند به جزای جرمیکه به وقوع پیوسته محکوم می گردند، مشروط بر اینکه جرم مذکور قابل پیشبینی بوده و نتیجه مداخله ایشان باشد.

ماده چهل و سوم:

هرگاه در اثناى ارتکاب به عمل جرمی حالات مادی اتصال یابد که از اثر آن وصف جرم یا جزا تغییر نماید نتایج آن بالای همه فاعلین و شرکا تطبیق می گردد مشروط بر اینکه حالات مذکور نتیجه مداخله همه آنها باشد.

ماده چهل و چهارم:

- 1- هرگاه در حصه یکی از فاعلین حالات خاصی موجود شود که موجب تغییر وصف جرم در حصه او گردد نتایج آن به سایر فاعلین تأثیر ندارد.
- 2- نتایج این حالات خاص بر شریک وقتی تأثیر دارد که به آن علم داشته باشد.

ماده چهل و پنجم:

هرگاه حالات خاصی موجود شود که موجب تغییر جزا در حصه یکی از فاعلین گردد نتایج آن بر سایر فاعلین و شرکاء تاثیر وارد نمی کند.

ماده چهل و هشتم:

هرگاه نظر به قصد فاعل یا چگونگی علم وی تغییر در وصف جرم وارد گردد سایر فاعلین و شرکاء مطابق به قصد و چگونگی علم شان بجرم مجازات می گردند.

ماده چهل و نهم:

در حالاتیکه قانون تعدد فاعلین را حالت مشدده جرم بدانند موجودیت شریک در اثنای ارتکاب جرم تعدد شناخته می شود.

ماده چهل و دهم:

1- هرگاه چند نفر فاعل و شریک از لحاظ ارتکاب جرم واحد به حکم واحد به جزای نقدی محکوم شوند این حکم بر هر کدام آنها منفرداً تطبیق میشود.

2- در حالاتیکه حکم به جزای نقدی معادل مفاد مالی ایکه از رهگذر ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده میشود موضوع بحث باشد، حکم به مجموع محکوم علیهم که به حکم واحد به جزای نقدی مذکور محکوم شده اند، طور تضامن تطبیق میشود مگر اینک قانون بخلاف آن حکم نموده باشد.

قسمت دوم

اتفاق در جرم

ماده چهل و نهم:

اتفاق در جرم عبارت است از متحد شدن دو نفر یا بیشتر از آن در ارتکاب جنایت یا جنحه معین یا غیر معین و یا اتفاق در اعمال تجهیزاتی تسهیلاتی یا تکمیلی جرایم مذکور مشروط بر اینکه اتفاق منظم و بیهم باشد گرچه در آغاز مرحله تشکل جرمی یا برای مدت کوتاه صورت گرفته باشد.

ماده پنجاهم:

1- در مورد اتفاق به جنایت هر فرد آن به جزای حبس طویل ایکه از (هفت سال) تجاوز نکند محکوم می گردد گرچه در ارتکاب جنایت مورد اتفاق شروع صورت نگرفته باشد.

2- در مورد اتفاق به جنحه هر فرد آن به جزای حبس که از (دوسال) بیشتر نباشد و یا به جزای نقدی که از (بیست و چهار هزار) افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده پنجاه و یکم:

هرگاه غرض از اتفاق ارتکاب جرمی باشد که جزای آن در قانون از جزای مندرج (ماده پنجاهم) این قانون کمتر پیشبینی شده باشد در این صورت متهمین اتفاق در جرم به ربع حد اکثر جزای محکوم می گردند که برای جرم مورد اتفاق تعیین شده است.

ماده پنجاه و دوم:

1- جزاهای مندرج مواد (پنجاهم و پنجاه و یکم) این قانون بر اشخاصی تطبیق نمی گردد که از اتفاق در جرم بمقامات مربوط اطلاع دهند مشروط بر اینکه اطلاع قبل از وقوع جنایت و جنحه و قبل از آغاز جستجو و تفتیش مقامات مذکور صورت گرفته باشد.

2- اطلاع دهنده بعد از آغاز جستجو و تفتیش مقامات مربوط به شرطی از مجازات معاف ساخته میشود که اطلاع وی سبب گرفتاری متهمینی گردد که نزد مقامات مذکور معلوم نباشند.

فصل چهارم

اسباب اباحت

قسمت اول

استعمال حق

ماده پنجاه و سوم:

ارتکاب عمل جرمی با حسن نیت به منظور استعمال حقیکه به مقتضای شریعت یا به موجب قانون به شخص اعطاء شده، جرم پنداشته نمی شود.

ماده پنجاه و چهارم:

ارتکاب عمل جرمی در حالات آتی استعمال حق شمرده می شود:

- 1- در حالت تأدیب پدر، معلم، به اولاد و شاگرد مشروط بر اینکه تأدیب در حدود احکام شریعت و قانون صورت گرفته باشد.
- 2- در حالت اجرای عملیات جراحی و یا سایر معالجات طبی مشروط بر اینکه مطابق اصول فنی حرفه طب برضائیت مریض یا ولی و یا نماینده قانونی وی صورت گرفته باشد. اجرای عملیات جراحی در حالات عاجل ازین حکم مستثنی است.
- 3- در حالت اجرای بازیهای سپورتی مشروط بر اینکه در حدود قواعد و اصول قبول شده سپورتی صورت گرفته باشد.
- 4- در حالت ارتکاب جنایت یا جنحه مشهود به منظور گرفتاری متهمین جرایم مذکور به ترتیبیکه در قوانین مربوط تنظیم یافته است.

قسمت دوم

ایفای وظیفه

ماده پنجاه و پنجم:

ارتکاب عمل جرمی در اثنای ایفای وظیفه ایکه مامور دولت بحکم قانون به انجام آن مکلفیت داشته باشد جرم شمرده نمی شود.

ماده پنجاه و ششم:

ارتکاب عمل جرمی در حالات آتی ایفای وظیفه شمرده می شود:

- 1- در حالتیکه از مامور موظف مطابق به احکام قانون با داشتن حسن نیت در اثنای ایفای وظیفه صدور یافته باشد و یا اینکه عقیده نماید که اجرای آن از جمله صلاحیت های قانونی وی است.
- 2- در حالتیکه بموجب تعمیم اوامر مقامات ذیصلاح ایکه از اطاعت اوامر آنها بحکم قانون مکلفیت داشته باشد صدور یافته باشد و یا اینکه عقیده داشته باشد که تعمیم اوامر مقامات ذیصلاح از جمله وجایب قانونی وی است.
- 3- در هر دو حالت مندرج این ماده مامور موظف مکلف است ثابت نماید که اعتقاد وی راجع به مشروعیت عمل جرمی ناشی از اسباب معقول بوده و ارتکاب آن بعد از رعایت احتیاط لازم صورت گرفته است اما اگر مامور بحکم قانون

اعتراض بر اوامر مقامات ذیصلاح را نداشته باشد به هیچ وجه از اثر ارتکاب عمل جرمی مندرج فقرات (1 و 2) این ماده مجازات نمی گردد.

قسمت سوم

حق دفاع مشروع

ماده پنجاه و هفتم:

ارتکاب عمل جرمی به منظور استعمال حق دفاع مشروع جرم پنداشته نمی شود.

ماده پنجاه و هشتم:

حق دفاع مشروع به شخص مورد تهدید اجازه میدهد تا از استعمال وسایل لازم بمنظور دفاع از هر عمل جرمی ایکه ضرر و یا خطر جانی و مالی را برای دفاع کننده و یا شخص دیگر تولید نماید استفاده کند.

ماده پنجاه و نهم:

1- حق دفاع مشروع هنگامی موجود می گردد که دفاع کننده روی اسباب معقول و دلایل منطقی یقین نماید که خطر تجاوز بر مال، جان یا ناموس دفاع کننده و یا شخص دیگری متوجه است.

2- حق دفاع مشروع تا دوام خطر ادامه یافته با زوال آن خاتمه می یابد.

ماده شصتیم:

حق دفاع مشروع تحت شرایط آتی بوجود می آید:

1- دفاع در برابر حمله و تعرض باشد.

2- دفاع متناسب با خطر تهدید کننده باشد.

3- دفاع تنها وسیله دفع خطر باشد.

4- دفاع همزمان با حمله مقابل باشد.

5- دفاع در برابر عمل خلاف قانون و غیر عادلانه باشد.

6- دفاع کننده عمداً سبب ایجاد عمل جرمی طرف مقابل نشده باشد.

ماده شصت و یکم:

قتل عمد باسناد استعمال حق دفاع مشروع جواز ندارد مگر اینکه بمنظور دفاع در برابر یکی از اعمال آتی صورت گرفته باشد:

1- دفاع در برابر عملیکه ایجاد خوف مرگ یا جراحت شدید نماید مشروط بر اینکه خوف مذکور از اسباب معقول پیدا شده باشد.

2- دفاع در برابر عمل زنا، لواطت و یا تهدید به آن.

3- دفاع در برابر اختطاف انسان.

4- دفاع در برابر عمل حریق عمدی.

5- دفاع در برابر عمل سرقتیکه به حکم قانون جنایت شناخته شده باشد.

6- دفاع در برابر عمل دخول غیر مجاز از طرف شب به منزل مسکون و یا ملحقات آن.

ماده شصت و دوم:

هرگاه توسل به موظفین خدمات عامه جهت دفع خطر ممکن باشد حق دفاع مشروع بوجود نمی آید.

ماده شصت و سوم:

دفاع مشروع در برابر موظفین سلطه عامه که وظایف خود را با حسن نیت انجام میدهند گرچه در جریان وظیفه از حدود صلاحیت قانونی خود تجاوز نمایند جواز ندارد مگر در صورتیکه خوف مرگ یا جراحات شدید ناشی از عمل آنها بدلائل معقول ثابت باشد.

ماده شصت و چهارم:

محکمه می تواند در مورد شخصی که با حسن نیت از حدود حق دفاع مشروع تجاوز نموده جزای عمل او را اگر جنایت باشد به جرحه و اگر جرحه باشد به جزای قباحه تنزیل دهد.

باب سوم

مجرم

فصل اول

مسئولیت جزائی و موانع آن

قسمت اول

مسئولیت جزائی

ماده شصت و پنجم:

مسئولیت جزائی وقتی بوجود می آید که شخص به اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک عمل جرمی را مرتکب شود.

قسمت دوم

موانع مسئولیت جزائی

ماده شصت و ششم:

موانع مسئولیت جزائی از تحقق یافتن یکی از عوارض ادراک یا یکی از اسباب فقدان اراده بوجود می آید.

اول - عوارض ادراک

1- جنون و مرض عقلی

ماده شصت و هفتم:

1- شخصیکه حین ارتکاب جرم به سبب جنون یا سایر امراض عقلی فاقد ادراک و شعور باشد مسئولیت جزائی نداشته مجازات نمی گردد.

2- اگر شخص حین ارتکاب جرم جنایت و جرحه مبتلا به نقصان ادراک و شعور باشد محکمه او را معذور شناخته احکام متعلق به احوال مخففه مندرج این قانون را در مورد او رعایت می نماید.

3- قباحه اشخاص مندرج فقره (2) این ماده جرم شمرده نمیشود.

2- سکر

ماده شصت و هشتم:

- 1- شخصی که حین ارتکاب جرم به سبب استعمال مواد مسکره یا مخدره ادراک و شعور خود را از دست بدهد در حالیکه استعمال آن جبراً یا بدون علم مرتکب صورت گرفته باشد مجازات نمی گردد.
- 2- هرگاه شخص مندرج فقره فوق ادراک و شعور خود را کاملاً از دست نداده باشد طبق حکم مندرج فقره (2) ماده (67) این قانون مجازات میگردد.

ماده شصت و نهم:

- 1- هرگاه شخص مواد مسکره یا مخدره را به اراده خود استعمال نموده مرتکب جرم گردد مسؤل شناخته شده چنان پنداشته میشود که جرم را در حالت ادراک و شعور کامل مرتکب گردیده است.
- 2- اگر شخص مواد مسکره و مخدره را عمداً به مقصد ارتکاب جرم استعمال نماید محکمه احکام متعلق به احوال مشدده مندرج این قانون را در مورد او رعایت مینماید.

3- سن

ماده هفتادم:

صغیر به طفلی اطلاق می گردد که بین سن هفت و سیزده سالگی کامل قرار داشته باشد.

ماده هفتاد و یکم:

مراهق به شخصی اطلاق میگردد که سن سیزده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.

ماده هفتاد و دوم:

طفلیکه سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد دعوی جزائی علیه او اقامه شده نمی تواند.

ماده هفتاد و سوم:

تثبیت سن به اساس تذکره تابعیت صورت می گیرد. محکمه می تواند در صورت تعارض حالت ظاهری صغیر با سن مندرج تذکره تابعیت وی نظریه هیأت طبی را حاصل نماید.

ماده هفتاد و چهارم:

هرگاه صغیر مرتکب قباحت گردد محکمه می تواند در عوض جزای مندرج این قانون صغیر را در مجلس قضاء توبیخ نموده یا تسلیمی او را بیکى از والدین یا شخصیکه بر نفس او حق ولایت دارد ویا شخص امینی که حسن تربیه او را در آینده متعهد شود حکم نماید ویا اینکه به حجز او در دارالتادیب یا مؤسسات خیریه ویا مدارس اصلاحییکه از طرف دولت باین منظور تأسیس می گردد حکم نماید.

ماده هفتاد و پنجم:

هرگاه صغیر مرتکب جنحه گردد محکمه میتواند یکی از تدابیر آتی را در مورد او اتخاذ نماید:

- 1- تسلیمی او به یکی از اشخاص مندرج ماده (74) این قانون مشروط بر اینکه مدت مذکور از سه سال بیشتر واز شش ماه کمتر نباشد و شخص تسلیم شونده حسن تربیه صغیر را در آینده کتباً متعهد گردد.
- 2- حجز او در دارالتادیب یا یکی از مدارس اصلاحی از ششماه الی سه سال.

ماده هفتاد و ششم:

- 1- هرگاه صغیر مرتکب جنایتی گردد که جزای آن اعدام یا حبس دوام باشد محکمه می تواند به جز او در دارالتادیب یا مؤسسات خیریه و یا مدارس اصلاحی حکم نماید مشروط بر اینکه مدت جز او از پنج سال بیشتر نباشد.
- 2- اگر جزای پیش بینی شده جنایت حبس طویل باشد مدت جز او از یکسال کمتر و از چهار سال بیشتر بوده نمی تواند.

ماده هفتاد و هفتم:

هرگاه صغیر بعد از تسلیمی او به متعهد در اثنای مدت تعهد مرتکب جنحه یا جنایت گردد محکمه می تواند متعهد را به ترتیب آتی به جزای نقدی محکوم نماید:

- 1- در حالت ارتکاب جنحه از یک هزار الی دو هزار افغانی.
- 2- در حالت ارتکاب جنایت از دو هزار الی پنجهزار افغانی.

ماده هفتاد و هشتم:

هرگاه صغیر به غیر اقارب تسلیم داده شده باشد اعاده او به اقارب از طرف محکمه باسناد مطالبه خود وی و یا یکی از اقارب مذکور صورت می گیرد، مشروط بر اینکه از تنفیذ حکم تسلیمی اقل یکسال سپری شده باشد. تجدید مطالبه اعاده الی مدت شش ماه از تاریخ رد آن جواز ندارد. اگر محکمه به اعاده صغیر به اقارب او حکم نماید این حکم بمنزله حکم به تسلیمی صغیر شناخته می شود.

ماده هفتاد و نهم:

صغیریکه در دارالتأدیب یا مؤسسات خیریه و یا مدارس اصلاحی تحت جز قرار می گیرد به پیشنهاد آمر موسسه مربوط، موافقه خرنوال و منظوری لوی خرنوال از موسسه خارج شده می تواند. صغیر مذکور به هیچ وجه در مؤسسات فوق بیش از پنج سال یا بعد از تکمیل سن هجده سالگی بوده نمی تواند.

ماده هشتادم:

هرگاه شخصی صغیر را بعد از صدور حکم به تسلیم، پنهان یا او را به فرار وادارد و یا بوسایل دیگر به فرار او معاونت کند به جزای حبس الی شش ماه یا جزای نقدی الی شش هزار افغانی محکوم می گردد.

ماده هشتاد و یکم:

حکم تسلیمی به متعهد با تکمیل سن هجده سالگی ساقط می گردد.

ماده هشتاد و دوم:

هرگاه مراهق مرتکب قباحات گردد محکمه می تواند او را به جزای پیشبینی شده این قانون محکوم نماید و یا به تسلیمی او به یکی از والدین یا شخصیکه بر نفس او حق ولایت دارد و یا شخص امینیکه حسن رویه او را در آینده تعهد کند حکم نماید.

ماده هشتاد و سوم:

هرگاه مراهق مرتکب جنحه گردد محکمه می تواند عوض جزاهای پیش بینی شده جرم مذکور یکی از تدابیر مندرج ماده (76) این قانون را در مورد او اتخاذ نماید.

ماده هشتاد و چهارم:

- 1- هرگاه مراهق مرتکب جنایتی گردد که جزای آن اعدام یا حبس دوام باشد محکمه می تواند به جز او در دارالتادیب که از دوسال کمتر و از پانزده سال بیشتر نباشد حکم نماید.
- 2- اگر جزای پیش بینی شده جنایت حبس طویل باشد حد اقل مدت جز او در دارالتادیب از یک سال کمتر و حد اکثر آن از نصف حد اکثر حبس طویل بیشتر بوده نمی تواند.
- 3- اگر حد اکثر جزای جنایت کمتر از ده سال باشد محکمه می تواند به جز او در دارالتادیب به کمتر از یکسال و بیشتر از نصف حداکثر جزای پیش بینی شده همان جنایت حکم نماید.

ماده هشتاد و پنجم:

- 1- سن صغیر و مراهق در وقت ارتکاب جرم اساس تعیین مسؤلیت شناخته میشود.
- 2- اگر صغیر مرتکب جرم گردد و هنگام صدور حکم به سن مراهق برسد مانند صغیر با او معامله میشود.

ماده هشتاد و ششم:

- 1- هرگاه مراهق مرتکب جرم شود و هنگام صدور حکم سن هجده سالگی را تکمیل نماید مانند مراهق با او معامله می شود.
- 2- اگر جرمیکه مراهق مذکور مرتکب گردیده جنایت یا جناحه ای باشد که جزای آن در قانون حبس طویل یا حبس متوسط پیش بینی شده باشد، محکمه میتواند عوض مدت جز او در دارالتادیب در جنایت به حبس متوسط و در جناحه به حبس قصیر حکم نماید.
- 3- مدت محکومیت در موارد مندرج فقره فوق بهیچ صورت از مدتی که برای جز او در دارالتادیب در برابر جنایت یا جناحه ارتکاب شده درین قانون پیش بینی گردیده است تجاوز نمی نماید.
- 4- جزای غیر از حبس طویل و حبس متوسط پیش بینی شده در این قانون به جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند تعویض می گردد.
- 5- اگر مراهق در ظرف مدت جز او در دارالتادیب سن هجده سالگی را تکمیل نماید جهت گذشتاندن مدت باقیمانده جز او محکوم بها به محبس مربوط انتقال داده میشود.

ماده هشتاد و هفتم:

هرگاه صغیر یا مراهق متهم به ارتکاب بیش از یک جرم گردد محاکمه او از ناحیه همه جرایم ضمن دعوی واحد جواز دارد مشروط بر اینکه محکمه تنها به اساس جرمی حکم نماید که جزای آن در قانون شدید تر پیش بینی شده باشد.

ماده هشتاد و هشتم:

تکرار جرم صغیر و مراهق مانع تکرار مجازات و اتخاذ تدابیر پیش بینی شده در این قانون نمی گردد.

ماده هشتاد و نهم:

هرگاه صغیر یا مراهق به دفعات محکوم به جز گردد مجموع مدت جز او محکوم بها در مدرسه اصلاحی از پنج سال و در دارالتادیب از پانزده سال تجاوز نمی کند.

ماده نودم:

1- هرگاه مراهق ای که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد دو ثلث جزای محکوم بها را در دارالتادیب سپری نماید محکمه می تواند بنابر مطالبه مراهق یا یکی از والدین و یا شخصیکه بر نفس او حق ولایت داشته باشد حکم به رهائی وی صادر نماید مشروط بر اینکه دارالتادیب حسن رویه مراهق مذکور را طی راپوری تصدیق و خرنوال آنرا تائید نماید. درینصورت مراهق بیکی از اشخاص مندرج ماده (74) این قانون تسلیم داده می شود.

2- اگر مراهق سن هجده سالگی را تکمیل و دو ثلث جزای محکوم بها را در دارالتادیب سپری نموده باشد رهائی او وقتی صورت می گیرد که حسن رویه آینده خود را کتبا تعهد بنماید.

ماده نود و یکم:

احکام متعلق به تکرار در جرم و جزاها تبعی و تکمیلی و تدابیر امنیتی بر صغیر و مراهق قابل تطبیق نمی باشد. مصادره، مسدود ساختن محل و منع از رفتن به جا های که باعث انحراف اخلاق گردد ازین حکم مستثنی است.

ماده نود و دوم:

تعویض جزای نقدی به حبس در مورد صغیر و مراهق جواز ندارد.

ماده نود و سوم:

شخصیکه هنگام ارتکاب جرم سن هجده سالگی را تکمیل و سن بیست سالگی را تکمیل نکرده باشد محکوم به اعدام شده نمی تواند. درین حالت حبس دوام قایم مقام اعدام می گردد.

دوم - فقدان اراده

1- اکراه

ماده نود و چهارم:

شخصیکه تحت تاثیر قوه مادی یا معنوی ایکه دفع آن طور دیگری ممکن نباشد مجبور به ارتکاب جرم گردد، مسؤل شناخته نمی شود.

2- اضطرار

ماده نود و پنجم:

شخصیکه به منظور نجات نفس یا مال خود و یا نفس یا مال غیر به خطر بزرگ و آنی مواجه گردد به نحویکه بدون ارتکاب عمل جرمی قادر به دفع آن نباشد مسؤل شناخته نمی شود. مشروط بر اینکه شخص عمداً سبب ایجاد خطر مذکور نگردیده و ضرر مورد اجتناب شدیدتر از ضرری باشد که از جرم نشأت می کند.

فصل دوم

مسئولیت اشخاص حکمی

ماده نود و ششم:

1- اشخاص حکمی به استثنای مؤسسات، دوایر و تصدیهای دولت از جرایمیکه ممثلین، رؤسا و وکلای آن در اثنای اجرای وظیفه بنام و حساب اشخاص حکمی مرتکب می گردند مسؤل شناخته میشوند.

2- محکمه نمی تواند شخص حکمی را بغیر از جزای نقدی مصادره و تدابیر امنیتی پیش بینی شده درین قانون محکوم نماید.

3- در صورتیکه قانون جزای اصلی را غیر از جزای نقدی برای جرمیکه ارتکاب گردیده است پیش بینی نموده باشد این جزاها به جزای نقدی تعویض می گردد.

4- محکومیت شخص حکمی به ترتیب فوق مانع تطبیق جزاهای پیش بینی شده این قانون در مورد شخص حقیقی مرتکب جرم نمیگردد.

باب چهارم

جزاء

فصل اول

جزاهای اصلی

ماده نود و هفتم:

جزاهای اصلی عبارت است از:

- 1- اعدام .
- 2- حبس دوام.
- 3- حبس طویل.
- 4- حبس متوسط.
- 5- حبس قصیر.
- 6- جزای نقدی.

ماده نود و هشتم:

اعدام عبارت است از آویختن محکوم علیه به دار تا وقت مرگ.

ماده نود و نهم:

- 1- حبس دوام عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محاسبی که از طرف دولت به این منظور تخصیص یافته است.
- 2- مدت حبس دوام از شانزده تا بیست سال می باشد.

ماده صدم:

- 1- حبس طویل عبارت از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محاسبی که از طرف دولت باین منظور تخصیص یافته است.
- 2- مدت حبس طویل از پنج سال کمتر و از پانزده سال بیشتر نمی باشد.
- 3- در حبس دوام و حبس طویل محکوم علیه مکلف است کار های اصلاحی را انجام دهد که در قانون مربوط به محاسب پیش بینی شده است.
- 4- محبوسیکه سن شصت سالگی را تکمیل کرده باشد به انجام کار، گرچه اصلاحی هم باشد مکلف نمی باشد.

ماده یکصد و یکم:

- 1- حبس متوسط عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محاسبی که از طرف دولت باین منظور تخصیص یافته است.
- 2- مدت حبس متوسط از یکسال کمتر و از پنج سال بیشتر نمی باشد.
- 3- محکوم علیه به حبس متوسط مکلف به انجام کارهای اصلاحی می باشد که در قانون مربوط به محاسب پیش بینی شده است.

ماده یکصد و دوم:

- 1- حبس قصیر عبارت است از زندانی ساختن محکوم علیه در یکی از محاسبی که از طرف دولت باین منظور تخصیص یافته است.
- 2- مدت حبس قصیر از بیست و چهار ساعت کمتر و از یک سال بیشتر نمی باشد.
- 3- محکوم علیه به حبس قصیر مکلف به انجام هیچ نوع کار نمی باشد.

ماده یکصد و سوم:

- 1- محاسبه جزای حبس از روزی آغاز می یابد که محکوم علیه در آن به محبس زندانی شده است.
- 2- مدت توقیف از مدت حبس محکوم بها کاسته می شود.

ماده یکصد و چهارم:

جزای نقدی عبارت است از مکلف ساختن محکوم علیه به پرداخت مبلغ محکوم بها به خزانه دولت.

ماده یکصد و پنجم:

جزای نقدی به پول افغانی تعیین میشود.

ماده یکصد و ششم:

حد اقل جزای نقدی از پنجاه افغانی کمتر بوده نمی تواند.

ماده یکصد و هفتم:

حد اقل و حد اکثر جزای نقدی به حکم قانون تعیین می گردد. مگر اینکه در قانون طور دیگری تصریح یافته باشد.

ماده یکصد و هشتم:

محکمه در تعیین جزای نقدی بین حداقل و حداکثر پیش بینی شده شرایط و احوال آتی را رعایت می نماید:

۱- تأمین هدف جزائی.

۲- احوال شخصی، اجتماعی و اقتصادی مرتکب.

۳- اندازه مفادی که از ارتکاب جرم حاصل گردیده یا توقع استحصال آن برده میشود.

۴- نوعیت حق یا مصلحتی که مورد تجاوز قرار گرفته است.

ماده یکصد و نهم:

محکمه می تواند باسناد تشخیص خود یا مطالبه خائنوال حد اکثر پیش بینی شده جزای نقدی را با رعایت شرایط و احوال مندرج ماده (108) این قانون تا دو چند آن بالا ببرد، مشروط بر اینکه بالا بردن حد اکثر جزای نقدی به از بین بردن کلی دارائی محکوم علیه منجر نشود.

ماده یکصد و دهم:

تعیین جزای نقدی در جنایات جواز ندارد مگر اینکه قانون صراحتاً به آن حکم نموده باشد.

ماده یکصد و یازدهم:

پرداخت جزای نقدی مطابق به احکام قانون اجراءات جزائی صورت می گیرد.

فصل دوم

جزایهای تبعی

ماده یکصد و دوازدهم:

جزایهای تبعی عبارت از مجازاتی است که بالای محکوم علیه به حکم قانون بدون اینکه در حکم محکمه تصریح گردد تطبیق میشود.

ماده یکصد و سیزدهم:

(1) شخصی که به حبس دوام یا حبس طویل بیش از ده سال محکوم گردد از حقوق و امتیازات آتی نیز محروم میشود:

- 1- ماموریت دولت.
 - 2- خدمت در اردو.
 - 3- عضویت پارلمان، شاروالیها، جرگه های ولایتی و محلی.
 - 4- سهمگیری در انتخابات بحیث رأی دهنده.
 - 5- استعمال عـناوین و تعلیق نشانهای دولتی اعم از داخلی و خارجی.
 - 6- عضویت در هیأت مدیره شرکتهای و بانکها.
 - 7- وصایت، قیمومیت و وکالت در معاملات و دعاوی.
 - 8- شهادت در عقود و معاملات در مدت محکومیت.
 - 9- عقد قرار داد با دوایر دولتی ویا کسب امتیاز از طرف دولت.
 - 10- صاحب امتیاز، مدیره مسؤل، ریاست هیأت تحریر مجلات و روزنامه ها.
 - 11- اداره اموال و املاک در مدت محکومیت بـا استثنای وقف و وصیت.
- (2) هرگاه محکوم علیه وقت صدور حکم از یکی از حقوق و امتیازات فوق مستفید باشد بمجرد صدور حکم از آن محروم می گردد.

ماده یکصدو چهاردهم:

- 1- محرومیت از اداره و تصرف در اموال در حالت ضرورت بـه اجازه محکمه موقتاً مرفوع شده می تواند.
- 2- هر نوع تعهدی را که محکوم علیه بدون اجازه محکمه بعمل آورد صحت و عدم صحت آن موقوف به اجازه محکمه مذکور شناخته میشود.

ماده یکصدو پانزدهم:

- 1- محکمه می تواند باسـاس مطالبه محکوم علیه به حبس دوام یا حبس طویل بیش از ده سال یا خـارنوال ویا شخص ذیعلاقه برای اداره و سرپرستی اموال وی قـیم تعیین نماید.
- 2- محکمه قـیم را به دادن ضمانت بالمال مکلف نموده و اجراءات مناسب را در برابر این وظیفه برای وی تعیین می نماید.
- 3- تصرفات قـیم در مورد اموال تحت اداره وی تابع نظارت محکمه می باشد که قـیم را تعیین نموده است.
- 4- اموال تحت قیمومیت بعد از تطبیق مجازات ویا انقضای آن بنا بر هر سببی که باشد به محکوم مذکور مسترد می شود و قـیم صورت حساب مربوط به اموال تحت اداره خود رابه وی ارائه می نماید.

ماده یکصدو شانزدهم:

- 1- شخصیکه به جزای اعدام محکوم می گردد تا زمان تنفیذ حکم از حقوق و امتیازات مندرج فقرات (1-11) ماده (113) این قانون محروم شناخته می شود.
- 2- تصرفات حقوقی شخص محکوم به اعدام باطل شمرده شده محکمه می تواند باسـاس مطالبه خـارنوال یا سایر اشخاص ذیعلاقه برای سرپرستی و اداره اموال وی قـیم تعیین نماید.

فصل سوم

جزایهای تکمیلی

ماده یکصد و هفدهم:

جزایهای تکمیلی عبارت است از:

1- محرومیت از بعضی حقوق و امتیازات.

2- مصادره.

3- نشر حکم.

ماده یکصد و هجدهم:

1- محکمه می تواند هنگام حکم به حبس طویل الی ده سال یا حکم به حبس متوسط علاوه بر جزای اصلی جرم شخص را از بعضی حقوق و امتیازات مندرج فقرات (1-11) مندرج ماده (113) این قانون محروم سازد مشروط بر اینکه مدت محرومیت از یکسال کمتر و از سه سال بیشتر نباشد.

2- جزای تکمیلی بعد از تطبیق جزای اصلی ویا انقضای آن بهر سببی که باشد تنفیذ می گردد.

ماده یکصد و نوزدهم:

1- محکمه می تواند در مورادیکه قانون مصادره را به حیث جزا پیش بینی نکرده باشد به مصادره اشیائی که از ارتکاب جرم بدست آمده یا در ارتکاب آن استعمال گردیده ویا به قصد استعمال در ارتکاب جرم تهیه شده باشد حکم نماید.

2- حکم به مصادره بهیچوجه حقوق غیر را که صاحب حسن نیت باشد اخلاص نمی نماید.

ماده یکصد و بیستم:

1- محکمه می تواند به اساس صوابدید خود ویا مطالبه خرنوال نشر حکم را در فیصله تصریح نماید.

2- نشر حکم قبل از قطعی شدن آن جواز ندارد.

3- در جرایم قذف، توهین و دشنام موافقت مجنی علیه در افشاء و نشر حکم حتمی می باشد.

4- هرگاه جرم قذف، توهین و دشنام از طریق وسایل مطبوعاتی صورت گرفته باشد محکمه به نشر آن با رعایت حکم فقره (3) این ماده توسط عین وسیله حکم می نماید. در صورت امتناع یا تعلل بدون عذر معقول از نشر حکم مدیر مسؤل به جزای نقدی ایکه بیش از (پنج هزار) افغانی نباشد محکوم می گردد.

فصل چهارم

تدابیر امنیتی

قسمت اول

احکام عمومی

ماده یکصد و بیست و یکم:

1- محکمه وقتی به تدابیر امنیتی پیش بینی شده این قانون حکم می نماید که ثابت گردد شخص محکوم علیه مرتکب عملی گردیده است که بحکم قانون جرم شمرده شده و حالت مجرم علیه امنیت عامه خطر پنداشته شود.

2- حالت مجرم وقتی علیه امنیت عامه خطر پنداشته میشود که از رویه او در حال وگذشته و یا از حالات وعلل ارتکاب جرم احتمال جدی آن برود که مجرم به ارتکاب جرم دیگری اقدام می نماید.

3- تدابیر امنیتی تنها در حالات و شروط پیش بینی شده این قانون مورد حکم محکمه قرار گرفته می تواند.

ماده یکصد و بیست و دوم:

تدابیر امنیتی عبارت است از:

- 1- تدابیر سلب کننده آزادی.
- 2- تدابیر تجدید کننده آزادی.
- 3- تدابیر سلب کننده حقوق.
- 4- تدابیر مالی.

قسمت دوم

تدابیر امنیتی سلب کننده و تحدید کننده آزادی

1- حجز در روغتون های مربوط

ماده یکصد و بیست و سوم:

1- محکمه میتواند محکوم علیه را به حجز در یکی از روغتون های امراض عقلی و عصبی ویا مراکز صحتی دیگری که از طرف دولت باین منظور تخصیص یافته است جهت اهتمام بوضع صحتی وی حکم نماید.

2- مدت حجز درینصورت از شش ماه کمتر بوده نمی تواند.

3- اداره روغتون وسایر مراکز صحتی مکلف است راپور وضع صحتی محکوم به حجز را بعد از گرفتن نظر دوکتوران معالج در هر شش ماه به محکمه ارائه نماید. محکمه می تواند به اساس راپور ارائه شده به اخراج او حکم نماید.

4- محکمه می تواند بااساس مطالبه خارنوال یا شخص ذیعلاقه وموافق دوکتوران معالج به حجز محکوم علیه در روغتون ویا مرکز صحتی مربوط مجدداً حکم نماید.

2- منع گشت وگذار وبود و باش در بعضی محلات

ماده یکصد و بیست و چهارم:

1- محکمه وقتی به منع شخص از گشت وگذار در محلاتیکه موجب انحراف اخلاقی گردد حکم می نماید که بودن وی در آن جا به احتمال قوی سبب تکرار ارتکاب جرم گردد.

2- اگر شخص بیش از یکمرتبه به ارتکاب جرم استعمال مواد مخدره یا مسکره مجازات گردد محکمه می تواند وی را علاوه بر جزای اصلی از گشت وگذار در یک یا چند محل منع نماید. مدت این ممانعت از سه سال بیشتر بوده نمی تواند.

ماده یکصد و بیست و پنجم:

محکمه می تواند علاوه بر جزای اصلی شخص را از بود وباش در محلات معین بعد از تطبیق جزایا انقضای آن منع نماید. مدت این ممانعت

از یکسال کمتر و از پنج سال بیشتر بوده نمی تواند. درین حالت محکمه وضع صحی، نفسی، روانی و اجتماعی محکوم علیه را در نظر می گیرد.

ماده یکصدویست و هشتم:

محکمه می تواند محکوم علیه به جنایت یا جنحه منافی حیثیت را علاوه بر جزای اصلی از بود و باش در محلات خاص منع نماید. حکم منع بود و باش باسناد مطالبه خرنوال یا محکوم علیه تعدیل یا لغو شده می تواند.

قسمت سوم

تدابیر امنیتی سلب کننده حقوق

1- سقوط ولایت، وصایت و قیمومیت

ماده یکصدویست و هفتم:

سقوط ولایت، و وصایت و قیمومیت محروم ساختن محکوم علیه است از اعمال این نوع سلطه ها بر دیگران اعم از اینکه مربوط به نفس یا مال باشد.

ماده یکصدویست و هشتم:

محکمه می تواند در حالات آتی به اسقاط ولایت، وصایت یا قیمومیت شخص حکم نماید:

- 1- اگر ولی، وصی یا قیم مرتکب جنحه، ناشی از اخلال مکلفیت های قانونی مربوط به وظایف متذکره گردد.
- 2- اگر ولی، وصی یا قیم مرتکب جرمی گردد که عدم کفایت او را در اجرای وظیفه ولایت و وصایت یا قیمومیت ثابت سازد.

2- محرومیت از اشتغال به پیشه و حرفه

ماده یکصدویست و نهم:

محرومیت از اشتغال به پیشه و حرفه شامل منع شخص از انجام هر نوع پیشه و حرفه و فعالیت های صنعتی، تجارتي و فنی ای می باشد که اشتغال به آن قانوناً متعلق به اجازه یک مرجع با صلاحیت رسمی باشد.

ماده یکصدوسی ام:

1- هرگاه شخص به سبب ارتکاب جنایت یا جنحه ناشی از اخلال مکلفیت های مربوط به پیشه یا حرفه به جزای حبس که از شش ماه کمتر نباشد محکوم گردد محکمه می تواند او را علاوه بر جزای اصلی از اشتغال به پیشه یا حرفه مربوط محروم نماید، مدت این محرومیت از یکسال بیشتر بوده نمی تواند.

2- اگر محکوم علیه مذکور بعد از انتهای مدت محرومیت از اشتغال به پیشه و حرفه مربوط در خلال پنج سال از تاریخ صدور حکم نهایی عین جرم یا مماثل جرم اولی را تکراراً مرتکب گردد محکمه می تواند علاوه بر جزای اصلی به محرومیت وی از اشتغال به پیشه یا حرفه مربوط حکم نماید، مدت این محرومیت از سه سال بیشتر بوده نمیتواند.

ماده یکصدوسی و یکم:

هرگاه شخص به سبب ارتکاب جرم ترافیکی محکوم به جزا گردد محکمه می تواند او را علاوه بر جزای اصلی از اشتغال به پیشه رانندگی و تجدید جواز رانندگی محروم نماید، مدت این محرومیت از سه ماه کمتر و از سه سال بیشتر بوده نمی تواند.

قسمت چهارم

تدابیر امنیتی مالی

1- مصادره

ماده یکصد و سی و دوم:

هرگاه اشیای ضبط شده از جمله اشیای باشد که ساختن، استعمال، نگهداشت، عرضه و فروش آن به ذات خود جرم شمرده شود محکمه بهمه حال به مصادره آن حکم مینماید، گرچه اشیای مذکور ملکیت محکوم علیه نباشد و یا متهم از محکمه برائت حاصل نماید.

2- مسدود ساختن محل

ماده یکصد و سی و سوم:

جرایمیکه قانون در جزا های آن مسدود ساختن محل ارتکاب جرم را پیشبینی نموده باشد محکمه میتواند متهم را علاوه بر جزا های پیش بینی شده به مسدود ساختن محلیکه به مقصد ارتکاب جرم از آن کار گرفته شده محکوم نماید. مدت مسدودیت از یکماه کمتر و از یکسال بیشتر بوده نمی تواند.

ماده یکصد و سی و چهارم:

- 1- حکم به مسدود ساختن محل ارتکاب جرم شامل محرومیت شخص از اشتغال به فعالیت های تجاری، صنعتی و یا پیشه یا حرفه مربوط به آن محل شناخته می شود.
- 2- محرومیت شخص در حالت فوق شامل اقارب محکوم علیه و سایر اشخاص می باشد که محکوم علیه محل ارتکاب جرم را بعد از وقوع جرم به آنها واگذار شده و یا به اجاره داده باشد.
- 3- مالک محل و یا هر شخص دیگری که در محل ارتکاب جرم حق عینی داشته باشد اگر به عمل جرمی ارتباط نداشته باشد تحت محرومیت فوق قرار نمی گیرد.

3- متوقف ساختن فعالیت شخص حکمی و انحلال آن

ماده یکصد و سی و پنجم:

هرگاه یک رئیس، مدیر، ممثل یا وکیل قانونی شخص حکمی به نام و حساب شخصیت حکمی مرتکب جنایت یا جنحه گردد و به سبب آن به جزای حبس بیش از ششماه محکوم شده باشد، محکمه می تواند فعالیت شخص حکمی را متوقف سازد. مدت توقف از سه ماه کمتر و از سه سال بیشتر بوده نمی تواند در صورت تکرار جنایت یا جنحه محکمه به انحلال آن حکم می نماید.

ماده یکصد و سی و ششم:

- 1- متوقف ساختن فعالیت شخص حکمی شامل منع از اشتغال به اعمال مربوط به شخصیت حکمی در مدت محکوم بها می باشد، گرچه به عنوان و یا تحت اداره هیئت عامل جداگانه صورت بگیرد.
- 2- حکم به انحلال شخص حکمی شامل تصفیه دارائی و الغاء سایر تصرفات حقوقی و تشکیلات اداری شخصیت حکمی می باشد.

قسمت پنجم

احکام متفرقه مربوط به تدابیر امنیتی

ماده یکصد و سی و هفتم:

به استثنای موارد پیش بینی شده مواد (123-127 و 132) این قانون اشخاصیکه از احکام تدابیر امنیتی محکوم بها تخلف ورزند به جزای

حبس که از یک سال تجاوز نکند و یا به جزای نقدی (دوازده هزار) افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردند.

ماده یکصد و سی و هشتم:

حکم محکمه مبنی بر تعلیق تنفیذ مجازات شامل تنفیذ تدابیر امنیتی نمی گردد، مگر در حالاتیکه قانون و یا محکمه بخلاف آن حکم نموده باشد.

ماده یکصد و سی و نهم:

هرگاه مدت تعلیق تنفیذ مجازات خاتمه یابد و یا در خلال این مدت حکمی به الغای آن صدور نیافته باشد، تدابیر امنیتی اعم از اینکه نافذ و یا متوقف ساخته شده باشد حکم مربوط به آن چنان پنداشته میشود که اصلاً صادر نگردیده باشد.

ماده یکصد و چهل:

۱- به استثنای مصادره و انحلال شخص حکمی محکمه می تواند در مورد سایر تدابیر امنیتی بعد از صدور حکم باسناد مطالبه محکوم علیه یا اشخاص ذیعلاقه به تعلیق یا تعدیل تدابیر امنیتی پیش بینی شده این قانون صدور حکم نماید.

۲- اگر مطالبه مبنی بر تعلیق یا تعدیل تدابیر امنیتی از طرف محکمه مورد قبول قرار نگیرد تجدید مطالبه قبل از مرور یک سال صورت گرفته نمی تواند.

۳- محکمه باسناد مطالبه خارنوال یا صوابدید خود می تواند بدون قید زمان به تعلیق تدابیر امنیتی حکم نماید.

فصل پنجم

معاذیر قانونی و احوال مخففه قضائی

ماده یکصد و چهل و یکم:

۱- معاذیر یا تبرئه کننده از جزا میباشد و یا تخفیف دهنده آن، معاذیر تبرئه کننده و تخفیف دهنده جزا در قانون تصریح می گردد در غیر آن احوال مخففه قضائی عبارت از حالاتیست که ارتکاب جرم باسناد انگیزه شریفانه صورت گرفته باشد و یا مجرم از اثر تحریک غیر حق مجنی علیه بارتکاب جرم اقدام نموده باشد و یا محکمه آنرا از احوال و اوضاع مربوط به جرم و مجرم استنتاج نماید.

۲- محکمه باید در حکم خود معاذیر تبرئه کننده از جزا را تصریح نماید.

ماده یکصد و چهل و دوم:

معاذیر تبرئه کننده از جزا اساس منع مسؤلیت جزائی را تشکیل داده و مانع صدور حکم بر جزا های اصلی، تبعی و تکمیلی می گردد.

ماده یکصد و چهل و سوم:

۱- هرگاه معاذیر مخففه در جنایتی موجود گردد که جزای آن اعدام باشد محکمه می تواند اعدام را به حبس دوام تنزیل دهد.

۲- اگر جزای جنایت حبس دوام یا حبس طویل باشد محکمه میتواند جزای حبس دوام را به حبس طویل و جزای حبس طویل را به جزاء حبس متوسط تنزیل دهد.

ماده یکصد و چهل و چهارم:

هرگاه معاذیر مخففه در جنحه موجود گردد جزای آن به نحو آتی تخفیف می یابد:

- 1- اگر جزای پیش بینی شده حد اقل داشته باشد محکمه در تعیین جزا به آن مقید شده نمی تواند.
- 2- اگر جزای پیش بینی شده شامل حبس و جزای نقدی هر دو باشد محکمه می تواند به یکی از آن حکم نماید.
- 3- اگر حد اقل جزا در قانون تعیین نشده باشد محکمه می تواند به جزای نقدی حکم نماید.

ماده یکصد و چهل و پنجم:

هرگاه محکمه در خلال رسیدگی به دعوی دریابد که اوضاع و احوال جرم و مجرم در جنایت ارتکاب شده ایجاب رأفت می نماید، می تواند جزای های پیش بینی شده جنایت را به نحو آتی تغییر دهد:

- 1- جزای اعدام به حبس دوام یا حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد.
- 2- جزای حبس طویل به حبس متوسط یا قصیریکه از شش ماه کمتر نباشد.

ماده یکصد و چهل و هشتم:

هرگاه محکمه در خلال رسیدگی به دعوی دریابد که اوضاع و احوال جرم و مجرم در جنحه ارتکاب شده ایجاب رأفت مینماید میتواند احکام مندرج ماده (144) این قانون را تطبیق نماید.

ماده یکصد و چهل و هفتم:

در تمام حالاتیکه محکمه به تخفیف جزا مطابق احکام مواد (143-144-145-146) این قانون حکم می نماید، مکلف است معاذیر و احوالی را که بموجب آن جزا تخفیف می یابد در اسباب حکم خود تصریح نماید.

فصل ششم

احوال مشدده عمومی

ماده یکصد و چهل و هشتم:

بدون اخلال نمودن احوال خاصیکه در مورد تشدید جزا درین قانون پیشبینی شده، احوال مشدده عمومی عبارت است از:

- 1- در صورتیکه انگیزه ارتکاب جرم دنی و منحط باشد.
- 2- در صورتیکه ارتکاب جرم هنگام درک ضعف ادراک مجنی علیه و یا عجز او از دفاع بعمل آید.
- 3- در صورتیکه جرم طور وحشیانه ارتکاب یافته یا مجنی علیه مثله گردد.
- 4- در صورتیکه موظف خدمات عامه با استفاده از حیثیت و نفوذ رسمی خود مرتکب جرم گردد.
- 5- در صورتیکه ارتکاب جرم با استفاده از حالت اضطرار اقتصادی بعمل آمده باشد.

ماده یکصد و چهل و نهم:

هرگاه در جرم احوال مشدده موجود باشد محکمه می تواند به ترتیب آتی حکم نماید:

- 1- در صورتیکه جزای پیش بینی شده حبس دوام باشد به اعدام.
- 2- در صورتیکه جزای پیش بینی شده حبس طویل، حبس متوسط یا حبس قصیر باشد، به بیش از حد اکثر جزای مذکور مشروط بر اینکه از دو چند حد اکثر جزای اصلی تجاوز نکند. به همه حال تشدید جزای حبس طویل از (20) سال بیشتر بوده نمی تواند.

ماده یکصد و پنجاهم:

1- هرگاه احوال مشدده با معاذیر مخففه و یا احوال مخففه قضائی که مستوجب رأفت باشد در یک جرم جمع شود محکمه اولاً احوال مشدده،

بعداً معاذیر مخففه و اخیراً احوال مخففه قضائی مستوجب رأفت را رعایت می نماید.

2- اگر احوال مشدده معادل معاذیر مخففه و احوال مخففه قضائی مستوجب رأفت باشد محکمه میتواند بدون در نظر گرفتن تمام این احوال به جزای اصلی پیش بینی شده جرم حکم نماید. اگر احوال مشدده و معاذیر و احوال مخففه قضائی متعارض در اثرات خود متفاوت باشد محکمه می تواند به منظور تأمین عدالت قویترین آنها ترجیح بدهد.

ماده یکصد و پنجاه و یکم:

1- هرگاه ارتکاب جرم به قصد حصول کسب غیر مشروع صورت گرفته باشد و جزای پیش بینی شده آن در قانون غیر از جبران خساره باشد محکمه میتواند علاوه بر جزای پیش بینی شده به جبران خساره نیز حکم نماید مشروط بر اینکه اندازه جبران خساره از قیمت چیزیکه مجرم آنرا بدست آورده یا قصد بدست آوردن آنرا داشته تجاوز نکند.

2- این حکم وقتی قابل تطبیق است که قانون به خلاف آن تصریح نکرده باشد.

ماده یکصد و پنجاه و دوم:

اشخاص آتی متکرر جرم شناخته می شوند:

1- شخصیکه به اثر ارتکاب جنایت محکوم به جزا گردیده بعد از صدور حکم قطعی و قبل از انقضای مدتیکه قانون برای اعاده حیثیت تعیین نموده مرتکب جنایات یا جنحه گردد.

2- شخصیکه به اثر ارتکاب جنحه محکوم به جزا گردیده بعد از صدور حکم قطعی و قبل از انقضای مدتیکه قانون برای اعاده حیثیت تعیین نموده مرتکب جنایت یا جنحه مماثل جنحه اولی گردد.

ماده یکصد و پنجاه و سوم:

جرایمیکه در یک فقره از فقرات آتی ذکر گردیده مماثل شناخته میشوند:

1- اختلاس، سرقت، حيله و فریب، تهدید، خیانت در امانت، غصب اموال و اسناد و اخفای اشیائیکه ازین جرایم بدست آمده و یا حیات اشیای مذکور بصورت غیر مشروع.

2- قذف، دشنام، اهانت و افشای اسرار.

3- جرایم ضد آداب عامه و حسن اخلاق.

4- قتل و اذیت عمدی.

5- سایر جرایم عمدی ایکه تحت یک باب در این قانون تصریح یافته است.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم:

احکام محاکم خارجی در تکرار جرم مدار اعتبار نمی باشد، مگر اینک در مورد جرایم جعل پول دولت افغانستان یا جعل پول سایر دول صادر شده باشد.

فصل هفتم

تعدد جرایم و تأثیر آن در جزا

ماده یکصد و پنجاه و پنجم:

هرگاه از ارتکاب فعل واحد جرایم متعدد بوجود آید مرتکب به جزای جرمی محکوم می گردد که جزای آن شدید تر باشد. در صورتیکه جزاهای پیش بینی شده مماثل هم باشند به یکی از آن حکم میشود.

ماده یکصد و پنجاه و ششم:

هرگاه ارتکاب جرایم متعدد در نتیجه افعال متعدد صورت گرفته باشد و این جرایم بایکدیگر طوری مرتبط باشند که تجزیه را قبول نکند و

تأمین هدف واحد جرایم مذکور را باهم جمع کرده باشد. محکمه به جزای پیش بینی شده هریک از جرایم حکم نموده و تنها به تنفیذ جزای شدید ترین تصریح می دارد. این امر مانع تنفیذ جزای تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی که به حکم قانون تعیین گردیده و یا از رهگذر جرایم دیگر محکوم بها واقع شده باشد نمی گردد.

ماده یکصد و پنجاه و هفتم:

هرگاه شخص به جزای خفیف محکوم گردیده باشد و بعداً به علت ارتکاب جرم دیگر به جزای شدیدتر محکوم شود جزای اخیر الذکر بالای آن تطبیق گردیده و مدت حبسی را که از رهگذر محکومیت اولی سپری نموده بوی مجرا داده می شود.

ماده یکصد و پنجاه و هشتم:

هرگاه شخص مرتکب جرایم متعدد گردد و این جرایم با یکدیگر مرتبط نبوده و قبل از صدور حکم در مورد یکی از آن ها وحدت و هدفی که جرایم مذکور را باهم جمع کند موجود نباشد محکمه به جزای پیش بینی شده هر جرم حکم می نماید و جزای محکوم بها یکی بعد دیگر بالای وی تنفیذ می گردد، مشروط بر اینکه مجموع مدت حبس از بیست سال تجاوز نکند.

ماده یکصد و پنجاه و نهم:

هرگاه شخص به اثر ارتکاب جرم محکوم گردیده و بعداً به اثر ارتکاب جرم دیگر محکوم به جزا گردد هر دو جزا یکی بعد دیگر بالای وی تنفیذ میشود گرچه مجموع مدت حبس از بیست سال تجاوز کند.

ماده یکصد و شصتم:

جزای نقدی، تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی بهر اندازه ای که متعدد گردد قابل تنفیذ می باشد.

فصل هشتم

تعلیق تنفیذ

ماده یکصد و شصت و یکم:

1- هرگاه در جرایمی که جزای آن حبس الی (دو سال) یا جزای نقدی تا (بیست و چهار هزار) افغانی باشد محکمه نظر به اخلاق، سوابق و سن محکوم یا احوال دیگری که موجب ارتکاب جرم گردیده متیقن شود که وی دوباره مرتکب جرم نمی گردد می تواند به تعلیق تنفیذ حکم تصریح نماید و آنرا شامل جزای تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی بسازد.

2- محکمه مکلف است در حکم خویش اسباب تعلیق مجازات را ذکر نماید.

ماده یکصد و شصت و دوم:

مدت تعلیق تنفیذ سه سال می باشد و از تاریخ قطعیت حکم محاسبه می گردد.

ماده یکصد و شصت و سوم:

تعلیق تنفیذ در یکی از حالات آتی ملغی قرار گرفته می تواند:

1- در حالتیکه محکوم علیه در خلال مدت تعلیق مرتکب جرم مماثل یا شدیدتر گردد.

2- در حالتیکه در خلال مدت تعلیق ثابت شود که شخص قبل از صدور حکم تعلیق تنفیذ، به جزای جنحه یا جنایت محکوم گردیده و محکمه از آن واقف نبوده است.

3- در حالتیکه محکوم علیه در خلال مدت تعلیق مرتکب جنایت یا جنحه گردد که جزای آن حبس بیشتر از سه ماه باشد اعم از اینکه حکم بر مجازات وی در اثنای این مدت و یا بعد از انقضای آن صادر گردد.

ماده یکصد و شصت و چهارم:

الغای تعلیق تنفیذ از طرف محکمه ای صورت می گیرد که حکم تعلیق تنفیذ را صادر نموده است.

اگر سبب الغای تعلیق تنفیذ جزای باشد که بعد از تعلیق تنفیذ به آن حکم گردیده، درینصورت حکم الغای تعلیق را محکمه ای صادر می نماید که به جزای متذکره حکم نموده است. اعم از اینکه صدور حکم نظر به صوابدید خود محکمه یا مطالبه خارنوال باشد.

ماده یکصد و شصت و پنجم:

الغای تعلیق تنفیذ حکم مستلزم اعاده جزای محکوم بها به شمول جزای تبعی، تکمیلی و تدابیر، امنیتی می باشد.

ماده یکصد و شصت و هشتم:

هرگاه محکوم علیه در خلال مدت تعلیق تنفیذ مرتکب جرم نگردد آثار حکم از بین رفته چنان پنداشته می شود که اصلا حکم صادر نگردیده باشد.

باب پنجم

سقوط جرایم و جزاها

فصل اول

احکام عمومی

ماده یکصد و شصت و هفتم:

جرم بیکی از اسباب آتی ساقط می گردد:

1- وفات متهم.

2- عفو عمومی.

ماده یکصد و شصت و هشتم:

1- حکمیکه در مورد جزا یا تدابیر امنیتی صادر گردیده به عفو عمومی اعاده حیثیت و انقضای مدت تعلیق تنفیذ مشروط بر اینکه در خلال مدت مذکور موجبات الغای آن واقع نشده باشد، ساقط میگردد.

2- جزای اصلی، جزای تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی به اثر سقوط حکم بعلت یکی از اسباب مندرج فقرة فوق وفات محکوم علیه و عفو خاص با رعایت احکام مندرج فصل دوم این باب ساقط می گردد.

فصل دوم

احکام تفصیلی

وفات محکوم علیه

ماده یکصد و شصت و نهم:

1- هرگاه محکوم علیه قبل از قطعیت حکم فوت گردد جرم با تمام آثار آن ساقط میگردد ولی شخصیکه به اثر این جرم متضرر گردیده می تواند در محکمه اختصاصی مدنی اقامه دعوی نماید.

2- اگر محکوم علیه بعد از قطعیت حکم فوت گردد، جزا و تدابیر امنیتی محکوم بها ساقط می گردد. این امر مانع تنفیذ حکم مبنی بر جزای

مالی، تدابیر امنیتی مالی، پرداخت تعویضات و آنچه اعاده اش لازم است بر متروکه او نمی گردد.

قسمت دوم

عفو عمومی و خصوصی

1- عفو عمومی

ماده یکصد و هفتادم:

1- عفو عمومی توسط قانون صادر می گردد و به اثر آن دعوی منقضی و حکمی که بر محکومیت مجرم صادر شده محو میگردد.

عفو عمومی تمام جزا های اصلی، تبعی، تکمیلی و تدابیر امنیتی را ساقط می سازد و بر جزاهای تنفیذ شده قبلی تاثیر ندارد، مشروط بر اینکه قانون عفو بخلاف آن حکم کرده باشد.

2- اگر قانون عفو عمومی در مورد یک جزا از جزای محکوم بها صادر شده باشد، در حکم عفو خصوصی بوده احکام عفو خصوصی بر آن تطبیق می گردد.

3- عفو عمومی موجب اخلال حقوق غیر نمی گردد.

2- عفو خصوصی

ماده یکصد و هفتاد و یکم:

1- عفو خصوصی توسط فرمان جمهوری صادر می گردد و به اثر آن تمام یا بعضی جزای قطعی محکوم بها ساقط می گردد و یا به جزای خفیف تری که در قانون پیش بینی شده تبدیل میگردد.

2- عفو خصوصی جزاهای تبعی، تکمیلی و آثار جزایی دیگر و تدابیر امنیتی را ساقط نمی سازد. همچنان بر جزاهای تطبیق شده قبلی تاثیر ندارد مگر در صورتیکه فرمان عفو بخلاف آن تصریح نموده باشد.

قسمت سوم

اعاده حیثیت و تاخیر تنفیذ حکم

ماده یکصد و هفتاد و دوم:

در مورد اعاده حیثیت و تاخیر تنفیذ حکم احکام قانون اجراآت جزائی تطبیق میگردد.

کتاب دوم

جنايات، جنح، قباَحــــــــــــــــات و جزا های آن

باب اول

جنايات و جنح ضد منفعت عامه

فصل اول

جرائم علیه امنیت خارجی دولت

ماده یکصد و هفتاد و سوم:

هرگاه شخص مرتکب عملی گردد که در نتیجه آن اراضی دولت افغانستان تماماً یا قسمأ تحت حاکمیت دولت خارجی قرار گیرد و یا به استقلال یا تمامیت ارضی آن صدمه وارد گردد و یا قسمتی از اراضی تحت حاکمیت دولت از اداره آن مجزا شود، به اعدام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و چهارم:

هرگاه شخص برای ورود دشمن به کشور تسهیلات فراهم نماید یا شهر، قلعه، تأسیسات، مرکز ویدیوی اسلحه و مهمات حربی، ذخیره مواد ارتزاقی، وسیله مواصلاتی، فابریکه و مرکز تولیدی و دیگر اشیائیرا که بمنظور دفاع از کشور آماده گردیده ویا در راه دفاع از کشور بکار برده میشود به دشمن تسلیم نماید، به اعدام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و پنجم:

هرگاه شخص به اشتراک اشخاص یا دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت کار میکنند علیه دولت افغانستان قیام مسلح نماید، به اعدام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و هشتم:

هرگاه شخص به دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت در حال قیام مسلح به اعمال تجاوز کارانه علیه دولت افغانستان کار می کنند جاسوسی نماید، به اعدام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و نهم:

1- هرگاه شخص به قوای مسلح داخل جنگ با دولت افغانستان بیبوند، به اعدام محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب یابد مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و دهم:

1- هرگاه شخص در زمان جنگ به نحوی از انحاء سری از اسرار دفاعی کشور را به دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت کار میکنند تسلیم یا افشا نماید، به اعدام محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و یازدهم:

1- هرگاه شخص در زمان جنگ به نحوی از انحاء به کسب اطلاع به سری از اسرار دفاعی کشور به قصد تسلیم یا افشای آن به دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت کار میکنند پردازد، با اعدام محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و چهارم:

1- هرگاه شخص در زمان جنگ شی از اشیائی را که سری از اسرار دفاعی کشور شمرده میشود به نفع دولت خارجی تلف یا غیر قابل استفاده گرداند، به اعدام محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و پنجم:

هرگاه شخص عساکر را به داخل شدن به خدمت زیر بیرق دولت خارجی ایکه بادولت افغانستان در حالت جنگ قرار دارد تحریک نماید ویا زمینه آنرا آماده سازد ویا به نحوی از انحاء به جمع آوری عساکر، اشخاص، اموال، تجهیزات یا وسایل، یا به اتخاذ تدابیر به نفع دولت در حال جنگ با افغانستان پردازد، به اعدام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و ششم:

1- هرگاه شخص در زمان جنگ روحیه ملی قوای مسلح دولت یا مردم را به نفع دشمن بهر وسیله ایکه باشد متزلزل سازد یا معنویات ویا قدرت دفاعی آن را ضعیف گرداند به اعدام محکوم میگردد.

2- اگر جرایم مندرج فقره فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس طویل محکوم میگردد.

ماده یکصد و هفتاد و هفتم:

1- هرگاه مامور، اجیر یا سایر موظفین خدمات عامه سری از اسرار دفاعی کشور را در زمان جنگ بدون قصد تسلیم یا افشای آن را

بدولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت کار میکنند افساء نماید، به نحویکه موقف دفاعی، سیاسی یا اقتصادی کشور را متضرر سازد مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس طویل محکوم میگردد.

ماده یکصد و هشتاد و چهارم:

1- شخصیکه در زمان جنگ عمداً اخبار، اعلامیه ها، اظهارات دروغ یا مغرضانه را نشر نماید یا عمداً به پروپاگند تحریک آمیز یا تبلیغ شفوی یا تحریری بهر وسیله که باشد دست زند به نحویکه به قدرت دفاعی کشور یا عملیات نظامی قوای مسلح ضرر رساند و یا اینکه بین مردم هرج و مرج تولید نماید و یا معنویات مردم را ضعیف سازد، به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

2- اگر ارتکاب جرایم مندرج فقره فوق نتیجه تماس مخابراتی با دولت خارجی باشد، مرتکب به حبس دوام و اگر نتیجه تماس مخابراتی با دولت خارجی طبرف خصوصاً دولت افغانستان باشد، به اعدام محکوم میگردد.

3- اگر جرایم مندرج فقره (1) این ماده در غیر از زمان جنگ واقع گردد مرتکب به حبس متوسط محکوم میگردد.

4- اگر جرایم مندرج فقره (2) این ماده در غیر از زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.

ماده یکصد و هشتاد و پنجم:

هرگاه شخص به منظور بدست آوردن منفعت مادی یا معنوی برای خود یا شخص دیگر به قوای مسلح دشمن طور مستقیم یا غیر مستقیم در غیر از حالات مندرج مواد فوق خدمتی را انجام دهد، به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده یکصد و هشتاد و ششم:

1- شخصیکه در زمان جنگ خود او یا توسط شخص دیگر از داخل کشور یا از طریق کشور دیگر اجناس، تولیدات و سایر اشیا را بدون موافقه دولت به کشوریکه با افغانستان داخل جنگ باشد صادر و یا اشیا مذکور فوق را از دولت متحارب به افغانستان وارد نماید، علاوه بر مصادره اموال موضوع جرم به حبس طویل و جزای نقدی پنج چند قیمت اجناس اشیا مذکور محکوم میگردد.

2- اگر اشیا موضوع جرم ضبط نگردیده باشد متهم به تادیبه قیمت آن نیز محکوم میگردد.

ماده یکصد و هشتاد و هفتم:

1- هرگاه شخص در زمان جنگ خود او یا توسط شخص دیگر یا اتباع یا دولت داخل جنگ با دولت افغانستان بدون موافقه دولت یا با وکلا یا نماینده تجارتی دولت مذکور بهر جائیکه اقامت داشته باشند مناسبات تجارتی قایم نماید، علاوه بر مصادره اموال موضوع جرم به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد و جزای نقدی ایکه از صد هزار افغانی کمتر و از یک ملیون افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر اشیا موضوع جرم مندرج فقره فوق ضبط نگردیده باشد محکمه به تادیبه قیمت آن نیز حکم می نماید.

ماده یکصد و هشتاد و هشتم:

1- هرگاه شخص در زمان جنگ به اجرای تمام یا قسمتی از تعهدات خود با دولت مبنی بر توريد یا رساندن مواد مورد ضرورت قوای مسلح یا مواد ارتزاقی و یا سایر موادیکه جهت وقایه اهالی بکار می رود عمداً خلل وارد نماید و یا به نحوی از انحا در اجرای تعهدات متذکره به حیل یا تقلب متوسل گردد، به حبس طویل محکوم میگردد.

این حکم شامل وکیل، ممثل یا وسیط در تعهدات متذکره نیز می باشد.

2- اگر جرایم مندرج فقره فوق منجر به تضعیف قدرت و حرکات دفاعی کشور یا عملیات قوای مسلح گردد، مرتکب به اعدام محکوم میگردد.

ماده یکصد و هشتادونهم:

هرگاه در اجرای تمام یا قسمتی از تعهدات مندرج ماده (188) این قانون در زمان جنگ به سبب اهمال یا تقصیر اخلاص واقع گردد، مرتکب آن به حبس متوسط که کمتر از یکسال نباشد و جزایهای نقدی که از پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد و یا به یکی از این دو جزا محکوم میگردد.

ماده یکصد و نودم:

هرگاه شخص به وسیله غیر مشروع به سری از اسرار کشور اطلاع حاصل نماید مشروط بر اینکه قصد تسلیم یا افشای آنرا به دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت کار میکنند نداشته باشد، به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده یکصد و نودیکم:

هرگاه شخص به دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت کار میکنند اخبار، معلومات، اشیاء، مکاتیب، اسناد، نقشه ها، رسم ها و سایر اشیای مربوط به دواير حکومتی، تصدی های دولت یا مؤسسات عام المنفعه که به مصالح سیاسی یا دفاعی کشور مربوط نباشد و نشر و توزیع آن به اشخاص خارجی مطابق به احکام قانون یا مقررات ممنوع شناخته شده باشد تسلیم نماید، به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده یکصد و نود و دوم:

1- هرگاه شخصی عمداً یکی از وسایط هوایی، زمینی یا آبی، راه و سایر تأسیساتی را که متعلق به عسکری بوده و یا به خدمت قوای مسلح دولت تخصیص داده شده باشد، قسماً یا تماماً تخریب کرده و یا آن را غیر قابل استفاده گرداند، به حبس طویل محکوم میگردد.

2- اگر جرایم مندرج فقره فوق در یکی از حالات آتی ارتکاب گردد مرتکب به اعدام محکوم میگردد:

1- در حالیکه فعل به نفع دولتی ارتکاب گردد که با دولت افغانستان داخل جنگ باشد.

2- در حالیکه فعل احضارات دفاعی دولت یا قدرت دفاعی یا حرکات نظامی آن را معروض به تهلکه سازد.

ماده یکصد و نود و سوم:

1- هرگاه شخص در غیر از حالات پیش بینی شده مواد فوق بمنظور ارتکاب عملی به منافع ملی ضرر رساند از دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت کار می کنند برای خود یا شخص دیگر پول یا منفعت را خود یا توسط شخص دیگر اخذ، طلب یا قبول نماید یا وعده گرفتن آنرا بدهد، به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از یکصد هزار افغانی کمتر و از اندازه ایکه داده شده و یا وعده به آن صورت گرفته بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- اگر مرتکب از جمله مامورین، اجیران یا سایر موظفین خدمات عامه باشد یا جرم مندرج فقره فوق در زمان جنگ ارتکاب گردد، مرتکب به حبس دوام و عین جزای نقدی مندرج فقره فوق محکوم میگردد.

3- شخصیکه به قصد ارتکاب عمل مخالف منافع ملی یکی از اشیای متذکره فوق را به شخصی بدهد یا عرضه نماید یا به تادیبه آن وعده کند یا در اجرای آن وساطت نماید، بعین جزای فقره فوق محکوم میگردد. اگر طلب قبولی وساطت و یا وعده تحریری صورت گیرد جرم مذکور به مجرد صدور مکتوب انجام شده تلقی میشود.

ماده یکصد و نود و چهارم:

(1) اشخاص آتی به حبس دوام محکوم می گردند:

1- شخصیکه به نفع دولت خارجی یا اشخاصیکه به نفع آن دولت کار میکنند به قصد ضرر رساندن بمرکز حربی، سیاسی، دیپلوماسی یا اقتصادی افغانستان جاسوسی نماید.

2- شخصیکه با وجود علم به خاصیت جرمی عمل اوراق یا اسنادی را که مربوط امنیت دولت یا سایر منافع ملی باشد عمداً تلف، پنهان، اختلاس یا تزویر نماید.

(2) شخصیکه جرایم مندرج این ماده را در زمان جنگ مرتکب گردد، به اعدام محکوم میگردد.

ماده یکصد و نود و پنجم:

شخصیکه در یکی از امور دولتی به اجرای مذاکرات با دولت خارجی مکلف گردیده آنرا عمداً علیه منفعت افغانستان انجام دهد، به حبس دوام محکوم میگردد.

ماده یکصد و نود و هشتم:

1- هرگاه شخص بدون اجازه دولت به احضار عساکر یا به عمل تجاوز کارانه دیگری علیه دولت خارجی بپردازد که به اثر آن دولت افغانستان بخطر جنگ مواجه گردد به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق بالفعل منجر به جنگ گردد مرتکب به اعدام محکوم میگردد.

3- اگر جرم مندرج فقره (1) این ماده تنها منجر به قطع علائق سیاسی یا رویه بالمثل گردد، مرتکب به حبس طویل که از دوازده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده یکصد و نود و هفتم:

(1) اشخاص آتی به حبس متوسط محکوم میگرددند:

1- هر افغان که عمداً در خارج اخبار، بیانات یا پروپاگند غلط و مغرضانه را در مورد اوضاع داخلی کشور نشر نماید که موجب تضعیف اعتبار مالی، حیثیت یا اعتبار دولت گردد.

2- هر افغان که در خارج کشور به نحوی از انحاء فعالیت را انجام دهد که با اثر آن منافع ملی متضرر گردد.

(2) اگر جرایم مندرج این ماده در زمان جنگ ارتکاب گردد مرتکب به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده یکصد و نود و هشتم:

1- اشخاص آتی به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد و یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگرددند:

1- شخصیکه بدون اجازه مقامات مربوطه در فضای افغانستان پرواز نماید.

2- شخصیکه بدون اجازه مقامات مربوطه به قلعه ها، تأسیسات دفاعی یا امنیتی، قشله های عسکری، پایگاه های نظامی مراکز قوای مسلح، طیارات، موتر های جنگی و سایر مواضع نظامی یا امنیتی و فابریکه هائیکه در آن برای منفعت دفاعی کشور کار جریان دارد و عامه مردم از داخل شدن در آن ممنوع باشند، داخل گردد.

3- شخصیکه به گرفتن عکس ها رسم ها یا نقشه های مراکز عسکری یا جاهای ممنوعه دیگر اقدام نماید.

2- اگر در تمام حالات مندرج این ماده جرم بیکی از و سایل فریب جعل، اخفای شخصیت، پیشه، کسب یا تابعیت ارتکاب گردد و یا جرم در زمان جنگ واقع شود مرتکب به حبس متوسطه ایکه از یکسال کمتر نباشد و جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از پنجاه هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

3- در صورت اجتماع هردو حالت مندرج فقره (2) این ماده مرتکب به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

4- شروع در جرایم مندرج فقرات این ماده در حکم ارتکاب جرایم مذکور می باشد.

ماده یکصد و نود و نهم:

(1) اشخاص آتی در جرایم مندرج این فصل بحیث شریک در جرم مجازات می شوند:

1- شخصیکه با وجود علم به قصد جرمی مجرم باوی کمک نماید ویا وسایل معیشت، سکونت، پناه گاه، مکان، اجتماع ویا سایر تسهیلات را برای مجرم فراهم نماید یا حامل مکاتیب وی گردد ویا او را پنهان نماید ویا نقل دهد.

2- شخصیکه با وجود علم اشیائی را که در ارتکاب جرم استعمال شده یا به آن منظور آماده شده باشد یا اشیائی را که از ارتکاب جرم بدست آمده پنهان نماید.

3- شخصیکه سندی را که در کشف جرم، دلایل و مجازات مجرم تسهیلات فراهم میسازد تلف، اختلاس یا پنهان نماید ویا آنرا عمداً تغییر دهد.

(2) در حالات فوق محکمه می تواند شوهر، زن، اصول و فروع مجرم را بجزا محکوم ننماید مگر اینکه قانون طور دیگری حکم کرده باشد.

ماده دوصدم:

- 1- هرگاه شخص بعد از ارتکاب جرم و قبل از تعقیب عدلی بمامورین ضبط قضائی اطلاع و شهرت کامل مرتکبین یا شرکای جرم یا سایر معلومات ضروری مربوط به کشف جرم را بدسترس مامورین ضبط قضائی قرار دهد یا اینکه مرتکبین جرم مماثل جرم مرتکبه را بمقامات مربوطه معرفی کند محکمه می تواند احوال مخففه را در مورد او رعایت کند.
- 2- اگر اطلاع قبل از ارتکاب و اتمام جرم به مقامات مربوط صورت بگیرد، اطلاع دهنده از مجازات معاف میگردد.

ماده دوصدو یکم:

معلومات آتی از جمله اسرار دفاعی کشور شمرده میشود:

- 1- معلومات نظامی، سیاسی، دیپلوماسی، اقتصادی و صنعتی که نظر به ماهیت آن غیز از اشخاصی که رسماً به آن سروکار دارند مصلحت دفاعی کشور لازم گردانیده باشد که اشخاص دیگر به آن اطلاع حاصل نکنند.
 - 2- مکاتیب، نوشته جات، اسناد، رسم ها، نقشه ها، تصاویر، عکس ها و سایر اشیائیکه مصلحت دفاعی کشور لازم گردانیده باشد که غیز از اشخاصیکه رسماً به آن سروکار دارند اشخاص دیگر به آن اطلاع حاصل نکنند.
 - 3- اخبار و معلومات مربوط به تشکیلات و سوقیات نظامی، وسایل حربی و بطور عموم معلوماتی که بامر نظامی و استراتژیکی متعلق و از طرف قوماندانیت اعلی اردو به نشر آن اجازه تحریری صادر نشده باشد.
 - 4- اخبار و معلومات مربوط بتدابیر و اجراءاتیکه برای کشف و تحقیق جرایم مندرج این فصل یا محاکمه مرتکبین آن اتخاذ میگردد.
- با آنهم محکمه با صلاحیت میتواند نشر گزارشات را که لازم بیند اجازه دهد.

ماده دوصدو دوم:

حالت جنگ عبارت است از شروع الی ختم تصادم.

مدتی که در آن احتمال تصادم قریب با دشمن موجود باشد نیز در حکم حالت جنگ می باشد.

ماده دوصدو سوم:

جمعیت های سیاسی که دولت افغانستان آنها را به رسمیت نشناخته باشد و با اوشان در حالت جنگ قرار گیرد در حکم دولت خارجی می باشند.

فصل دوم

جرایم علیه امنیت داخلی دولت

ماده دوصدو چهارم:

شخصیکه با استعمال قوت به از پا در انداختن رژیم جمهوری افغانستان اقدام کند به اعدام محکوم می گردد.

ماده دوصدو پنجم:

1- شخصیکه با استعمال قوت به منقلب ساختن یا تغییر قانون اساسی دولت یا شکل دولت اقدام نماید به حبس دوام محکوم میگردد.

2- اگر اقدام به عمل جرمی مندرج فقره فوق توسط جمعیت مسلح صورت گیرد مؤسس، رئیس و هر شخصیکه به نحوی از انحراف رهبری جمعیت مسلح مذکور را به عهده داشته باشد به اعدام محکوم می گردد.

ماده دوصدو ششم:

1- شخصیکه علیه حیات رئیس جمهور تجاوز یا آزادی او را سلب نماید به اعدام محکوم می گردد.

2- مرتکب شروع به جرم مندرج فقره فوق به حبس دوام محکوم می گردد.

ماده دوصد و هفتم:

1- شخصیکه با استعمال قوت، تهدید یا دهشت افگنی رئیس جمهور را به اجرای عملی که قانوناً صلاحیت آن را داشته باشد و یا به امتناع از آن جبراً و ادار سازد به حبس دوام محکوم می گردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق علیه یکی از روسای ارگان دولت یا اعضای حکومت یا پارلمان صورت گیرد مرتکب به حبس طویل محکوم میگردد.

ماده دوصد و هشتم:

شخصیکه اردو و یا مردم افغانستان را به قیام مسلح علیه دولت افغانستان دعوت نماید به اعدام محکوم میگردد. مشروط بر اینکه در نتیجه این دعوت قیام صورت گیرد در غیر آن مرتکب به حبس طویل محکوم می گردد.

ماده دوصد و نهم:

شخصیکه برای ارتکاب جرایم مندرج مواد (204- 205 و 208) این قانون در بین مردم تبلیغ شفوی یا تحریری نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده دوصد و دهم:

شخصیکه مردم را به جنگ داخلی علیه یکدیگر تحریک کند، در صورت وقوع قتال به حبس دوام و در صورت عدم وقوع قتال اگر باعث ایجاد بی نظمی و غارت گردد حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد و در صورتیکه تحریک شخص مذکور مؤثر واقع نگردد، مرتکب حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده دوصد و یازدهم:

1- شخصیکه به قصد جرمی قیادت فرقه یا گروه عسکری، طیاره جنگی، تهانه یا قشله عسکری را بدون امر دولت و بدون سبب مشروع بدوش گیرد، به اعدام محکوم میگردد.

2- شخصیکه با وجود صدور امر دولت مبنی بر منع قیادت به عمل خود ادامه دهد یا اینکه قوماندان قوه عسکری بعد از صدور امر دولت راجع به گذاشتن سلاح، عساکر تحت اثر خود را مسلح و به حالت جمع نگه دارد، به اعدام محکوم میگردد.

ماده دوصد و دوازدهم:

1- شخصیکه بر افراد قوای مسلح یا پولیس و ژاندارم حق امر و قومانده داشته و یا داشتن قصد جرمی به آنها احکام معطل قرار دادن اوامر دولت را صادر نماید، به حبس طویل محکوم می گردد.

2- اگر به اثر جرم مندرج فقره فوق اجرای اوامر دولت با الفعل معطل گردد، مرتکب حسب احوال به اعدام یا حبس دوام محکوم میگردد.

3- صاحبمنصبان مادون که از این احکام اطاعت نمایند حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردند.

ماده دوصد و سیزدهم:

1- شخصیکه ریاست دسته جنایت کاران مسلح یا به نحوی از انحا قیادت رادر آن به قصد غصب و غارت اراضی یا اموال دولتی یا اموال جمعیتی از مردم را بدوش گیرد یا در برابر عساکر یا قوای امنیتی مقاومت نماید که برای منکوب ساختن مجرمین این دسته جنایتکاران مکلف شده اند، به اعدام محکوم می گردد.

2- شخصیکه دسته جنایتکاران مندرج فقره فوق را اداره و تنظیم نماید، حسب احوال به حبس دوام یا حبس طویل محکوم می گردد.

3- سایر اعضای دسته جنایت کاران مندرج فقره فوق حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردند.

ماده دوصد و چهاردهم:

اشخاص آتی حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردند:

1-شخصیکه به دسته جنایت کاران مندرج ماده (213) این قانون اسلحه و سایر وسایل حربی تهیه نماید که در جرم مورد استفاده قرار گیرد یا با وجود علم به خاصیت جرمی آن مواد ارتزاقی بدسته مذکور ارسال نماید.

2-شخصیکه بدسته مذکور با وجود علم بصفت و هدف جرمی آن جای سکونت یا پناه گاه بدهد یا به آنها محل اجتماع تهیه نماید.

ماده دوصدوپانزدهم:

شخصیکه در دسته جنایت کاران مندرج مواد (213 و 214) این قانون شامل بوده و در آن کدام عهده یا قیادتی نداشته باشد و به اولین اخطار مقامات عسکری یا امنیتی فوراً از دسته خارج گردد، بحيث شریک جرم مجازات نمی گردد، مگر اینکه جنایت دیگری را مرتکب شده باشد.

ماده دوصدو شانزدهم:

1-شخصیکه با استعمال قوت به اشغال بناهای دولتی، مؤسسات و دیگر اماکنی که بمنظور منفعت عامه اعمار گردیده اقدام نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.

2-اگر جرم مندرج فقره فوق توسط دسته مسلح ارتکاب گردد، مؤسس، سر دسته و شخصیکه به نحوی از انحا قیادت آنرا به عهده داشته باشد به اعدام محکوم میگردد.

ماده دوصدو هفدهم:

1-شخصیکه عمداً عمرانات، املاک عامه، املاک مختص به دواير دولتی، مؤسسات عامه یا جمعیت هائیکه قانوناً به غرض تأمین منافع عامه تأسیس یافته باشد، طوری منهدم سازد که قابلیت انتفاع را بصورت کلی یا جزئی نداشته باشد، حسب احوال به حبس طویل یا حبس متوسط محکوم می گردد.

2-اگر جرم مندرج فقره فوق در حالت اضطرار یا بـــــــ قصد ایجاد بی نظمی ویا ایجاد رعب و ترس در بین مردم ارتکاب گردد، مرتکب بـــــــه حبس طویل کـــــــه از ده سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

3-اگر به اثر جرم مندرج فقره (1) این ماده شخصیکه در اماکن مذکور موجود باشد فوت گردد، مرتکب به اعدام محکوم می گردد.

4-در جمیع حالات مندرج این ماده مجرم علاوه بر جزای اصلی به تادیبه قیمت اشیائیکه منهدم یا تخریب نموده نیز محکوم میگردد.

ماده دوصدو هجدهم:

شخصیکه بیرق جمهوری افغانستان را به قصد توهین فرود آرد یا پاره کند، به حبس طویل محکوم می گردد.

ماده دوصدو نوزدهم:

شخصیکه دیگران را به موافقت نمودن جهت اشتراک به عملی دعوت کند که غرض آن ارتکاب جرمی از جرایم پیش بینی شده مواد (204-205-212-214-216 و 217) این قانون باشد به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد محکوم میگردد، مشروط بر اینکه دعوت وی به این منظور مورد قبول واقع نشده باشد.

ماده دوصدو بیستم:

1-شخصیکه بر پلان ارتکاب جرایم پیش بینی شده مواد (204-205-212-213-214-216 و 217) این قانون علم داشته باشد واز آن بمقامات مربوط اطلاع ندهد، حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

2-محکمه میتواند در حالات مندرج فقره فوق شوهر، زن، اصول و فروع مجرم را به جزا محکوم ننماید مگر اینکه قانون طور دیگری حکم نموده باشد.

ماده دوصدو بیست و یکم:

1-شخصیکه سازمانی را بنام حزب، جمعیت، هیأت یا گروه ایجاد، تأسیس، تنظیم یا اداره نماید که هدف آن منقلب ساختن یا از بین بردن یکی از ارزشهای اساسی ملی قبول شده سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و کلتوری دولت باشد یا برای ترویج وگرایش به آن بهر وسیله که باشد تبلیغات یا نشرات نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2-اگر حزب، جمعیت، هیأت یا گروه مندرج فقره فوق برای تأمین اهداف خود به استعمال قوت یا دهشت افگنی ویا سایر وسایل غیر مجاز

متوسل گردد، مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد.

3- احکام مندرج فقرات (1) و (2) این ماده به هر خارجی مقیم افغانستان و بهر افغان مقیم خارج که سازمانهای متذکره فقرات مذکور یا فرعی از فروع آنرا در خارج ایجاد، تأسیس، اداره یا تنظیم نمایند و یا در ایجاد، تأسیس، اداره یا تنظیم فرعی از فروع این چنین سازمان ها در داخل افغانستان بپردازد گرچه مرکز آن در خارج افغانستان باشد، نیز تطبیق می گردد.

4- شخصی که یکی از سازمان های مندرج فقره (1) این ماده یا به فرعی از فروع آن ملحق شود به عین جزای پیش بینی شده فقره (1) این ماده محکوم میگردد.

5- شخصی که خود یا توسط شخص دیگر به سازمانهای مندرج فقره (1) این ماده یا به فرعی از فروع آن بمنظور تأمین اهداف غیر مشروع ارتباط قائم نماید یا سبب تشویق الحاق اشخاص دیگر به آن گردد حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده دوصدو بیست و دوم:

شخصی که خود یا توسط شخص دیگر مطبوعات، نوشته جات یا نشراتی را که بمنظور تأمین و ترویج اهداف سازمانهای مندرج ماده (221) این قانون یا فرعی از فروع آن آماده توزیع و اطلاع دیگران گردیده در حیات خود داشته باشد، بفروشد یا به فروش عرضه نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده دوصدو بیست و سوم:

شخصی که وسیله ای از وسایل طبع، ثبت، نشر یا اعلان را به منظور تبع، ثبت، نشر و پخش اعلامیه ها، قطعنامه ها، شبنامه ها، ترانه ها، رساله ها و یا تبلیغات مربوط به سازمان های مندرج ماده (221) این قانون یا فرعی از فروع آن برای تأمین و ترویج اهدافی که در فقره (1) ماده (221) تذکر یافته است در حیات خود گرچه طور مؤقت باشد حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده دوصدو بیست و چهارم:

1- شخصی که بدون اجازه مقامات ذیصلاح در داخل افغانستان به ایجاد، تأسیس، اداره یا تنظیم جمعیت، هیأت یا گروه غیر سیاسی که صبغه بین المللی داشته باشد بپردازد، به حبس که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر ایجاد، تأسیس، اداره یا تنظیم سازمانهای مندرج فقره فوق به اساس اجازه نامه جعلی بنا یافته باشد، مرتکب به دو چند جزای پیش بینی شده فقره مذکور محکوم میگردد.

ماده دوصدو بیست و پنجم:

1- شخصی که خود یا توسط شخص دیگر به نحوی از انحا مبالغ پولی یا هر نوع منفعت یا مساعدت مادی دیگر را از منابع داخلی یا خارجی به منظور ارتکاب جرائم مندرج مواد (221-222-223-224) این قانون بدست آورد، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

2- شخصی که از طریق مساعدت پولی یا مادی سبب تشویق دیگران به ارتکاب جرائم مندرج مواد (221-222-223-224) این قانون گردد گرچه قصد اشتراک در ارتکاب آنرا نداشته باشد، به نصف جزای پیش بینی شده فقره فوق محکوم میگردد.

ماده دوصدو بیست و ششم:

در تمام احوال مندرج مواد (221-222-223) این قانون محکمه به انحلال سازمانها و فروع آن و مسدود ساختن مراکز، دفاتر و نمایندگی های آن حکم می نماید.

ماده دوصدو بیست و هفتم:

1- در تمام احوال مندرج مواد (221 الی 223) این قانون محکمه به مصادره دارائی، اوراق و اسناد وسایر اشیائی که در ارتکاب جرم بکار برده شده حکم می نماید.

2- محکمه بمصادره سایر اموال و اشیای حکم می نماید که در ظاهر به املاک و اموال محکوم علیه داخل باشد و دلایل، اسناد یا قرائن باثبات رساند که در واقع ازین اموال و املاک بمنظور پیشبرد مرامهای سازمانهای مندرج فقره (1) ماده (221) این قانون و یا فرعی از فروع آن استفاده بعمل می آمد.

ماده دوصد بیست و هشتم:

شخصیکه در یکی از سازمانهای مندرج فقره (1) ماده (221) این قانون ویا فرعی از فروع آن شامل بوده اما از بغاوت، تخریب یا توطئه آنها کاملاً بی خبر باشد ودر هیچ نوع فعالیت آنها سهم نگرفته باشد ویا خود را از آن عملاً منفک نموده باشد، از جزای جرایمیکه از طرف سازمان ویا فرع از فروع ارتکاب شده باشد معاف می گردد. مگر اینکه قانون طور دیگری حکم نموده باشد.

ماده دوصدو بیست ونهم:

1- شخصیکه جمعیت سری را غیر از آنچه که در مواد فوق ذکر یافته ایجاد نماید یا اداره آن ویا اداره یکی از مراکز عمده آنرا بدوش گیرد به حبس متوسط محکوم میگردد.

2- هر عضو جمعیت سری به حبسیکه از یک سال بیشتر نباشد یا جزای نقدیکه از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

3- هر جمعیتی که فعالیت های خود را تماماً ویا قسمأ بصورت سری انجام دهد ویا هدف آن مغایر قانون باشد ویا غرض خود را به وسیله اظهارات کاذب یا ناقص از مقامات مربوط مخفی سازد ویا اساسنامه، وسیله فعالیت یا اسمای اعضاء یا وظایف ویا موضوع اجتماعات خود را پنهان نماید، در حکم جمعیت سری می باشد.

ماده دوصدوسی ام:

هرگاه پنج نفر یا بیشتر از آن بمقصد اخلال امنیت در یک محل عام اجتماع نمایند واز طرف قوای امنیتی به متفرق شدن آنها امر داده شود هریک از آنها که امر برایش ابلاغ گردیده از آن سر پیچی کند، حسب احوال به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد، مگر اینکه قانون طور دیگری حکم کرده باشد.

ماده دوصدوسی ویکم:

1- شخصیکه در محل عام مردم را به اجتماع دعوت نماید ویا اجتماع را اداره نماید ویا با وجود علم به ممانعت آن از طرف قوای امنیتی در آن شرکت ورزد، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- تحریک کننده اجتماع مذکور فقره فوق بیکی از وسایل نشر به عین جزا محکوم می گردد.

ماده دوصدوسی ودوم:

1- هرگاه هدف اجتماع ارتکاب جنایت یا جنحه یا منع تعمیل قوانین یا مقررات یا تأثیر انداختن به اعمال مقامات صلاحیت دار و یا محروم ساختن شخص از آزادی عمل باشد در صورتیکه تأثیر ویا محروم ساختن توأم باعنف و تهدید باشد دعوت کننده، اداره کننده وهر شخصیکه با وجود داشتن علم به هدف اجتماع، در آن اشتراک نماید ویا بعد از حصول علم به آن از اجتماع مذکور خارج نگردد، به حبس که از دوسال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست وچهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- اگر یکی از اجتماع کنندگان به عنف و تهدید متوسل گردد و یا یکی از آنها سلاح ظاهری یا دیگر وسایل جرمی را که گاهی استعمال آن به قتل منجر شده می تواند، حمل نموده باشد، دعوت کننده اداره کننده و هر شخص دیگریکه با داشتن علم به هدف اجتماع در آن اشتراک ورزد، حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

3- اگر یکی از اجتماع کنندگان بمنظور بر آورده شدن هدف اجتماع مذکور جرمی را مرتکب گردد، جمیع اشتراک کنندگان که هنگام ارتکاب جرم در اجتماع موجود باشند به جزای پیش بینی شده همان جرم در قانون محکوم میگردد، مشروط براینکه به هدف اجتماع علم داشته باشند. دعوت کننده و اداره کننده اجتماع گرچه هنگام وقوع جرم در اجتماع موجود نباشند، به جزای پیش بینی شده آن محکوم میگردد.

4- احکام این ماده مانع تطبیق جزای شدیدتری که در قانون پیش بینی شده باشد نمی گردد.

ماده دوصدوسی سوم:

1- شخصیکه مردم را به تبعیض یا تفرقه (مذهبی، قومی یا لسانی) دعوت یا تحریک نماید، حسب احوال به حبس که از دوسال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر دعوت یا تحریک مندرج فقره فوق منتج به نتیجه گردد یا باعنف و تهدید توأم باشد، مرتکب به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده دوصدوسی و چهارم:

1- شخصیکه یک یا چند نفر را به ارتکاب جنایت یا جناحه بوسیله قول فعل یا اشاره که طور علنی از وی صدور یافته باشد یا بوسیله نوشته، رسم، تصویر، رمز یا سایر وسایل تمثیلی، سمعی و بصری طور علنی تحریک یا تشویق نماید. به صفت شریک جرم شناخته شده و به عین جزای پیش بینی شده جرم موضوع تحریک یا تشویق محکوم می گردد. مشروط بر اینکه جنایت یا جناحه مذکور بالفعل به سبب تحریک یا تشویق وی ارتکاب یافته باشد.

2- اگر تحریک یا تشویق مندرج فقره فوق تنها سبب شروع در جرم شده باشد، تحریک کننده یا تشویق کننده به جزاء شروع به جرم محکوم می گردد.

ماده دوصدوسی و پنجم:

شخصیکه دیگران را طور مستقیم به ارتکاب قتل، غارت، حریق یا جرایم مخل امنیت توسط یکی از وسایل علنی تحریک یا تشویق نماید در صورتیکه این تحریک یا تشویق وی منتج به نتیجه نشود حسب احوال به حبس که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده دوصدوسی و ششم:

1- شخصیکه _____ مطبوعات، مخطوطات، رسم ها، سلاید ها، کلیشه ها، مجسمه ها، تصویر های نقش شده، اشاره های رمزی و سایر اشیا و تصاویریکه منافی کلتور و آداب عامه باشد، به قصد تجارت، توزیع، اجاره، عرضه یا الصاق بسازد یا در حیات خود داشته باشد. حسب احوال به حبس که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

2- شخصیکه عمداً خود یا توسط شخص دیگر اشیا مندرج فقره فوق را بمنظور فساد اخلاق یا به منظور های متذکره فقره فوق صادر یا وارد و یا انتقال دهد و یا آنرا جهت نمایش به انظار عامه مردم قرار دهد و یا به اجاره دهد یا بفروشد و یا بفروش یا اجاره گرچه طور غیر علنی باشد عرضه نماید و یا به شخص دیگر طور سری یا علنی گرچه طور رایگان باشد بسپارد یا آنرا توزیع و یا بمنظور توزیع به شخص دیگر تسلیم کند، حسب احوال به حبس که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

3- شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی به سرودها یا خطابه های مخالف آداب عامه بپردازد و یا مردم را به فحشا و فساد اخلاق دعوت نماید و یا اعلانات یارساله ها را باین منظور نشر یا پخش نماید، به عین جزای پیش بینی شده فقره (دوم) این ماده محکوم گردد.

4- در صورت تکرار جرایم مندرج فقرات فوق الذکر این ماده مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شده محکوم می گردد.

ماده دوصدوسی و هفتم:

1- هرگاه جرایم مندرج ماده (236) این قانون از طریق جرایم یا روزنامه ها ارتکاب گردد، مدیر مسؤل و نویسنده به صفت فاعلین اصلی به مجرد نشر به جزای پیش بینی شده آن محکوم میگردد.

2- در تمام حالات مندرج ماده (236) این قانون اگر فاعل اصلی جرم تشخیص شده نتواند طبع کننده و توزیع کننده و عرضه کننده به صفت فاعلین اصلی جرم مجازات می شوند.

3- محکمه می تواند وارد کننده یا صادر کننده و یا دلال را به صفت فاعلین اصلی جرم نیز به جزا محکوم نماید، مشروط بر اینکه ارتکاب جرایم مندرج ماده (236) این قانون که از طریق روزنامه ها یا جرایم صورت گرفته باشد سهم عمدی آنها به اثبات برسد.

ماده دوصدوسی و هشتم:

در حالاتیکه نوشته، رسم، تصویر، عکس، چارت، رمز یا سایر وسایل تمثیلی که در ارتکاب جرمی از جرایم مندرج مواد (221، 222، 229، 230، 234، 236، 237) این قانون که در خارج نشر شده باشد و در حالاتیکه تشخیص مرتکب اصلی جرم غیر ممکن باشد، وارد کننده و طبع کننده به صفت فاعل اصلی جرم به جزا محکوم میگردد.

اگر تشخیص وارد کننده و طبع کننده ناممکن گردد، فروشنده، توزیع کننده و یا الصاق کننده به صفت فاعلین اصلی مجازات می شوند مگر اینکه از حالات و کوائف دعوی عدم وقوف شخص بر ماهیت جرمی محتویات نوشته، رسم، تصویر، رمز و یا سایر وسایل تمثیلی به ظهور برسد.

ماده دوصدوسی و نهم:

شخصیکه بیکی از وسایل علنی مردم را به فتنه و آشوبگری، عصیان یا ترمرد دعوت نماید به حبس که از دوسال بیشتر نباشد محکوم میگردد مشروط بر اینکه دعوت وی مؤثر واقع نگردد.

ماده دوصدو چهلیم:

1- شخصیکه عمداً اخبار، معلومات، بیانات کاذب، تبلیغات مغرضانه یا پروپاگند های تحریک آمیز را بهر وسیله از وسایل که باشد نشر یا پخش نماید که غرض آن اخلال امنیت، ایجاد وحشت و دهشت بین مردم یا رساندن ضرر به مصلحت و منفعت عامه باشد حسب احوال به حبس که از دوسال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- شخصیکه خود یا توسط شخص دیگر مطبوعات، نشرات یا نوشته جات آماده توزیع و اطلاع دیگران را که بمنظور ارتکاب جرایم مندرج فقره فوق باشد در حیات خود داشته باشد و یا هر وسیله از وسایل طباعتی ثبت و یا اعلان را بهمین منظور در حیات خود گرچه طور مؤقت باشد در آورد، علاوه بر مصادره وسایل مذکور حسب احوال به حبس که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده دوصدو چهل و یکم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی، ملت افغان، بیرق و یا نشان دولت افغانستان را توهین نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده دوصدو چهل و دوم:

1- شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی به رئیس جمهور اهانت نماید به حبس متوسط محکوم می گردد.
2- اگر جرم مندرج فقره فوق در محضر رئیس جمهور ارتکاب گردد مرتکب به حبس طویل محکوم می گردد.

ماده دوصدو چهل و سوم:

اشخاص آتی حسب احوال به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردند:
1- شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی به روسای دول خارجی دشنام بدهد.
2- شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی، به نمایندگان رسمی کشور های خارجی در افغانستان به ارتباط و وظیفه شان دشنام دهد.

ماده دوصدو چهل و چهارم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی شخص یا اشخاص را بعدم اطاعت از قانون تحریک یا عملی را که در قانون جرم شناخته باشد تمجید نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد یا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

ماده دوصدو چهل و پنجم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی به ایجاد عداوت بین افراد قبیله یا بین قبایل تحریک نماید، به حبس قصیر که از سه ماه کمتر یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده دوصدو چهل و ششم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی، لویه جرگه، پارلمان، حکومت، اردو، محاکم یا سایر مقامات دولتی را توهین نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد یا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

ماده دوصدو چهل و هفتم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی مباحثات، جلسات سری پارلمان و یا مباحثات علنی آنرا بدون امانت داری به سوء نیت نشر نماید به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده دوصدو چهل و هشتم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی مؤلف خدمات عامه را به ارتباط اجرای وظیفه توهین نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

ماده دوصدو چهل ونهم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی بمقام، حیثیت ویا سلطه قاضی در رسیدگی به دعوی اخلال وارد نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده دوصدو پنجاهم:

1- شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی مطالبی را نشر نماید که قابلیت تاثیر را بر قضاتیکه قضیه مورد نظر تحت رسیدگی آنها قرار دارد یا قابلیت تاثیر را بر مامورین ضبط قضائی یا شهودیکه در قضیه مذکور در تحقیق یا رسیدگی قضائی جهت ادای شهادت خواسته میشوند ویا قابلیت تاثیر را بر افکار عامه به نفع یا ضرر یکی از طرفین قضیه هنگام تحقیق یا رسیدگی قضائی داشته باشد، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدیکه از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد ویا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

2- اگر نشر مندرج فقره فوق عمداً به منظور ایجاد تاثیر باشد مرتکب به حبس متوسطیکه از دو سال بیشتر و جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند ویا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

ماده دوصدو پنجاه ویکم:

اشخاص آتی به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد ویا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردند:

1- شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی جریان دعوی مدنی یا جزائی را که محکمه آن را سری تعیین کرده باشد نشر نماید.

2- شخصیکه توسط یکی از وسایل تمام یا قسمتی از اجراءات قضائی را که نشر آن بمنظور محافظت نظم و آداب عامه به اساس قرار قضائی محکمه منع گردیده باشد، نشر نماید.

3- شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی رویداد جلسات سری محاکم را ویا روی داد جلسات علنی آن را با سوء نیت وبدون امانت داری نشر نماید.

ماده دوصدوپنجاه ودوم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی خبری را در باره تحقیق جرم که مامورین مؤلف اجرای آن را در غیاب خصوم قرار داده باشند ویا نشر آنرا بمنظور محافظت نظم یا آداب عامه یا بمنظور کشف حقیقت ممنوع قرار داده باشند نشر نماید، به حبس قصیری که از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

ماده دوصدو پنجاه وسوم:

شخصیکه توسط یکی از وسایل علنی به قصد پرداخت جزای نقدی مصارف یا تضمینات محکوم بها، دفتر جمع آوری اعانه افتتاح یا اعلان نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد ویا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

فصل سوم

رشوت

ماده دوصدو پنجاه وچهارم:

هر مؤلف خدمات عامه که بمقصد اجراء یا امتناع ویا اخلال وظیفه ای که به آن مکلف باشد باسرم خود یا شخص دیگری پول نقد، مال یا منفعتی را طلب نماید یا از شخص و عده آنرا گیرد ویا بخششی را قبول کند، رشوت گیرنده شمرده میشود.

ماده دوصدوپنجاه وپنجم:

1- رشوت گیرنده به حبسیکه از دوسال کمتر واز ده سال بیشتر نباشد وبه جزای نقدی معادل آنچه که بحیث رشوت طلب کرده یا برایش داده شده ویا به آن وعده داده شده محکوم می گردد.

2- رشوت دهنده وواسطه رشوت به عین جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردند.

ماده دوصدو پنجاه و ششم:

هرگاه غرض از رشوت ارتکاب فعل جرمی باشد که جزای معینه آن در قانون نسبت به جزای معینه رشوت شدیدتر باشد، رشوت گیرنده، رشوت دهنده وواسطه رشوت علاوه به جزای نقدی معینه رشوت به جزای معینه همان جرم نیز محکوم می گردند.

ماده دوصدو پنجاه و هفتم:

شخصیکه مؤظف خدمات عامه را از طریق اکراه مادی یا معنوی به ادای کار ناحق مجبور سازد یا مانع اجرای یکی از مکلفیت های وظیفه او گردد ویا باعث اخلال در آن شود، در حکم رشوت گیرنده محسوب وبه جزای معینه آن محکوم می گردد.

ماده دوصدو پنجاه و هشتم:

هرگاه مؤظف خدمات عامه در برابر انجام وظیفه به اسم خود یا به اسم شخص دیگر چیزی را طلب نماید یا از شخصیکه از لحاظ وظیفه کاری را بوی انجام داده بخشش اخذ یا قبول نماید ویا بمنظور گرفتن بخشش در یکی از مکلفیت های وظیفوی خود بعد از انجام کار خللی وارد نماید ویا بدون موافقه قبلی به قصد گرفتن مکافات از آن امتناع ورزد ویا خللی در آن وارد نماید، به حبس متوسط وجزای نقدی معادل آنچه که طلب بخشش و یا وعده شده محکوم می گردد.

ماده دوصدو پنجاه و نهم:

هرگاه عضو پارلمان، شاروالی، جرگه های ولایتی ومحلی چیزی را برای خود ویا شخص دیگر طلب نماید یا وعده آنرا قبول نماید ویا بخشش اخذ کند وبه این منظور اعمال نفوذ نموده از مقامات با صلاحیت خدمات عامه احکام، قرار، اوامر، تعهد، ترخیص، موافقه، توريد، توظيف، قرار داد ویا هر نوع خدمت وامتیازی دیگری را حاصل نماید، در حکم رشوت گیرنده محسوب شده مطابق احکام این قانون مجازات می گردد.

ماده دوصدو شصت:

هرگاه شخص رشوت را عرضه کند ولی از طرف مؤظف خدمات عامه قبول نگردد، رشوت دهنده بحبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر واز شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده دوصدو شصت و یکم:

هرگاه مؤظف خدمات عامه با داشتن علم به خاصیت جرمی عمل مطابق احکام مندرج مواد (254-258-259) این قانون قسمت ناچیزی از بخشش یا از منفعتی را بالواسطه قبول نماید، به حبسیکه از يك سال بیشتر نباشد و به جزای نقدی معادل آنچه که اخذ یا قبول کرده محکوم می گردد.

ماده دوصدو شصت ودوم:

در تمام احوال مندرج این فصل به مصادره آنچه که رشوت دهنده یا واسطه رشوت عرضه نموده حکم کرده می شود.

ماده دوصدو شصت وسوم:

هرگاه رشوت منجر به اتلاف دارائی عامه ویا مفضی به ابطال یا کتمان حق یا احقاق باطل شده باشد، مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شده ماده (255) این قانون محکوم میگردد.

ماده دوصدو شصت و چهارم:

هرگاه شخصیکه از وی رشوت تقاضا شده مقامات صلاحیت دار را مطلع سازد وبه اثر اتخاذ تدابیر مقامات مذکور ثابت گردد که مؤظف خدمات عامه به این عمل دست زده است، رشوت گیرنده مطابق احکام این قانون مجازات واطلاع دهنده بری الذمه شناخته میشود.

ماده دوصدو شصت و پنجم:

هرگاه شخصیکه به وی رشوت عرضه شده مراجع صلاحیت دار را قبل از اخذ رشوت مطلع سازد و در نتیجه عرضه کننده با الفعل گرفتار شود، مطابق احکام این قانون مجازات میگردد.

ماده دوصدو شصت و ششم:

شروع به جرم رشوت در حکم ارتکاب آن است.

ماده دوصدو شصت و هفتم:

حکم قطعی محکمه مبنی بر محکومیت شخص به جزای رشوت نشر میشود.

فصل چهارم

اختلاس و غدر

ماده دوصدو شصت و هشتم:

1- هر مؤظف خدمات عامه که اموال دولت یا اموال افراد را که من حیث وظیفه به او سپرده شده اختلاس یا پنهان نماید به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق را خزانه دار، تحویلدار، مأمور تحصیلی، صراف، مأمور بطرول، مأمور شکر، گدامدار، معتمدین نقدی و جنسی و مؤظفین ارزاق یا سایر اشخاصیکه من حیث وظیفه به حفاظت اشیای اختلاس شده و یا پنهان شده مکلف باشند مرتکب گردند، به حبس طولیکه محکوم می گردند.

3- مؤظف خدمات عامه که به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه محکوم میشود، بعد از اعاده حیثیت طبق احکام قانون اجراء جزائی مجدداً به مأموریت یا خدمت دولت پذیرفته میشود.

ماده دوصدو شصت و نهم:

هر مؤظف خدمات عامه که پول، اوراق بهادار، امتعه یا سایر اموال ملکیت دولت را بدون حق تحت تصرف مالکانه خود در آورد به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده دوصدو هفتادم:

1- هر مؤظف خدمات عامه که در یک عقد یا عمل و یا قضیه به حفظ منافع دولت مکلف باشد به منظور حصول منفعت برای خود و یا برای شخص دیگری منافع مذکور را طور کلی متضرر سازد، به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- اگر ضرر مندرج فقره فوق جزئی باشد مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می گردد.

ماده دوصدو هفتادویکم:

هر مؤظف خدمات عامه که در اداره قرار داد ها، عواید، واردات یا سایر امور متعلق به دولت و یا در مراقبت آن مکلفیت مستقیم داشته باشد و به اثر آن در یکی از امور فوق به اسم خود یا به اسم شخص دیگر برای خود مفادی حاصل کند یا به حصول آن تشبث نماید، به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

ماده دوصدو هفتادو دوم:

هر مؤظف خدمات عامه که کارگران یا اجیران تحت اثر خود را در امور شخصی خود بداخل وقت رسمی استخدام نماید یا بدون مجوز قانونی تمام یا قسمتی از اجرت آنها را حجز نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده دوصدو هفتادو سوم:

1- مجرم علاوه بر جزای معینه در این فصل به رد مال و جزای نقدی معادل اموال اختلاس شده یا آنچه که از مال دولت تحت تصرف خود در آورده نیز محکوم میگردد.

2- در صورتیکه مدت حبس محکوم بها از سه سال بیشتر باشد مرتکب به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.

ماده دوصدو هفتادو چهارم:

مدت سقوط دعوی جزائی در جرایم مندرج این فصل بعد از تاریخ انتهای وظیفه شروع میشود مشروط بر اینکه تحقیق در آن قبل از آن شروع نه شده باشد.

فصل پنجم

رویه سوء مؤظفین خدمات عامه در برابر افراد

ماده دوصدو هفتادو پنجم:

1- هرگاه مؤظف خدمات عامه متهم را بمنظور گرفتن اعتراف شکنجه نماید ویا به آن امر نماید به حبس طویل محکوم میگردد.

2- اگر متهم در نتیجه شکنجه به قتل برسد، مرتکب به جزای پیش بینی شده قتل عمد درین قانون محکوم میگردد.

ماده دوصدو هفتادو ششم:

هرگاه مؤظف خدمات عامه محکوم علیه را از جزای محکوم بها شدیدتر مجازات کند ویا به آن امر نماید ویا جزای را بروی تطبیق نماید که به آن حکم نه شده باشد، علاوه بر جزای حبس متوسط به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.

ماده دوصدو هفتادو هفتم:

هرگاه مؤظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود در منزل شخص بدون اجازه او و در غیر از حالات و ترتیبیکه قانون به آن تصریح نموده داخل شود، به حبسیکه از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده دوصدو هفتادو هشتم:

هرگاه مؤظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود با شخص طوری شدت و خشونت نماید که موجب آلام جسمی یا منافی آبرو و حیثیت او گردد، حسب احوال به حبسیکه از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده دوصدو هفتادو نهم:

هرگاه مؤظف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت وظیفوی خود مال منقول یا غیر منقول را از مالک آن به زور بخرد یا بدون حق آنرا در تصرف مالکانه خود در آورد ویا مالک را بفروش مال به شخص دیگری مجبور سازد، علاوه به حبسیکه از دو سال بیشتر و جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی متجاوز نباشد به جزای طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه و به رد شی غصب شده ویا قیمت آن، اگر عین شی موجود نباشد. محکوم میگردد.

فصل ششم

سرقه و تلف کردن اوراق و اسناد رسمی

ماده دوصدو هشتادم:

1- هرگاه به اثر اهمال موظف خدمات عامه که به حفاظت اوراق، اسناد ویا دوسیه های متعلق به دولت یا اوراق دعوی قضائی مکلف باشد، اوراق مذکور سرقه گردد ویا پنهان یا تلف شود، شخص موظف به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

2- سارق یا تلف کننده وپنهان کننده اشیای مندرج فقره فوق به حبس متوسط محکوم می گردد.

3- اگر فاعل اشیای مندرج فقره (1) این ماده محافظ آن باشد، به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

4- اگر سرقت، پنهان نمودن یا تلف کردن اشیای مندرج فقره (1) این ماده با اثر اکراه محافظین صورت گیرد، مرتکب به حبس طویل محکوم می‌گردد.

5- سارق، تلف کننده یا پنهان کننده اسناد دارای ارزش ملی به حد اکثر جزای حبس طویل محکوم می‌گردد.

6- اگر سرقت یا اتلاف اسناد مندرج فقره (5) این ماده با اثر اهمال مؤلف خدمات عامه صورت گرفته باشد، مرتکب به حبس متوسط محکوم می‌گردد.

ماده دوصدو هشتادویکم:

هرگاه مؤلف پست و تلگراف مکتوب یا تلگراف تسلیم شده را پنهان، افشاء یا باز نماید و یا بمنظور این امر برای دیگران سهولت فراهم سازد، علاوه بر طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

فصل هفتم

تجاوز موظفین خدمات عامه از حدود صلاحیت قانونی

ماده دوصدو هشتادو دوم:

هرگاه مؤلف خدمات عامه بمقصد رسانیدن نفع یا ضرر بیکی از طرفین دعوی نزد قاضی یا محکمه به صیغه امر یا التماس یا خواهش و یا سفارش واسطه شود، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

ماده دوصدو هشتادو سوم:

هرگاه قاضی بدون مجوز قانونی از اصدار فیصله و حکم امتناع ورزد و یا ثابت گردد که بنا به یکی از اسباب مندرج ماده (282) این قانون فیصله ناحق صادر نموده است، حسب احوال به حبس متوسط و طرد از مسلک محکوم می‌گردد.

ماده دوصدو هشتادو چهارم:

هرگاه قاضی بعد از مطالبه قانونی، اصدار حکم را رد و یا متوقف سازد، ممتنع از حکم شمرده میشود. گرچه بر عدم موجودیت حکم در قانون یا صراحت آن استدلال نماید مگر اینکه قانون طور دیگری حکم نموده باشد.

ماده دوصدو هشتادو پنجم:

1- هرگاه مؤلف خدمات عامه با استفاده از صلاحیت و وظیفوی خود عمداً احکام قوانین، مقررات، حکم، قرار و امر محکمه یا اوامر صادره مراجع با صلاحیت حکومت و یا تحصیل اموال و مالیاتی را که بحکم قانون تعیین گردیده، بدون مجوز قانونی متوقف سازد، حسب احوال به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی ایکه از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

2- اگر با اثر توقف مندرج فقره فوق در اجرای پلنهای دولت تاخیر یا معطلی رونما گردد و یا به دارائی عامه صدمه برسد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل یا متوسط محکوم می‌گردد.

ماده دوصدو هشتادو ششم:

1- هرگاه حد اقل سه نفر از موظفین خدمات عامه بمقصد نیل به مرام مشترک غیر قانونی وظیفه خود را ولو به صورت استعفی باشد ترک کنند و یا عمداً از ادای وظیفه استتکاف نمایند. هر یک به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

2- اگر در نتیجه ترک یا استتکاف از وظیفه حیات، صحت و امنیت عامه به خطر مواجه گردد یا اضطراب و فتنه در بین مردم ایجاد شود و یا به منافع عمومی ضرری وارد گردد. مرتکبین به دو چند حد اکثر جزای مندرج فقره فوق محکوم می‌گردند.

ماده دوصدو هشتادو هفتم:

1- هرگاه مؤلف خدمات عامه به قصد اخلال یا تعطیل در جریان کار وظیفه خود را ترک کند یا به این منظور از ادای وظیفه استتکاف ورزد،

به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2-اگر در مورد مؤلف مذکور فقره فوق حکم فقره (2) ماده (286) این قانون صدق پیدا کند مرتکب به دو چند حد اکثر جزای مندرج فقره (1) این ماده محکوم می گردد.

ماده دوصدو هشتادو هشتم:

1-هرگاه شخصی به سبیل تحریک در ارتکاب یکی از جرایم مندرج مواد (286-287) این قانون اشتراک نماید، حسب احوال به دو چند جزای بیهای پیش بینی شده مواد مننکره محکوم می گردد.

2-اگر شخص مذکور فقره فوق مؤلف خدمات عامه باشد، علاوه بر جزای پیش بینی شده به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می گردد.

ماده دوصدو هشتادو نهم:

1-هرگاه شخصی مؤلف یا مؤلفین خدمات عامه را بنحوی از انحا به ترک کار و یا استتکاف از ادای یکی از مکلفیت های وظیفوی تحریک یا تشجیع نماید و به تحریک و تشجیع او کدام نتیجه مرتب نگردد، به حبس الی سه ماه یا جزای نقدی الی سه هزار افغانی محکوم میگردد.

2-اگر محرک مؤلف خدمات عامه باشد به دو چند جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردد.

فصل هشتم

تجاوز علیه مؤلفین خدمات عامه

ماده دوصدو نودم:

هرگاه شخصی علیه مؤلف خدمات عامه با استعمال قوه، شدت، تخویف یا تهدید تجاوز کند و یا به تجاوز شروع نماید، به حبس قصیریکه از ششماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از شش هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد و یا به هردو جزا محکوم می گردد.

ماده دوصدو نود یکم:

1-هرگاه شخص مؤلف خدمات عامه را با تعقیب دوامدار، توقف در جوار منزل یا محل وظیفه او به قصد تهدید و یا منع او از اجرای وظیفه به نحوی از انحا مورد تجاوز قرار دهد، به عین جزای پیش بینی شده ماده (290) این قانون محکوم میگردد.

2-اگر مرتکب مؤلف خدمات عامه باشد علاوه بر جزای مندرج فقره فوق به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم میگردد.

ماده دوصدو نود و دوم:

هرگاه باثر مقاومت یا تجاوز شخص علیه مؤلف خدمات عامه ضرب یا جرح صورت گیرد مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده دوصدو نود و سوم:

1-هرگاه به اثر ضرب یا جرح مندرج ماده (292) این قانون مجنی علیه موقتاً معیوب گردد و یا متجاوز از بیست روز از انجام کار عاجز ماند، مرتکب علاوه بر جبران خساره به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

2-اگر ضرب یا جرح به معلولیت دایمی منجر گردد یا توأم با سباق ترصد و اصرار باشد یا با حمل سلاح و یا از جانب بیش از دو نفر صورت گرفته باشد، مرتکب به جزای پیش بینی شده مواد (408) الی (413) این قانون محکوم می گردد.

ماده دوصدو نود و چهارم:

هرگاه شخص به اشاره یا قول یا تهدید مؤلف خدمات عامه را در اثنای اجرای وظیفه و یا به سبب ادای آن توهین نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده دوصدو نود و پنجم:

هرگاه اهانت توسط تلگراف یا تلفون یا نوشته و یا رسم متوجه شخص گردد، مرتکب به جزای فقره (1) ماده (294) این قانون محکوم می

گردد.

ماده دوصدو نودوششم:

هرگاه شخص سلطات یا موظفین خدمات عامه را باطلاع دروغ یا عرایض خلاف حقیقت یا به نحو دیگری از وقوع حوادث و مصائب ایکه اصلاً واقعیت نداشته باشد با وجود علم بعدم واقعیت آن به اضطراب اندازد، علاوه به جزای حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد به جبران خساره ایکه ازین ناحیه وارد گردیده نیز محکوم میگردد.

فصل نهم

انتحال و ظایف و القاب

ماده دوصدو نودو هفتم:

هرگاه شخص بدون داشتن صفت ماموریت یا اجازه رسمی دولت در یکی از وظایف عامه مداخله نماید و یا یکی از مکلفیت های مربوط به این وظایف را انجام دهد، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده دوصدو نودو هشتم:

هرگاه شخصی بدون داشتن رتبه و استحقاق یونیفورم عسکری را طور علنی استعمال نماید یا بدون مجوز قانونی علامه ممیزه وظیفه را حمل کند، حسب احوال به حبسی که از دوسال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده دوصدو نودونهم:

هرگاه شخصی بدون مجوز قانونی خود را به لقب افتخاری، یا رتبوی یا وظیفوی ملقب سازد و یا بصفت مامور ضبط قضائی معرفی نماید و یا بصورت علنی نشانی را تعلیق کند که برایش اعطا نگردیده، به جزای نقدی از یک الی پنج هزار افغانی محکوم می گردد.

ماده سه صد:

هرگاه شخص بدون مجوز قانونی خود را به لقب افتخاری یا رتبوی خارجی ملقب سازد و یا بصورت علنی بدون مجوز قانونی و یا اجازه رئیس دولت نشان خارجی را تعلیق کند، به عین جزا بییش بینی شده ماده (299) این قانون محکوم میگردد.

ماده سه صدویکم:

در حالات مندرج مواد (299 و 300) این قانون محکمه می تواند خلاصه حکم فیصله را در جریده یومی که از طرف محکمه تعیین می گردد به مصرف محکوم علیه نشر نماید.

فصل دهم

جعل پول مروجه

ماده سه صدو دوم:

1- هرگاه شخصی به هر کیفیتی که باشد پولی را که قانوناً در افغانستان مروج است جعل نماید، به حبس طویل محکوم می گردد.
2- تقلید پول مروجه، تنقیص مقدار اصلی مسکوکات یا ملمع کردن آن به قسمیکه با پول مروجه دیگری که ارزش آن بیشتر باشد شبیه گردد، جعل شمرده می شود.

ماده سه صدو سوم:

اشخاص آتی به حبس طویل محکوم می گردند:

1- شخصیکه با وجود علم پول جعلی را ترویج یا به آن معامله کند و یا به قصد ترویج یا معامله آنرا در حیزت خود در آورد.

2- شخصیکه با وجود علم خود او یا توسط شخص دیگری پول جعلی را به افغانستان داخل و یا از آن خارج نماید.

3-شخصیکه آلات، ادوات یا وسایل را بمنظور جعل پول بسازد یا بکار برد یا بفروشد یا بفروش عرضه نماید یا به اجاره دهد و یا بدون عذر قانونی آنرا در حیات خود در آورد.

ماده سه صدو چهارم:

هرگاه به اثر ارتکاب جرایم مندرج مواد (302 و 303) این قانون ارزش پول افغانستان یا اسناد دولتی تنزیل نماید و یا اعتماد بازار های داخلی و یا خارجی به اثر آن متزلزل گردد، محکمه می تواند مرتکب را به حبس دوام محکوم نماید.

ماده سه صدو پنجم:

هرگاه ارتکاب یکی از جرایم مندرج مواد (302 و 303) این قانون در مورد پولی صورت بگیرد که درین دو مواد ذکر نیافته است، مرتکب به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده سه صدو ششم:

شخصیکه با حسن نیت پول جعلی را قبول نموده وبعد از حصول علم به جعلی بودن آن، مورد معامله قرار دهد، به جزای نقدی دو چند پول جعلی مورد معامله محکوم می گردد.

ماده سه صدو هفتم:

هر مجرمیکه قبل از بکار انداختن پول جعلی و آغاز تحقیق از جرم خود به مراجع با صلاحیت دولت اطلاع دهد، از جزای مندرج مواد (303-304 و 305) این قانون معاف میگردد.

ماده سه صدو هشتم:

محکمه می تواند مجرم را بعد از آغاز تحقیق از جزا معاف نماید. مشروط بر اینکه اطلاع وی مراجع با صلاحیت دولتی را قادر گرداند که سایر مرتکبین این جرم و یا جرم مماثل آنرا گرفتار نماید.

فصل یازدهم

تزویر

ماده سه صدو نهم:

تزویر عبارت است از ساختن نوشته ها، اسناد، امضاء و مهر خلاف حقیقت یا تغییر دادن آن به وسیله اضافت، تبدیل، تقلید یا حذف.

ماده سه صدو دهم:

1-شخصیکه یکی از اشیاء آتی را تزویر یا با وجود علم به تزویر آن استعمال و یا آنرا به افغانستان داخل نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد:

1-قانون، فرمان یا امر ریاست جمهوری، تصویب حکومت و یا فرمان صدارت و یا حکم قطعی محکمه.

2-مهر دولت، مهر یا امضای رئیس دولت.

2-شخصیکه یکی از اشیاء آتی را به قصد تزویر بسازد یا با وجود علم به تزویر آن استعمال یا آنرا به افغانستان داخل نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد:

1-مهر، تاپه یا علامه یکی از ادارات یا تصدیهای دولت.

2-مهر، امضاء یا علامه یکی از مؤظفین خدمات عامه.

3-علامه رسمی مشخصه عیار طلا و نقره.

4-جدول معاش یا اسناد صادره خزائن دولت.

5-اوراق مالی بانک که صدور آن قانوناً مجاز باشد.

6-شهادت نامه یا اسناد تحصیلی اعم از داخلی و خارجی.

ماده سه صد و یازدهم:

در حالات مندرج ماده (310) این قانون مجرمیکه قبل از اتمام جرم یا آغاز تحقیق از جرم خود به مراجع با صلاحیت دولت اطلاع دهد از جزا معاف می گردد.

ماده سه صد و دوازدهم:

محکمه می تواند مجرم مندرج ماده (311) این قانون را بعد از آغاز تحقیق از جزا معاف نماید. مشروط بر اینکه اطلاع وی مراجع با صلاحیت دولتی را قادر گرداند که سایر مرتکبین این جرم و یا جرم مماثل آنرا گرفتار نماید.

ماده سه صد و سیزدهم:

1-هرگاه مؤلف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه احکام صادره، تصاویر، وثایق، کتب ثبت اسناد دفاتر و سایر اسناد و نوشته جات رسمی را عمدتاً تزویر نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.

2-اگر تزویر مندرج فقرة فوق در اسناد عرفی صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به حبس متوسط یا قصیر محکوم می گردد.

ماده سه صد و چهاردهم:

هرگاه مرتکب جرایم مندرج ماده (313) این قانون مؤلف خدمات عامه نباشد، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده سه صد و پانزدهم:

هر مؤلف خدمات عامه که به قصد تزویر متن یا شکل اسناد را هنگام تحریر آن منحبث و وظیفه تغییر بدهد خواه این تغییر در اقرار شخص باشد که سند برای او تحریر میشود و یا واقعه مزوره را با وجود علم به تزویر آن به شکل واقعه صحیح درج نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.

ماده سی صد و شانزدهم:

شخصیکه اوراق تزویر شده مندرج مواد (313-314-315) این قانون را با وجود علم به تزویر آن استعمال نماید، حسب احوال به حبس طویلیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و هفدهم:

شخصی که در نوشته شخص دیگری مرتکب تزویر گردد یا با وجود علم به تزویر ورق تزویر شده را استعمال نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده سه صد و هجدهم:

شخصیکه غیر حق مهر حقیقی دولت یا مهر یکی از ادارات یا تصدیهای دولت را بدست آورد و آنرا بضرر منافع عامه یا خصوصی استعمال نماید، علاوه بر جبران خساره عاید به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده سه صد و نوزدهم:

1- طبیب، جراح و یا قابله ایکه تصدیق یا اظهارات مزور را با وجود علم به تزویر آن در موارد حمل، مرض، معلولیت، عیب و یا وفات به شخص بدهد، حسب احوال به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقرة فوق به اثر طلب چیزی برای خود و یا شخص دیگری و یا در بدل قبول و یا اخذ وعده یا بخشش ارتکاب گردد،

مرتکب به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و بیستم:

شخصیکه خود او یا توسط شخص دیگر تصدیق را در مورد اثبات معلولیت برای خود و یا برای شخص دیگر بمنظور تقدیم آن به محکمه یا قصد اینکه خود یا شخص دیگری را از یکی از خدمات عامه رها سازد بنام طبیب یا جراح تزویر نماید، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و بیست و یکم:

شخصیکه تصدیق مزور مندرج مواد (319-320) این قانون را با وجود علم به تزویر آن استعمال نماید طوریکه آنرا به محکمه یا یکی از مقامات با صلاحیت دولت تقدیم نماید به عین جزای پیش بینی شده مواد (319-320) یا جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده سه صد و بیست و دوم:

در تطبیق احکام این فصل نشان انگشت مانند امضاء اعتبار دارد.

فصل دوازدهم

تقلید علامات و اشیای مطبوع پوستی، تلگرافی و مالیاتی

ماده سه صد و بیست و سوم:

اشخاص آتی به حبس قصیریکه از ششماه بیشتر نباشد یا به جزای نقدی که از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردند:

1-شخصیکه اشیای مطبوع یا نمونه های پوستی را به هر نحویکه ساخته شده باشد تقلید نماید، طوری که در شکل ظاهری خود با علایم پوستی دوایر پوست و تیلگراف افغانی یا علایم تکت های پوستی و تیلگرافی دول اعضای اتحادیه پوست و تیلگراف شبیه باشد و در عوض اوراق حقیقی به سهولت قبول شده بتواند.

2-شخصیکه اشیای مطبوع یا نمونه های مندرج فقره فوق را در افغانستان رواج دهد یا معامله کند یا بفروشد و یا بفروش عرضه نماید و یا اینکه به قصد ترویج یا معامله یا فروش نزد خود نگه دارد.

ماده سه صد و بیست و چهارم:

اشخاص آتی به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از ششماه بیشتر نباشد و یا به جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد:

1-شخصیکه اشیای مطبوع یا نمونه های را تقلید نماید که در شکل ظاهری خود با علایم تکت های مالیاتی دوایر مالیات افغانی یا تکت های سره میاشت افغانی شبیه باشد طوریکه در عوض اوراق حقیقی آن به سهولت قبول شده بتواند.

2-شخصیکه اشیای مطبوع یا نمونه های مندرج فقره فوق را در افغانستان رواج دهد یا معامله کند یا بفروشد و یا بفروش عرضه نماید و یا اینکه به قصد ترویج یا معامله یا فروش نزد خود نگه دارد.

3-در صورتیکه از ارتکاب جرایم مندرج این فصل مفاصل حاصل شده باشد، محکمه به رد مثل آن نیز حکم می نماید.

فصل سیزدهم

تعطیل مواصلات

ماده سه صد و بیست و پنجم:

شخصیکه عمداً سلامت وسایل مواصلاتی عامه زمینی، آبی و هوایی را به خطر مواجه گرداند و یا آنرا عاقل سازد به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده سه صد و بیست و ششم:

هرگاه از ارتکاب فعل مندرج ماده (325) این قانون جراحات شدید بوجود آید، مرتکب حسب احوال به حبس طویل و اگر به اثر آن شخص یا اشخاص فوت نماید، مرتکب حسب احوال به اعدام یا حبس دوام محکوم میگردد.

ماده سه صد و بیست و هفتم:

شخصیکه به اثر بی احتیاطی سبب حادثه گردد که به اثر آن شخص یا اشخاصیکه در یکی از وسایل مواصلاتی زمینی، آبی یا هوایی قرار دارند بخطر مواجه گردند، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده سه صد و بیست و هشتم:

هرگاه از ارتکاب فعل مندرج ماده (327) این قانون صدمه شدید جسمی یا فوت بوجود آید، مرتکب به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و بیست و نهم:

شخصیکه عمداً به نحوی از انحا سبب انقطاع مخابرات تلفونی یا تیلگرافی گردد علاوه بر جبران خساره به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

ماده سه صد و سی ام:

هرگاه انقطاع مخابرات مندرج ماده (329) این قانون به اثر اهمال یا بی احتیاطی صورت گیرد، مرتکب علاوه بر جبران خساره به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و سی و یکم:

1- شخصیکه لین تلفون یا سایر وسایل مخابراتی را با استعمال قوت به تصرف خود در آورد یا آنرا تلف نماید یا بنحو دیگری غیر قابل استفاده گرداند، گرچه طور مؤقت باشد و یا اینکه به جبر واکراه مانع ترمیم و اصلاح آن گردد طوریکه این اقدام باعث انقطاع مخابره گردد، علاوه بر جبران خساره به حبس طویلی که از ده سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر جرایم مندرج فقرة فوق در حالت اضطرار ارتکاب گردد مرتکب حسب احوال به اعدام یا حبس دوام محکوم میگردد.

ماده سه صد و سی و دوم:

شخصیکه عمداً به سبب سوء استعمال وسایل مخابرات تلفونی سبب اذیت دیگران گردد، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا به جزای نقدیکه از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

فصل چهاردهم

فرار محبوسین و اخفای مجرمین

ماده سه صد و سی و سوم:

1- شخصیکه قانوناً گرفتار گردیده و فرار نماید، به حبسیکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

2- اگر شخص محکوم به حبس بمنظور تطبیق حکم محکمه گرفتار گردد و بعد از گرفتاری فرار نماید، علاوه بر جزای محکوم بها به حبسیکه از دو سال بیشتر نباشد و یا جزای نقدیکه از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

3- اگر فرار شخص در حالات مندرج فقرات (1-2) این ماده باثر استعمال قوه یا جرم دیگری صورت گیرد به جزای های متعدد محکوم می گردد مگر اینکه در قانون طور دیگری حکم شده باشد.

ماده سه صد و سی و چهارم:

شخصیکه به محافظت، همراهی یا انتقال شخص گرفتار شده مکلف باشد و به سبب غفلت وی شخص فرار نماید حسب آتی مجازات می گردد:

1- اگر شخص گرفتار شده محکوم به جزای جنایت باشد به حبس متوسط ایکه از دو سال بیشتر نباشد و یا جزای نقدی ایکه از دوازده هزار افغانی کمتر و از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز ننماید محکوم میگردد.

2- در غیر از احوال مندرج فقره فوق شخص مؤظف به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد و یا جزای نقدیکه از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز ننماید محکوم میگردد.

ماده سه صد و سی و پنجم:

شخصیکه به محافظت، همراهی یا انتقال شخص گرفتار شده مکلف بوده و با او در فرار کمک نماید یا فرار را برای او آسان سازد حسب آتی مجازات می گردد:

1- اگر شخص گرفتار شده محکوم به جزای اعدام باشد شخص مؤظف حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.

2- اگر شخص گرفتار شده به جزای حد یا حبس دوام محکوم شده باشد یا متهم به جرمی باشد که جزای آن اعدام باشد شخص مؤظف حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

3- در غیر از احوال مندرج فقرات فوق شخص مؤظف به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سی صد و سی و هشتم:

هر مؤظف خدمات عامه که به گرفتاری شخصی مکلف باشد و در اجراءات لازمه گرفتاری به قصد معاونت متهم در فرار از محاکمه اهمال ورزد مطابق به احوال مندرج ماده (335) این قانون مجازات میگردد.

ماده سه صد و سی و هفتم:

هر شخصیکه خود او یا توسط شخص دیگر شخصی را که بعد از گرفتاری قانونی فرار نموده یا متهم به جرمی باشد که امر گرفتاری او صادر شده باشد مخفی نماید و یا با وجود علم به نحوی از انحا در فرار شخص از محاکمه کمک نماید حسب آتی مجازات می گردد:

1- اگر شخصی که مخفی کرده شده یا به اختفا یا فرار او از محاکمه مساعدت بعمل آمده محکوم بمرگ باشد حسب احوال به حبس طویلی که از ده سال متجاوز نباشد محکوم می گردد.

2- اگر شخص مندرج فقره فوق محکوم به جزای حد یا حبس دوام یا حبس طویل و یا متهم به جرمی باشد که جزای آن اعدام پیشبینی شده حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

3- در غیر از احوال مندرج فقرات فوق به جزای حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده سه صد و سی و هشتم:

هرگاه مخفی ساختن یا مساعدت در اختفا یا فرار از محاکمه شخصی از جانب زوج، زوجه اصول و یا فروع وی صورت گیرد مجازات نمی گردد.

ماده سه صد و سی و نهم:

1- شخصیکه بوقوع جرم به استثنای قباحت علم حاصل نماید و به نحوی از انحا بفرار مجرم از محاکمه کمک نماید اعم از اینکه کمک وی به شکل پناه دادن مجرم یا مخفی ساختن دلایل اثبات جرم و یا ارائه معلومات غلط در مورد جرم با وجود علم بعدم صحت آن باشد به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد مشروط بر اینکه جزا از نصف حد اکثر جزای اصلی جرم تجاوز نه نماید.

2- احکام مندرج فقره فوق به زوج، زوجه، اصول و فروع شخص تطبیق نمی گردد.

فصل پانزدهم

محو یا شکستادن مهر

ماده سه صدو چهل و یکم:

هرگاه محل، اوراق یا اجناس به امریکی از ادارات دولتی یا یکی از محاکم بمنظور حفاظت مهر شده باشد به اثر اهمال محافظ مهر آن محو یا شکستاده شود به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا به جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده سه صدو چهل و یکم:

هرگاه اوراق یا اجناس مهر شده مربوط به شخصی باشد که در جنایت محکوم علیه یا متهم قرار گرفته باشد محافظیکه به اثر اهمال او مهر محو یا شکستاده شده به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از نه ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از نه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده سه صدو چهل و دوم:

1- شخصیکه مهر اوراق یا اجناس مندرج ماده (341) این قانون را که بمنظور حفاظت صورت گرفته باشد محو کند یا بشکند به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر مرتکب جرم مندرج فقره فوق شخص محافظ باشد حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده سه صدو چهل و سوم:

1- هرگاه مهر اجناس بمنظور دیگری غیر محافظت صورت گرفته باشد مرتکب محو یا شکستادن آن به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدیکه از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

2- اگر مرتکب جرم مندرج فقره فوق شخص محافظ باشد به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و از نه ماه بیشتر نباشد محکوم میگردد.

فصل شانزدهم

اتلاف بنا ها و املاک عامه

ماده سه صدو چهل و چهارم:

شخصیکه عمداً قسمتی از بنا یا املاک عامه یا بنا و املاکی را که برای منافع دولت، مؤسسات عام المنفعه یا استفاده عامه تخصیص یافته باشد و یا آثار تاریخی را تلف نماید علاوه بر جبران خساره حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صدو چهل و پنجم:

شخصیکه عمداً اشجار، سرک، پارک و تفریحگاه عامه را قطع یا تلف نماید علاوه بر جبران خساره به حبسیکه از سه ماه تجاوز نکند و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

فصل هفدهم

تجارت اشیای ممنوعه

ماده سه صد و چهل و هشتم:

هرگاه شخص اشیائی را که ورود آن به افغانستان ممنوع باشد وارد نماید یا اشیای مذکور را بغرض فروش حمل یا انتقال نماید یا بفروش عرضه کند یا پنهان سازد و یا به پنهان نمودن آن شروع نماید علاوه به مصادره اموال ممنوعه به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی معادل مال مصادره شده محکوم می گردد مشروط بر اینکه قانون طور دیگری حکم نکرده باشد.

فصل هجدهم

جرایم ضد ادیان

ماده سه صد و چهل و هفتم:

اشخاص آتی بحبس متوسط و یا مجازات نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردند:

1- شخصی که بر گزاری شعایر یا مراسم دینی یکی از ادیان را به جبر و اکراه اخلال نماید یا آنرا معطل سازد.

2- شخصی که معابد مجازیرا که در آن شعایر دینی یکی از ادیان اجرا میگردد یا علایم دیگری را که نزد پیروان دینی از ادیان محترم باشد خراب یا تلف نماید.

ماده سه صد و چهل و هشتم:

شخصی که به پیروی از ادیانیکه شعایر مذهبی خود را بصورت علنی اجرا می نماید بواسطه قول، فعل، کتابت و غیره وسایل علنی تجاوز نماید به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

فصل نوزدهم

استعمال مواد مخدره و مسکره

ماده سه صد و چهل و نهم:

شخصی که مواد مخدره یا مسکره را استعمال نماید بحبس سه ماه الی ششماه یا جزای نقدی سه هزار الی شش هزار افغانی یا به هردو جزا محکوم میگردد، مگر اینکه در قانون طور دیگری حکم شده باشد.

ماده سه صد و پنجاهم:

شخصی که بجبر و اکراه شخصی دیگر را باستعمال مواد مخدره و یا مسکره وادار سازد، بحبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده سه صد و پنجاه و یکم:

شخصی که محلی را برای استعمال مواد مخدره یا مسکره تخصیص دهد، حسب احوال بحبس متوسط یا قصیر محکوم می گردد. محکمه علاوه بر مجازات متذکره به ضبط ادوات و آلات و اثاثیه مربوط به استعمال مواد مخدره نیز حکم می نماید.

ماده سه صد و پنجاه و دوم:

1- شخصی که در راه عام، محل عام یا تفریح گاه عمومی در حالت سکر طوری دیده شود که عقل خود را از دست داده یا سبب اذیت دیگران گردد، به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- اگر مرتکب جرم مندرج فقرة فوق در خلال یکسال بعد از صدور حکم محکمه مکرراً مرتکب جرم مذکور گردد، به حبس قصیریکه از ششماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از شش هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

3- اگر نزد محکمه ثابت گردد که مجرم متکرر معتاد به استعمال مواد مخدره یا مسکره می باشد، می تواند مرتکب را در عوض جزای مندرج فقرة (2) این ماده تا مدت یکسال در یکی از روغتون های مربوطه بستر نماید.

4- محکمه می تواند به اثر درخواست څارنوال و تصدیق روغتون مینی بر صحت مرتکب قبل از انقضای مدت مندرج فقره (3) این ماده او را رها نماید.

فصل بیستم

قمار بازی

ماده سه صدو پنجاه وسوم:

1- شخصیکه محلی را برای قمار بازی تخصیص داده و آنرا برای داخل شدن مردم آماده سازد و همچنان شخصیکه در محل عمومی و یا محلیکه بروی عامه مردم باز باشد ویا در محل ومنزلیکه به این منظور آماده شده به تنظیم قمار بازی بپردازد. ویا جزگیری نماید، به حبس قصیر و جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند ویا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

2- شخصیکه در محلات مندرجه فقره فوق در حال قمار بازی گرفتار گردد، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

3- علاوه بر مجازات فقرات (1) و(2) این ماده پول، آلات وادوات قمار مصادره میگردد.

فصل بیست ویکم

امتناع از معاونت

ماده سه صدو پنجاه وچهارم:

شخصیکه هنگام وقوع حریق، یا حادثه بزرگ دیگری با وجود تقاضای مؤظف خدمات عامه بدون عذر معقول از معاونت امتناع ورزد، به حبسیکه از شش ماه بیشتر نباشد و جزای نقدی که از شش هزار افغانی تجاوز نکند ویا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

ماده سه صدو پنجاه وپنجم:

شخصیکه بحکم قانون یا موافقه به محافظت شخصیکه به سبب صغر سن یا شیخوخت یا حالت صحی یا روحی ویا عقلی عاجز باشد مکلف شناخته شود، بدون عذر معقول از ادای وجیبه خود امتناع ورزد، به حبس قصیر و جزای نقدی ایکه از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند ویا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

فصل بیست ودوم

جرایم مربوط به بنوت، رعایت ناقص اهلیت، معروض ساختن صغار وضعفا بخطر

ماده سه صدو پنجاه وششم:

شخصیکه طفل نو تولد را از نزد اشخاصیکه بالای او سلطه قانونی دارند دور سازد یا او را پنهان نماید یا به طفل دیگری تبدیل کند یا او را کذباً به غیر از مادرش نسبت بدهد، حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده سه صدو پنجاه وهفتم:

1- شخصیکه متکفل طفلی بوده وبعداد مطالبه شخص دیگریکه به اساس قرار یاحکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او انتقال یافته طفل را بوی تسلیم نکند، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر واز دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

گرچه شخص متکفل یکی از والدین یا جدین طفل باشد.

2- اگر یکی از والدین یا جدین اولاد صغیر یا نواسه خود را خود او یا توسط دیگری از شخصیکه به حکم محکمه حضانت یا حفاظت طفل به او سپرده شده بگیرد به جزای مندرج فقره فوق محکوم میگردد، گرچه بدون حيله واکراه باشد.

ماده سه صدو پنجاه وهشتم:

1- شخصیکه خود او یا توسط شخص دیگری حیات شخصی را که سن پانزده سالگی را تکمیل نکرده یا حیات شخصی را که به سبب حالت صحی روحی یا عقلی از حمایت خود عاجز باشد به خطر مواجه گرداند، به حبس متوسط که از سه سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سی

و شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- اگر شخصی طفل یا عاجز را در محل غیر مسکون رها نماید به حبس متوسط محکوم میگردد گرچه جرم مذکور توسط یکی از والدین یا شخصیکه متکفل حفاظت یا رعایت او باشد ارتکاب گردیده باشد.

3- اگر به اثر ارتکاب جرم مندرج فقره (2) این ماده مجنی علیه معلول یا فوت گردد و مرتکب قصد آن را نداشته باشد، به جزای پیش بینی شده ضرب منجر به معلولیت یا مرگ حسب احوال محکوم میگردد.

4- اگر طفل یا عاجز از تغذیه یا پرستاری که مقتضی حالت او است عمداً محروم ساخته شود و حیات او به اثر آن به خطر مواجه گردد، مرتکب به جزای مندرج فقره (3) این ماده محکوم میگردد.

ماده سه صد و پنجاه ونهم:

1- هر گاه بالای یک شخص به منظور ادای نفقه زوجه یا یکی از اصول یا فروع وی یا دیگری یا به منظور ادای اجرت حضانت یا رضاعت یا سکونت حکم واجب التنفیذ محکمه صادر شده باشد، تا مدت یکماه بعد از ابلاغ حکم با وجود قدرت به ادای آن از تادیبه آن امتناع ورزد، به حبس قصیر و جزای نقدی ایکه از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

2- در مورد جرم مندرج فقره فوق دعوی وقتی دایر میگردد که صاحب مصلحت از آن شکایت نموده باشد.

3- دعوی به اثر انصراف صاحب مصلحت و شکایت یا به ادای چیزی که به ذمه شخص طرف شکایت باقی مانده منقضی میگردد و اگر انصراف یا اداء بعد از صدور حکم در دعوی صورت بگیرد تطبیق جزا متوقف میگردد.

فصل بیست و سوم

حریق و انفجار

ماده سه صد و شصتم:

1- شخصیکه عمداً مال منقول یا غیر منقول را گرچه ملک خودش باشد آتش زند در صورتیکه حیات و اموال مردم را بخطر مواجه سازد حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.

2- اگر آتش زدن در یکی از محلات آبی صورت گیرد مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد:

1- فابریکه و دیپوی مواد مورد ضرورت عسکری یا اسلحه و ملحقات آن.

2- معدن یا چاه نفت یا گاز.

3- ذخیره خانه مواد سوخت یا مواد قابل احتراق و یا مواد منفجره.

4- استیشن های حرارتی برق آبی و یا ذروی.

5- استیشن قطار آهن، ماشین قطار آهن، یا واگونیکه در آن شخص یا اشخاص باشد و یا میدان هوایی یا طیاره و یا کشتی یا بندرگاه آن.

6- بنای مسکون و یا محل پر ازدحام.

7- بنائیکه یکی از ادارات دولتی یا تصدی یا مؤسسات عامه در آن قرار داشته باشد.

3- اگر غرض از جرم مندرج فقره (دوم) این ماده آسان ساختن ارتکاب جنایت یا جنحه و یا از بین بردن آثار آن باشد، یا فاعل آلات و وسایل اطفائی را از کار اندازد یا حریق منجر به معلولیت دوامدار اشخاص گردد و یا آتش زدن توسط مواد منفلقه و منفجره صورت گیرد و یا حریق منجر بمرگ انسان گردد مرتکب به اعدام محکوم میگردد.

ماده سه صد و شصت و یکم:

1- شخصیکه در مال منقول یا غیر منقول به سبب خطاء موجب احداث حریق گردد، در صورتیکه حیات و اموال مردم را بخطر مواجه سازد به حبس متوسط و یا جزای نقدی که از شصت هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- اگر به اثر جرم مندرج فقره فوق مواصلاات عمومی معطل گردد و یا ضرر بزرگ به اموال عاید گردد مرتکب به حبس طویلیکه از هفت

سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

3-اگر به اثر جرم مندرج فقره (1) این ماده مرگ انسان صورت گیرد مرتکب به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

ماده سه صد و شصت و دوم:

1-شخصیکه بدون اجازه مقامات صلاحیت دار مواد منفلقه یا منفجره را بسازد ویا وارد نماید ویا نزد خود نگه کند، علاوه بر مصادره مواد به حبس طولیکه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- ماده ایکه در ترکیب مواد منفلقه و منفجره بکار برده می شود و مطابق قرار وزیر داخله که در جریده رسمی نشر میشود تعیین میگردد. همچنان سامان، آلات و ادواتیکه در ساختن یا انفجار آن استعمال میگردد، در حکم مواد منفلقه و منفجره شناخته میشود.

ماده سه صد و شصت و سوم:

1-شخصیکه عمداً مواد منفلقه و منفجره را استعمال نماید که به اثر آن حیات مردم به خطر مواجه گردد حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.

2-اگر به اثر استعمال مواد متذکره فقره فوق به اشخاص ضرر بزرگ عاید گردد ویا منجر بمرگ انسان شود مرتکب به حبس دوام محکوم می گردد.

ماده سه صد و شصت و چهارم:

1-شخصیکه عمداً مواد منفلقه یا منفجره را استعمال نماید و به اثر آن اموال مردم به خطر مواجه گردد حسب احوال به حبس طولیکه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2- اگر به اثر جرم مندرج فقره فوق به اموال مردم ضرر بزرگ وارد گردد، مرتکب به حد اکثر جزای پیش بینی شده فقره فوق محکوم میگردد.

ماده سه صد و شصت و پنجم:

شخصیکه مواد منفلقه و منفجره را در غیر از احوال مندرج این فصل بمنظور غیر مشروع استعمال نماید حسب احوال به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده سه صد و شصت و ششم:

شخصیکه مواد منفلقه یا منفجره ویا اموال قابل احتراق را در یکی از وسایل نقلیه زمینی، آبی یا هوایی یا در وسایل وپارسلهای پوستی خلاف مقررات مربوط انتقال دهد ویا به انتقال آن شروع نماید، به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد و جزای نقدی که از بیست و پنج هزار افغانی تجاوز نکند ویا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

فصل بیست و چهارم

جرایم مربوط به غرق و مرافق و صحت عامه

ماده سه صد و شصت و هفتم:

1-شخصیکه عمداً سیلابی را بوجود آورد یا در آن شروع نماید که توسط آن حیات یا اموال مردم به خطر مواجه گردد حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.

2-اگر به اثر ارتکاب جرم مندرج فقره فوق مرگ انسان صورت گیرد مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد.

3- اگر در اثر سیلاب مذکور به اموال ضرر بزرگ عاید گردد مرتکب به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

ماده سه صد و شصت و هشتم:

1-شخصیکه به خطا سیلابی را بوجود آورد که به اثر آن حیات یا اموال به خطر مواجه گردد، به حبس متوسط و جزای نقدی که از بیست و پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

2-اگر در اثر سیلاب مذکور مرافق عام معطل گردد یا به اموال عامه ضرر بزرگ عاید گردد، مرتکب به حبس طولیکه از هفت سال بیشتر

نباشد محکوم می‌گردد.

3- اگر ارتکاب جرم مندرج فقره (1) این ماده منجر به مرگ انسان گردد مرتکب به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

ماده سه صد و شصت و نهم:

1- شخصیکه عمداً با انداختن مواد سمی، مکروبی یا سایر اشیاء مضر به صحت عامه در چاه، مخزن آب، ذخیره خانه عمومی یا سایر اشیائیکه بمنظور استعمال عامه تهیه شده حیات یا اموال مردم را بخطر مواجه سازد به حبس دوام محکوم می‌گردد.

2- اگر ارتکاب جرایم مندرج فقره فوق منجر به مرگ انسان گردد، مرتکب به اعدام محکوم می‌گردد.

3- شخصیکه به سبب خطا مرتکب یکی از جرایم مندرج فقره (1) این ماده گردد، به حبس متوسط و جزای نقدی ایکه از بیست و پنج هزار افغانی نکند یا بیکی ازین و جزا محکوم می‌گردد.

4- اگر ارتکاب جرم مندرج فقره (3) این ماده منجر به مرگ انسان گردد، مرتکب به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

ماده سه صد و هفتادم:

شخصیکه چاه یا مخزن عمومی یا هرچیزیکه ازین قبیل باشد فاسد نماید، طوریکه به اثر آن منفعت مطلوبه آن کمتر گردد، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

ماده سه صد و هفتادویکم:

1- شخصیکه آلات، نل یا آلات مخصوص مرافق آب، برق، گاز و غیره مرافق عمومی را عمداً بشکناند یا تلف نماید که به اثر آن مرافق عمومی معطل گردد به حبس متوسط و جزای نقدی که از بیست و پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم می‌گردد.

2- شخصیکه عمداً تأسیسات ثابت یا قابل انتقال صحتی را یا وسایل موجود در آن را خراب، تلف یا متضرر سازد یا یک چیزی از آن را از کار بیندازد یا غیر قابل استفاده گرداند به حبس متوسطیکه از دو سال کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

3- شخصیکه به خطا مرتکب یکی از جرایم مندرج فقره (1) این ماده گردد به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد.

ماده سه صد و هفتادو دوم:

1- شخصیکه در غیر از حالات فوق عمداً مرتکب عملی گردد که موجب انتشار مرض خطرناک گردد به حبس متوسط که از سه سال تجاوز نکنند محکوم می‌گردد.

2- اگر به اثر ارتکاب فعل مندرج فقره فوق فوت انسان صورت گیرد یا معلولیت دایمی بار آید، مرتکب حسب احوال به جزای پیش بینی شده جرم معلولیت دایمی در این قانون محکوم می‌گردد.

ماده سه صد و هفتادو سوم:

1- شخصیکه به خطا سبب انتشار مرض خطرناک گردد به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی کمتر نباشد محکوم می‌گردد.

2- اگر به اثر ارتکاب فعل مندرج فقره فوق فوت انسان یا معلولیت دایمی صورت گیرد، مرتکب حسب احوال به جزای پیش بینی شده قتل خطا یا اذیت بدنی خطا محکوم می‌گردد.

فصل بیست و پنجم

تضلیل قضاء

ماده سه صد و هفتادو چهارم:

شخصیکه به قصد تضلیل قضاء، حالت اشخاص، اماکن یا اشیاء را تغییر بدهد یا ادله جرم را پنهان نماید و یا معلومات کاذب متعلق به جرم را با وجود علم به عدم صحت آن تقدیم نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

ماده سه صدو هفتادو پنجم:

شخصیکه محکمه یا مامورین ضبط قضائی شهرت او را خواسته آن را به غلط ارائه نماید به حبس متوسطیکه از سه سال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از پانزده هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

ماده سه صدو هفتادوششم:

1- شخصیکه به قصد تضلیل قضاء یا مامورین ضبط قضائی وثیقه یا شی جرمی را که به محکمه یا مامورین ضبط قضائی تقدیم شده اختلاس، پنهان یا تلف نماید به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- اگر مرتکب جرم مندرج فقره فوق موظف خدمات عامه باشد به نحویکه اشیاء مذکور به او سپرده شده یا از لحاظ وظیفه نزدش به امانت گذاشته شده باشد به حبس طولیکه از هفت سال تجاوز نکند محکوم میگردد.

فصل بیست و ششم

اطلاع دروغ خود داری از اظهار حقیقت

ماده سه صدو هفتادو هفتم:

شخصیکه به کذب یکی از مراجع قضائی یا اداری را از جرمی اطلاع بدهد که از عدم وقوع آن علم داشته باشد یا مراجع مذکور را به سو نیت با وجود علم به کذب اطلاع خود به ارتکاب جرم یک شخص اطلاع دهد یا به ارتکاب جرم شخص خلاف واقع ادله مادی خلق نماید یا ضد یک شخص با وجود علم به برائت او سبب اتخاذ اجراءات قانونی گردد، حسب آتی مجازات می گردد:

1- اگر اطلاع دروغ در جرم جنایت باشد مرتکب به حبس متوسط که از سه سال کمتر و جزای نقدی که از پانزده هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزاء محکوم میگردد.

2- اگر اطلاع دروغ در جنحه یا قباحث باشد مرتکب به حبس متوسط که از سه سال بیشتر و جزای نقدی که از پانزده هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

ماده سه صدو هفتادو هشتم:

شخصیکه با وجود علم به خلاف واقعیت یکی از مراجع قضائی، اداری یا یکی از مؤظفین خدمات عامه را بیکی از وسایل از وقوع مصیبت بزرگ، حادثه یا خطر اطلاع بدهد به حبس متوسط که از دوسال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از پانزده هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

ماده سه صدو هفتادو نهم:

شخصیکه به صفت رسمی به اطلاع یکی از مؤظفین خدمات عامه قانوناً مکلف شده باشد و به او اطلاع دروغ بدهد و هر شخص دیگریکه بصفت رسمی یکی از مؤظفین خدمات عامه را به اشیای اطلاع دهد که به کذب آن علم داشته باشد و مقصد از آن مجبور ساختن به اجرای وظیفه یا امتناع از آن برخلاف وجایب باشد، طوریکه اگر حقیقت واقعه به مؤظف خدمات عامه معلوم می بود آنرا به نحو درست انجام میداد، به حبس متوسط که از دوسال کمتر نباشد و جزای نقدی که از بیست هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

ماده سه صدو هشتادم:

شخصیکه مراجع قضائی یا اداری را به صدق وبدون سوء نیت به ارتکاب عملی اطلاع بدهد که فاعل آن مستوجب جزا میگردد، مجازات نمیشود.

ماده سه صدو هشتادویکم:

1- شخصیکه قانوناً به اطلاع یک امر به یکی از مؤظفین خدمات عامه یا به اطلاع امور معلوم مکلف باشد وعمداً از اطلاع آن به کیفیت مطلوب ودر وقت معین قانونی امتناع ورزد. حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- هر مؤظف خدمات عامه که به کشف جرایم وگرفتاری مجرم مؤظف گردیده ودر اطلاع جرایم مذکور بعد از علم اهمال ورزد بـــــه جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردد. مشروط بر اینکه در جرم مذکور تقدیم دعوی معلق به شکایت نباشد یا مجرم زوج پایکی از اصول

یا فرود یا برادر یا خواهر یا از محارم مصاهره — رت مؤظف خدمات عامه باشد.

فصل بیست و هفتم

شهادت دروغ

ماده سه صد و هشتاد و دوم:

هرگاه شاهد بعد از ادای سوگند قانونی در پیشگاه محکمه یا نزد مامورین ضبط قضائی عمداً به اظهار باطل، انکار حق، پوشیدن تمام یا بعضی از وقایعیکه در مورد آن شهادت اداء مینماید پردازد، شهادت وی دروغ شمرده میشود.

ماده سه صد و هشتاد و سوم:

1- شخصیکه در یک جرم به نفع یا ضرر متهم به دروغ شهادت اداء نماید، به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

2- اگر در اثر شهادت دروغ متهم محکوم علیه قرار گرفته باشد شاهد به جزای بینی شده جرمی محکوم میگردد که بالای محکوم علیه صادر گردیده است.

3- شخصیکه در دعوی غیز جزائی و یا نزد مامورین ضبط قضائی شهادت دروغ اداء نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده سه صد و هشتاد و چهارم:

شخصیکه به منظور شهادت دروغ چیزی را طلب نماید یا بخشش یا وعده آنرا گیرد و یا قبول نماید، او و شخصیکه بخشش یا وعده را داده و یا در آن وساطت نموده، به جزای پیش بینی شده جرم رشوت یا شهادت دروغ هر یک که شدیدتر باشد محکوم میگردد.

ماده سه صد و هشتاد و پنجم:

اشخاص آتی به عین جزای پیش بینی شده شهادت دروغ محکوم می گردند:

1- شخصیکه به اکراه، اغرا یا وسایل دیگر شاهد را به عدم ادای شهادت یا به ادای شهادت دروغ وادار نماید، گـرچه به مقصد خود نرسد.

2- شخصیکه در اثر بخشش وعده یا فریب از ادای شهادت امتناع ورزد.

ماده سه صد و هشتاد و ششم:

اشخاص آتی به عین جزای پیش بینی شده شهادت دروغ محکوم میگرددند:

1- شخصیکه از طرف یکی از محاکم یا مامورین ضبط قضائی به صفت اهل خبره یا ترجمان مکلف گردد و حقیقت را بهر طریقه که باشد عمداً تغییر دهد.

2- شخصیکه در ترجمه یکی از اسنادیکه امکان استعمال آن در اثبات حق نزد محکمه موجود باشد تزویر وارد نماید.

3- شخصیکه تصدیق تزویر شده را با وجود علم به تزویر آن به منظور استفاده در یک دعوی قضائی صادر یا امضاء نماید مشروط بر اینکه اعطاء و امضاء چنین تصدیق قانوناً مطلوب باشد.

4- شخصیکه با وجود علم به تزویر به منظور اثبات در دعوی قضائی یا تحقیق، تصدیق، اظهار، ترجمه، سند، وثیقه، یا اشیای دیگر تزویر شده را استعمال نماید.

5- شخصیکه در اثنای جریان تحقیق یا دعوی در دفتر یا دوسیه یا در اوراق دیگریکه جهت اثبات استعمال آن ممکن باشد چیز غیر صحیح را درج نماید، به نحویکه به اثر آن نزد محکمه رأی خطا پیدا شده و در حکم تاثیر وارد نماید.

ماده سه صد و هشتاد و هفتم:

احوال آتی اعذار مخففه شمرده میشود:

1- رجوع شاهد از اظهارات دروغ و بیان حقیقت قبل از صدور حکم در موضوع دعوی و یا در تحقیق قبل از صدور قرار هیئت تحقیق.

2- اگر اظهار حقیقت شاهد را به خطر بزرگ مواجه گرداند طوری که به آزادی یا شرف او صدمه وارد کند یا به اثر آن زوج، یا یکی از اصول یا فروع یا خواهر یا برادر او بخطر مواجه گردد.

ماده سه صد و هشتاد و هشتم:

احکام شهادت دروغ بر شخصیکه شهادت او به حیث شاهد لازم نیست یا بر شخصیکه قانوناً بر او لازم است از ادای شهادت امتناع ورزد تطبیق نمی گردد.

فصل بیست و هشتم

قسم ناحق

ماده سه صد و هشتاد و نهم:

1- هر گاه در دعوی قضائی بیکی از طرفین دعوی سوگند متوجه گردد و به ناحق قسم کند به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم نمیگردد.

2- شخصیکه بعد از قسم دروغ و قبل از صدور حکم در موضوع دعوی به حقیقت رجوع نماید به جزاء محکوم میگردد.

ماده سه صد و نودم:

شخصیکه بمنظور اظهار حقیقت از طرف قاضی یا مامورین ضبط قضائی خواسته شود و بدون عذر شرعی و قانونی از قسم قانونی امتناع ورزد به حبس قصیری که از ششماه بیشتر و جزای نقدی که از سه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

فصل بیست و نهم

بی حرمتی اموات و قبور

ماده سه صد و یکم:

اشخاص آتی به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنجهزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد:

1- شخصیکه بدون مجوز شرعی قبر یا مقبره را خراب یا تلف سازد.

2- شخصیکه عمداً به تمام یا جز از جسد مرده بی حرمتی نماید یا کفن میت را بکشد، اگر فعل مذکور به منظور انتقام یا تشهیر میت ارتکاب گردیده باشد درینصورت مرتکب به حبس متوسطیکه از سه سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده سه صد و نود و دوم:

شخصیکه به غرض علمی یا تعلیمی بدون اجازه وارث به گرفتن تمام یا جزء از جسد میت اقدام نماید، به حبس قصیری که از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

ماده سه صد و سوم:

1- شخصیکه عمداً در جنازه جار و جنجال بر پا نماید و یا تدفین آن را به شدت و تهدید معطل کند به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

2- شخصیکه خلاف حقیقت محلی را به حیث مقبره یا مزار بسازد به حبس قصیر محکوم می گردد.

باب دوم

جنایات و جنح ضد افراد

فصل اول

قتل عمد

ماده سه صد و نود و چهارم:

هرگاه در قتل عمد قصاص بیکی از اسباب مسقطه یا عدم توافر شرایط ساقط یا متعذر گردد، مرتکب حسب احوال مطابق به احکام این فصل تعزیر را مجازات می گردد.

ماده سه صد و نود و پنجم:

مرتکب قتل عمد در یکی از حالات آتی به اعدام محکوم میگردد:

- 1- در حالتیکه قتل با اصرار قبلی و ترصد توأم باشد.
- 2- اگر قتل توسط استعمال مواد سمی بیهوش کننده یا منفجره صورت گرفته باشد.
- 3- اگر قتل با انگیزه دنی یا در برابر اجرت و یا طور وحشیانه صورت گرفته باشد.
- 4- اگر مقتول از اصول قاتل باشد.
- 5- اگر عمل قتل بر مؤلف خدمات عامه در اثنای اجرای خدمت یا به سبب آن صورت گرفته باشد.
- 6- اگر قاتل قصد قتل بیش از یک نفر را داشته و باثر فعل واحد قتل همه آنها صورت گرفته باشد.
- 7- اگر قتل توأم با جنایت یا جنحه دیگر صورت گرفته باشد.
- 8- اگر قتل بمنظور تمهید یا تسهیل یا تنفیذ و قادر شدن به ارتکاب جنایت یا جنحه که جزای آن از یکسال کمتر پیش بینی نشده باشد و یا بمنظور فرار یا رهائی از جزا صورت گرفته باشد.
- 9- اگر مرتکب قتل عمد محکوم علیه به حبس دوام باشد و در خلال مدت تنفیذ حکم مرتکب قتل عمد دیگری را شروع در آن گردیده باشد.

ماده سه صد و نود و ششم:

مرتکب قتل عمد در یکی از حالات آتی حسب احوال به حبس دوام یا اعدام محکوم می گردد:

- 1- در حالتیکه قاتل قصد قتل شخصی واحد را داشته باشد و فعل او منجر به قتل بیش از یک نفر شده باشد.
- 2- در حالیکه قاتل جسد مقتول را مثله نماید.
- 3- در حالیکه جانی در غیر از حالت مندرج اجزا (1 و 2) مندرج ماده (395) این قانون مرتکب قتل گردد.

ماده سه صد و نود و هفتم:

- 1- شخصیکه دیگری را به انتحار تحریک نماید و یا به نحوی از انحا در انتحار وی کمک نماید به جزای حبس که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.
- 2- اگر باثر تحریک شروع در انتحار صورت گرفته باشد محرک به حبس قصیر محکوم میگردد.
- 3- شروع کننده به انتحار مجازات نمی گردد.

ماده سه صد و نود و هشتم:

شخصیکه باثر دفاع از ناموس زوجه یا یکی از محارم خود را در حالت تلبس به زنا یا وجود او را با شخصی غیر در یک بستر مشاهده وفی الحال هردو یا یکی از آنها را به قتل رسانده یا مجروح سازد از جزای قتل و جرح معاف اما تعزیراً حسب احوال به حبسیکه از دوسال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

فصل دوم

ضرب منجر به موت و قتل خطاء

ماده سه صد و نود و نهم:

1- شخصیکه بدون داشتن قصد قتل علیه شخص دیگری با وارد نمودن ضرب، جرح یا دادن مواد مضره و یا با ارتکاب هر نوع فعل مخالف قانون عمداً تجاوز نماید به نحویکه فعل او منجر به مرگ مجنی علیه گردد حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.

2- اگر ارتکاب جرایم مندرج فقره فوق با صرار قبلی یا علیه مؤظف خدمات عامه در اثنای اجرای وظیفه یا به سبب آن صورت گرفته باشد و یا مجنی علیه از اصول وی باشد مرتکب به حبس دوام محکوم می گردد.

ماده چهار صد و یکم:

1- شخصیکه با اثر خطای ناشی از اهمال، غفلت، بی احتیاطی عدم مراعات قانون، مقررات، لوایح و اوامر مرتکب قتل شخص دیگری گردد یا بدون عمد سبب قتل شود به حبس الی سه سال و جزای نقدی ایکه از سی و شش هزار افغانی تجاوز نکند و یا بیکی از این دو جزا محکوم می گردد مگر اینکه قانون طور دیگری حکم کرده باشد.

2- اگر خطا در نتیجه تخلف جسمیم از اصولی صورت بگیرد که وظیفه پیشه یا حرفه بر او لازم گردانیده و یا خطا در وقت ارتکاب ناشی از استعمال مواد مخدره یا مسکره باشد و یا هنگام وقوع حادثه از مساعدت با مجنی علیه با وجود قدرت به آن امتناع ورزد مرتکب به حبس متوسط که از دو سال کمتر و جزای نقدی ایکه از پنجاه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

3- اگر با اثر ارتکاب فعل مندرج فقرات فوق بیش از یک نفر به قتل برسد مرتکب به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد و در صورت یکجا شدن یکی از حالات مندرج فقره (2) با آن مرتکب به حبسیکه از هفت سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

فصل سوم

اخفای جسد مقتول

ماده چهار صد و یکم

شخصیکه با وجود علم به قتل جسد مقتول را بدون اطلاع مقامات با صلاحیت و قبل از کشف حالت قتل و اسباب آن پنهان یا دفن نماید به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی ایکه از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

فصل چهارم

اسقاط جنین

ماده چهار صد و دوم:

شخصیکه عمداً جنین زن حامله را از طریق ضرب یا هر نوع اذیت دیگر اسقاط نماید به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهار صد و سوم:

1- شخصیکه بواسطه دادن ادویه یا استعمال دیگر وسایل موجب سقط جنین زن حامله گردد اگر چه اسقاط جنین به رضای زن حامله صورت گرفته باشد به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر ادویه سهواً داده شده باشد مرتکب به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهار صد و چهارم:

1- اگر اسقاط کننده طبیب، جراح، دواساز یا قابله باشد به حد اکثر جزای پیش بینی شده محکوم می گردد.

2- اگر اقدام اشخاص مندرج فقره فوق بمنظور نجات دادن حیات مادر از طریق تداوی صورت گرفته باشد مرتکب مجازات نمی گردد.

ماده چهار صد و پنجم:

زنیکه با وجود علم به عواقب عمل عمداً با خوردن ادویه یا استعمال دیگر وسایل راضی شود و یا به شخص دیگری اجازه استعمال وسایل متذکره را بدهد و به اثر آن اسقاط جنین تحقق یابد به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده چهارصد و ششم:

شروع به جرم اسقاط جنین قابل مجازات نمی باشد.

فصل پنجم

ضرب و جرح

ماده چهارصد و هفتم:

1- شخصی که عمداً شخص دیگری را طوری مجروح یا مضروب نماید که موجب قطع یا نقصان یا شکستن یا از کار افتیدن عضوی از اعضای بدن یا منجر به معلولیت دایمی یا فقدان یکی از حواس او گردد علاوه بر جبران خساره به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

2- اگر این اعمال منجر بزوال عقل مجنی علیه گردد و یا توأم با اصرار قبلی و ترصد باشد مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و هشتم:

1- هرگاه جرح یا ضرب موجب، عطالت عضو یا عجز از کار برای مدت بیش از بیست روز گردد مرتکب علاوه بر جبران خساره به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر عمل مذکور با اصرار قبلی و ترصد توأم باشد مرتکب بحد اکثر جزای پیش بینی شده محکوم می گردد.

ماده چهار صد و نهم:

1- ضرب یا جرحی که موجب معلولیت و عطالت عضو نشده یا موجب عجز از کار برای مدت کمتر از بیست روز گردد مرتکب به حبس قصیری که از ششماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی ای که از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- اگر عمل مذکور با اصرار قبلی و ترصد توأم باشد مرتکب بحد اکثر جزای پیش بینی شده محکوم می گردد.

ماده چهارصد و دهم:

هرگاه ضرب یا جرح مندرج مواد فوق از طرف بیش از یک نفر یا به استعمال سلاح یا دیگر آلات ضرب و جرح صورت گیرد مرتکب بحد اکثر جزای پیش بینی شده محکوم می گردد.

ماده چهار صد و یازدهم:

شخصی که عمداً دیگری را مواد ضرر ناک غیر کشنده بدهد که موجب معلولیت دایمی، عطالت عضو یا از کار افتیدن آن یا فقدان یکی از حواس او گردد علاوه بر جبران خساره به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهار صد و دوازدهم:

شخصی که باثر خطای ناشی از اهمال، بی احتیاطی، عدم مهارت شخصی را مجروح یا مضروب نماید، علاوه بر جبران خساره به حبس که از سه ماه کمتر و از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی ای که از سه هزار افغانی کمتر و از بیست و چهار هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهار صد و سیزدهم:

1- هرگاه به اثر جنگ مغلوبه قتل یا جرح شدید واقع گردد هر یک از اشخاصی که در جنگ اشتراک نموده به سبب اشتراک در جنگ به حبس متوسط یا جزای نقدی که از شصت هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد مگر اینکه عدم مسولیت وی ثابت گردد.

2- اگر در حالت مندرج فقره فوق محرک جنگ و فاعل قتل یا جرح تشخیص شده بتواند مرتکب علاوه بر جبران خساره به جزای

پیش بینی شده اصل جرم محکوم می گردد.

فصل ششم

گرفتاری و توقیف غیر قانونی

ماده چهارصدو چهاردهم:

شخصیکه در غیر از احوال مصرحه قانونی یا بدون امر مقامات صلاحیتدار شخص دیگری را گرفتار، توقیف یا از کار منع نماید حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد.

ماده چهارصدو پانزدهم:

هرگاه گرفتاری، توقیف و ممانعت توسط شخصی انجام یابد که لباس رسمی را بدون داشتن حق استعمال نماید یا خود را به صفت کاذبه متصف سازد یا یک امر جعلی را بعنوان امر مقامات دولتی برای مردم ارائه نماید حسب احوال بحبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهارصدو شانزدهم:

هرگاه گرفتاری، توقیف و ممانعت بجبر و اکراه یا تهدید بقتل یا تهدید به اذیت بدنی توأم باشد یا اینکه مرتکب از جمله مؤظفین رسمی دولت باشد حداکثر جزای پیش بینی شده ماده (415) این قانون محکوم میگردد.

ماده چهارصدو هفدهم:

شخصیکه با وجود علم محلی را برای توقیف غیر قانونی انسان به عاریت بدهد به حبس متوسط که از سه سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

فصل هفتم

اختطاف

ماده چهار صدو هجدهم:

هرگاه شخصی طفلی را که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد یا اشخاص دیگری را که به حفاظت خود قادر نباشد خود یا توسط شخص دیگری اختطاف و یا بمحل غیر مسکون رها کند، بحبس متوسط که از سه سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهار صدو نوزدهم:

هرگاه در اثر جرم مندرج ماده (418) این قانون عضوی از اعضای طفل یا شخص تلف یا معیوب گردد مرتکب جزای جرح عمدی و اگر منجر بمرگ شود جزای پیش بینی شده قتل عمدی محکوم می گردد.

ماده چهار صدو بیستم:

1- هرگاه شخصی طفلی را که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد شخصاً یا توسط شخص دیگری بدون حيله و اکراه اختطاف نماید بحبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

2- اگر طفل اختطاف شده دختر باشد مرتکب بحبس طویلی که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهار صدو بیست و یکم:

1- هرگاه شخص طفلی را که سن (18) سالگی را تکمیل نکرده باشد با حيله و یا اکراه شخصاً یا توسط شخصی دیگری اختطاف نماید به حبس طویل محکوم می گردد.

2- اگر طفل اختطاف شده دختر باشد مرتکب به حد اکثر جزای مندرج فقره فوق محکوم میگردد.

ماده چهارصد و بیست و دوم:

هرگاه شخص مردی را که سن هجده سالگی را تکمیل کرده باشد خود یا توسط شخص دیگر اختطاف نماید بحبس متوسط سه الی پنج سال محکوم می گردد.

ماده چهارصد و بیست و سوم:

هرگاه اعمال مندرج مواد (420 و 421) این قانون توسط شخصی ارتکاب شود که مجنی علیه تحت نفوذ و اختیار یا تحت تربیت و نگهداری او واقع باشد یا جرم فوق از طرف مستخدم مجنی علیه یا بهمکاری چند نفر صورت گیرد مرتکب به حبس طولیکه از ده سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و بیست و چهارم:

هرگاه شخص زنی را که سن هجده سالگی را تکمیل نموده شخصاً یا توسط شخص دیگری اختطاف نماید بحبس طویل محکوم می گردد. اگر اختطاف شده زن شوهر دار باشد یا با زن اختطاف شده فعل نامشروع اجرا گردد مرتکب بعد اکثر جزای پیش بینی شده محکوم می گردد.

ماده چهارصد و بیست و پنجم:

هرگاه شخص زنی را که سن (16) سالگی را تکمیل کرده باشد بمنظور ازدواج از محل اقامت او لیاپیش با خود ببرد در صورتیکه به رضا و رغبت قانوناً باوی عقد ازدواج نماید این عمل اختطاف شمرده نمی شود.

فصل هشتم

زنا، لواط، وهتك ناموس

ماده چهارصد و بیست و هشتم:

هرگاه در جرم زنا شرایط تطبیق جزای حد موجود نگردد یا به علت شبهه ویا یکی از اسباب دیگر حد ساقط گردد مرتکب مطابق به احکام مندرج این فصل مجازات می گردد.

ماده چهارصد و بیست و هفتم:

1- شخصیکه با مونث زنا یا لواط ویا با مذکر لواط نماید حسب احوال به حبس طویل محکوم می گردد.

2- ارتکاب فعل مندرج فقره فوق در یکی از حالات آتی احوال مشدده شمرده می شود:

1- در حالتیکه مجنی علیه سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.

2- در حالتیکه مرتکب از اقارب مجنی علیه تا درجه سوم باشد.

3- در حالتیکه مرتکب مربی، معلم، مستخدم مجنی علیه یا به نحوی از انحا بالای وی نفوذ و اختیاری داشته باشد.

4- در حالتیکه مجنی علیه زن شوهر دار باشد.

5- در حالتیکه بکارت مجنی علیها به سبب ارتکاب فعل زایل شده باشد.

6- در حالتیکه دوشخص یا بیشتر از آن برای غلبه یافتن بر مجنی علیه معاونت کرده باشند یا فعل را یکی بعد دیگر مرتکب گردیده باشند.

7- در حالیکه مجنی علیه به سبب ارتکاب فعل به مرض تناسلی مصاب گردیده باشد.

8- در حالیکه مجنی علیها حامله گردیده باشد.

ماده چهار صد و بیست و هشتم:

هرگاه فعل مندرج فقره (1) ماده (427) این قانون به مرگ مجنی علیه منجر گردد مرتکب حسب احوال به حبس دوام یا اعدام محکوم می گردد.

ماده چهارصد و بیست و نهم:

- 1- شخصی که به عنف یا تهدید یا حبله بناموس شخص اعم از اینکه مذکر باشد یا مؤنث تجاوز نماید و یا به آن شروع نماید به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.
- 2- اگر مجنی علیه به سن هجده سالگی نرسیده باشد یا مرتکب جرم از جمله اشخاصی مندرج فقره (2) ماده (427) این قانون باشد به حبس طویلی که از ده سال تجاوز نکند محکوم می گردد.

فصل نهم

تحریک به فسق و فجور

ماده چهارصد و سی ام:

- 1- شخصی که مذکر یا مؤنثی را که سن هجده سالگی را تکمیل ننموده به فجور یا اتخاذ فسق بحیث حرفه تحریک نماید و یا در این مورد تسهیلاتی برای آنها فراهم سازد بحبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می گردد.
- 2- اگر مرتکب از جمله اشخاص مندرج فقره (2) ماده (427) این قانون باشد و یا از اجرای عمل خود قصد بدست آوردن منفعت را داشته باشد به حبس طویل که از ده سال تجاوز نکند محکوم می گردد.

فصل دهم

هتک مسکن و مسکن غیر

ماده چهارصد و سی و یکم:

- 1- اشخاص آتی به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردند:
- 1- شخصی که به محل مسکون یا آماده سکونت و یا بیکی از ملحقات آن بدون رضای صاحب آن یا بدون مجوز قانون داخل شود.
- 2- شخصی که در محلات مندرج جزء فوق در حالت پنهان شده یافت شود.
- 3- شخصی که در محلات مندرج جزء (1) این فقره به وجه مشروع داخل شود و علی الرغم اراده صاحب حق در آن جا باقی بماند.
- 2- اگر قصد از دخول به محل اختفا یا بقا در آن منع حیات صاحب محل بوسیله قوت یا ارتکاب جرم در آن باشد، مرتکب به حبس متوسط ایکه از دو سال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.
- 3- اگر جرم مندرج فقره فوق در بین غروب و طلوع آفتاب یا توسط شکستادن یا بالا شدن یا از شخصی که سلاح ظاهری یا پنهان را حمل نموده یا از طرف دو نفر یا بیشتر از آن یا از شخصی که صفت مؤظف خدمات عامه را بخود گرفته یا ادعای ادای خدمت عامه را بنماید و یا خود را به صفت کاذبه منصف بسازد واقع گردد، مرتکب به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و سی و دوم:

- 1- اگر جرم مندرج ماده (431) این قانون در محل مختص به حفظ مال و در عمار غیر از آنچه در این فصل ذکر شده ارتکاب گردد، مرتکب به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.
- 2- اگر جرم مندرج فقره فوق را اقلأ دو نفر که یکی از آن سلاح ظاهری یا پنهان حمل نموده باشد یا بیش از دو نفر مرتکب گردند. به حبس متوسط ایکه از دو سال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

فصل یازدهم

تهدید

ماده چهارصد و سی و سوم:

1- شخصیکه دیگری را به ارتکاب جنایت علیه نفس یا مال خود او یا علیه نفس یا مال غیر کتباً تهدید نماید یا تهدید به استناد امور مخل شرف با افشای آن باشد، به حبس طولیکه از هفت سال تجاوز نکند محکوم می گردد. مشروط بر اینکه تهدید توأم با مطالبه یک شی طلب یا به مکلف ساختن یک فعل یا به امتناع از آن باشد.

2- اگر تهدید توسط مکتوب خالی از اسم مرسل باشد یا صدور آن منسوب بیک جمعیت سری موجود یا موهوم باشد به عین جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردد.

ماده چهارصد و سی و چهارم:

شخصیکه دیگری را به ارتکاب جنایت علیه نفس یا مال خود او یا علیه نفس یا مال غیر یا به استناد امور مخل شرف یا حیثیت یا افشای آن در غیر از حالات مندرج ماده (433) این قانون تهدید نماید به حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده چهارصد و سی و پنجم:

شخصیکه دیگری را به قول یا فعل خود یا توسط شخص دیگری در غیر از حالات مندرج مواد (433) و (434) این قانون تهدید نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

فصل دوازدهم

قذف

ماده چهارصد و سی و هشتم:

1- قذف عبارت است از نسبت دادن واقعه معینه بغیر توسط یکی از وسایل علنی، به نحویکه اگر صدق میداشت شخصیکه تهمت به او نسبت داده شده به جزا محکوم میگردد یا به نزد مردم تحقیر میشد.

2- اگر در جرم قذف شرایط اقامه حد جمع نگردد و یا به علت شبهه و یا به نحوی از انحا حد محکوم بهای قذف ساقط گردد، مرتکب به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد و به جزای نقدی که از ده هزار افغانی کمتر و از بیست هزار افغانی متجاوز نباشد و یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

ماده چهارصد و سی و نهم:

اگر قذف به اتهام غیر از زنا یا نفی نسب باشد طوریکه قاذف به مقذوف نسبت اموری را کند که اگر حقیقت میداشت یا بحکم قانونی مستوجب جزا می گردید یا نزد مردم حقیر میشد، مرتکب به جزای پیش بینی شده ماده (384) این قانون محکوم میگردد.

ماده چهارصد و سی و دهم:

هرگاه قاذف صحت فعل یا واقعه را که به مقذوف نسبت داده به اثبات برساند به هیچ نوع جزا محکوم نمی گردد.

ماده چهارصد و سی و یازدهم:

اگر مقذوف قبلاً به جرمی محکوم شده باشد که قاذف به آن مقذوف را قذف کرده، قاذف مذکور به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهارصد و چهل:

در جرم قذف هیچ نوع تحقیق، تعقیب اقامه دعوی صورت گرفته نمی تواند مگر به اساس شکایت مقذوف.

فصل سیزدهم

دشنام

ماده چهارصد و چهل و یکم:

دشنام عبارت است از نسبت دادن چیزی به غیر که به اثر آن اعتبار یا حیثیت شخص جریحه دار گردد، گرچه متضمن استناد به یک واقعه

معینه نباشد.

ماده چهارصد و چهل و دوم:

اگر دشنام مشتمل به استناد واقع معینه نباشد بلکه به نحوی از انحا اعتبار یا حیثیت شخص را جریحه دار نماید، در صورتیکه دشنام بیکی از وسایل علنی تحقق یافته باشد مرتکب به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهارصد و چهل و سوم:

اگر دشنام بوسایل علنی صورت نگرفته باشد بلکه توسط تلفون، ارسال مکتوب و یا توسط شخص دیگری ابلاغ گردیده باشد، مرتکب به جزای حبسیکه از سه ماه کمتر و از شش ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از شش هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده چهارصد و چهل و چهارم:

1- اگر یکی از خصوم در محاکم یا در اثنای تحقیق به قدریکه دفاعیه ایجاب میکند به دیگری دشنام بدهد محکوم به جزا نمی گردد.

2- اگر شخص مورد تعدی شخص دیگری واقع گردد و در اثنای فوران غضب به وی دشنام دهد محکوم به جزا نمی گردد.

فصل چهاردهم

افشای اسرار اشخاص

ماده چهار صد و چهل و پنج:

1- هر شخصیکه به حکم وظیفه، کسب، پیشه، صنعت، فن و یا به لحاظ طبیعت کار خود بیک سری از اسرار علم حاصل نماید و آن را در غیر از حالات مصرحه قانون افشاء نماید و یا آن را به منفعت خود یا منفعت شخص دیگر استعمال کند، به حبس متوسط ایکه از دوسال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- اگر صاحب مصلحت به افشای سر اجازه داد و یا مقصود از افشای سر اخبار از جنایت یا جنحه و یا منع ارتکاب آن باشد مرتکب به جزاء محکوم نمی گردد.

ماده چهارصد و چهل و ششم:

اشخاص آتی به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد:

1- شخصیکه بیکی از وسایل علنی، اخبار، تصاویر یا لوحه ها را که به اسرار زندگانی فامیلی یا عایلی افراد ارتباط داشته باشد افشاء نماید گرچه حقیقت داشته باشد.

1- شخصیکه در تلفون یا توسط مکتوب ارسالی به اسرار علم حاصل نماید و به قصد ضرر آن را افشاء نماید.

فصل پانزدهم

راهزنی

ماده چهار صد و چهل و هفتم:

1- شخصیکه به قصد گرفتن مال از طریق مغالبه در راه عام و یا در هر جای محجور دیگر با سلاح یا آله که مشابه سلاح باشد موضع گرفته و مرتکب یکی از افعال آتی گردد راهزن شمرده میشود:

1- تخویف عابرین.

2- گرفتن مال غیر با تهدید یا اکراه.

3- قتل انسان.

4- قتل انسان و گرفتن مال غیر.

2- اگر در جرم راهزنی شرایط اقامه حد تکمیل نگردد و یا به نحوی از انحاء جزای محکوم بهای حد ساقط شود مرتکب مطابق به احکام مندرج این فصل تعزیراً مجازات می گردد.

ماده چهارصد و چهل و هشتم:

در قتلی که توسط راهزن صورت میگیرد عمدیت شرط نیست.

ماده چهارصد و چهل و نهم:

راهزن قاتل به اعدام محکوم میگردد.

ماده چهارصد و پنجاهم:

راهزنی که عابرین را تخویف نماید به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهارصد و پنجاه و یکم:

راهزنی که مال غیر را گرفته باشد به حبس طویل محکوم میگردد.

ماده چهارصد و پنجاه و دوم:

راهزنی که در ارتکاب فعل شروع نماید به جزای پیش بینی شده شروع در جرم محکوم می گردد.

ماده چهارصد و پنجاه و سوم:

هرگاه راهزن مرتکب جرایمی گردد که در این فصل ذکر نه شده به جزای معینه جرم ارتکاب شده محکوم می گردد.

فصل شانزدهم

سرقت و غصب

ماده چهارصد و پنجاه و چهارم:

1- هرگاه در جرم سرقت شرایط اقامه حد تکمیل نگردد یا به اثر شبهه حد ممتنع و یا به نحوی از انحاء جزای محکوم بهای حد ساقط گردد، سارق طبق احکام مندرج این فصل مجازات میگردد.

2- بمقصد این قانون شخصیکه مال منقول و متقوم ملکیت غیر را طور خفیه بگیرد سارق شمرده میشود.

ماده چهارصد و پنجاه و پنجم:

شخصیکه با اجتماع شرایط چارگانه آتی مرتکب سرقت گردد به حبس دوام محکوم میگردد:

1- سرقت بین غروب و طلوع آفتاب.

2- سرقت از جانب دو شخص و یا بیشتر از آن.

3- سرقت با حمل اسلحه ظاهری یا پنهان سارقین یا یکی از آنها.

4- سرقت با داخل شدن به محل مسکون یا محلیکه برای سکونت آماده شده و یا بیکی از ملحقات آن بوسیله بالا شدن به دیوار، سوراخ کردن آن، شکستادن دروازه و امثال آن و یا با استعمال کلید های ساخته شده یا لباس عسکری، پولیس، یا لباس سایر موظفین خدمات عامه یا به وسیله امر تزویر شده به ادعای اینکه از مقامات باصلاحیت دولت صادر شده یا به وسیله سازش با یکی از ساکنین محل و یا به استعمال هر نوع حیل که باشد صورت گرفته باشد.

ماده چهارصد و پنجاه و ششم:

1-شخصیکه به اثر اکراه یا تهدید به استعمال اسلحه مرتکب سرقت گردد، به حبس طویل محکوم میگردد.

2-اگر در اثر اکراه جرح واقع گردد مرتکب به حبس دوام محکوم میگردد.

ماده چهارصد و پنجاه و هفتم:

اشخاصیکه در بین غروب و طلوع آفتاب مرتکب سرقت گردند و تعداد اوشان دویا بیشتر از آن باشد و اقلاً یکی از آنها سلاح ظاهر یا پنهان شده با خود حمل نموده باشد، به حبس طویل محکوم میگردد.

ماده چهارصد و پنجاه و هشتم:

شخص که آلات یا وسایلی را که در مواصلات تلفونی یا تلگرافی به کار رفته است سرقت نماید، به حبس متوسط محکوم می گردد. مشروط بر اینکه در این جرم یکی از احوال مشدده مندرج مواد (455، 456، 457) این قانون موجود نباشد.

ماده چهارصد و پنجاه و نهم:

اشخاص آتی به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد محکوم میگردد:

1-شخصیکه در یکی از عبادتگاه، محل مسکون و محلیکه برای سکونت آماده باشد و یا در ملحقات آن سرقت نماید.

2-شخصیکه با داخل شدن به محوطه به وسیله شکستادن احاطه استعمال کلید های ساخته گی یا بهر طریقه دیگریکه بداخل محوطه نفوذ کرده باشد سرقت نماید.

3-شخصیکه بین غروب و طلوع آفتاب سرقت نماید.

4-شخصیکه به اشتراک یک نفر یا بیشتر از آن سرقت نماید، شریک به عین جزای فاعل محکوم میگردد.

5-شخصیکه با حمل سلاح ظاهری یا پنهان شده سرقت نماید.

6-شخصیکه مستخدم یا اجیر بوده بمنظور ضرر رساندن به مخدوم سرقت نماید.

7-شخصیکه کارگر فابریکه بوده و بمنظور ضرر رساندن به صاحب منفعت آن سرقت نماید.

8-شخصیکه حمال راننده یکی از وسایط حمل و نقل و بارکش و یا بهر نحوی از انحا مکلف به حمل و نقل مال باشد از آن سرقت نماید.

ماده چهارصد و شصتم:

هرگاه در جرم سرقت هیچ یکی از احوال مشدده مندرج این فصل موجود نگردد یا قیمت مال مسروقه ناچیز باشد مرتکب حسب احوال به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر یا به حبس متوسطیکه از دو سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و شصت و یکم:

شخصیکه غله یا محصولات زراعتی را که هنوز درو یا چیده نشده سرقت نماید، به دو چند قیمت مال مسروقه محکوم می گردد. مشروط بر اینکه قیمت مال مسروقه از صد افغانی تجاوز نکند.

ماده چهارصد و شصت و دوم:

شخصیکه به سرقت شروع نماید به جزای که از نصف حد اکثر جزای پیش بینی شده اصل جرم بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و شصت و سوم:

در تمام احوال مندرج این فصل محکمه سارق را علاوه بر جزای پیش بینی شده به رد مال مسروقه و یا قیمت آن محکوم می نماید.

ماده چهارصد و شصت و چهارم:

1-شخصیکه به عنف، اکراه یا تهدید، سند، امضاء، مهر یا نشان انگشت را غصباً اخذ نماید، حسب احوال به حبس طویل محکوم میگردد.

2-شخصیکه توسط یکی از وسایل مندرج فقره فوق شخص دیگری را به الغا، اتلاف یا تعدیل شی از اشیاء منذکره فوق و یا به امضاء مهر یا نشان شصت به

ورق سفید مجبور گرداند. به عین جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردد مگر اینکه قانون به جزای شدید تر حکم کرده باشد.

3-اگر از ارتکاب جرایم مندرج فقرات (1) و (2) این ماده مفادی به مرتکب عاید و ضرری به مجنی علیه وارد نگردیده باشد، مرتکب حسب احوال بـه حبس متوسط محکوم میگردد.

ماده چهارصد و شصت و پنجم:

1-شخصیکه در غیر از موارد مندرج ماده (464) این قانون شخص دیگری را توسط تهدید به تسلیم نمودن پول یا اشیای دیگری مجبور گرداند به حبس طولیکه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2-اگر جرم مندرج فقره فوق توسط عنف یا اکراه صورت بگیرد، مرتکب به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

فصل هفدهم

خیانت در امانت

ماده چهارصد و شصت و هشتم:

1-شخصیکه مال منقول غیر نزد او امانت گذاشته شده باشد، یا بهر نحو دیگریکه مال مذکور به او سپرده شده باشد آن را به سوء نیت برای خود یا برای منفعت شخص دیگر استعمال نماید یا مخالف قانون و مقررات به خلاف غرضیکه به او سپرده شده در آن به سوء نیت تصرف نماید، حسب احوال به حبس متوسط یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی کمتر و از شصت هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2-هرگاه جرم مندرج فقره فوق توسط یکی از اشخاص آتی در مورد مالیکه به مقتضای وظیفه بوی سپرده شده ارتکاب گردد مرتکب به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد محکوم میگردد:

1-صاحب پیشه حمل و نقل اموال اعم از طریق زمین، هوا و آب یا یکی از همکاران وی.

2-وکیل مدافع، دلال یا صراف.

3-مامور، اجیر، مستخدم.

4-شخصیکه به امر محکمه مالی به او سپرده شده یا بر قاصر یا فاقد اهلیت وصی یاقیم تعیین شده باشد یا در یکی از مؤسسات خیریه مسؤل اداره اموال مؤسسه باشد مرتکب یکی از جرایم مندرج فقره (1) این ماده گردد، به حبس طولیکه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و شصت و نهم:

1-هرگاه مالک مال منقول که اموال او به قرار محکمه تحت حجز قرار گرفته یا تحت تصرف قضاء گذاشته شده باشد مالک مذکور مال را به سوء نیت برای خود یا منفعت شخص دیگری استعمال یا در آن تصرف نماید یا آنرا پنهان کند یا برای شخصیکه در مال مذکور حق مطالبه را از وی داشته باشد تسلیم ننماید، به نحویکه غرض اجراءات اتخاذ شده در مورد مال بر آورده شده نتواند، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2-اگر گروهگیرنده مال منقول مرهونه را نزد مالک آن به امانت بگذارد و مالک مذکور برای خود یا منفعت خود یا منفعت شخص دیگر به سوء نیت استعمال یا بر خلاف غرضیکه به او سپرده شده تصرف نماید، به عین جزای پیش بینی شده فقره فوق محکوم می گردد.

ماده چهارصد و شصت و دهم:

1-هرگاه شخصی مال منقولی را بخرد و بایع آن را بمنظور تادیه تمام قیمت میبهد در ملکیت خود نگاه دارد و مشتری بدون اجازه قبلی بایع طوری در آن تصرف نماید که مال مذکور را از حیازت بایع خارج سازد، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی کمتر و از دوازده هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم میگردد.

2-دعوی در جرم مندرج فقره فوق بدون شکایت بایع اقامه شده نمی تواند ودعوی قبل از حکم نهائی در آن بـه انصراف بایع از شکایت ساقط میگردد، اگر انصراف بعد از صدور حکم بعمل آید تنفیذ حکم در آن متوقف میگردد.

فصل هجدهم

فرب کارى

ماده چهارصد و شصت ونهم:

1- شخصیکه به تسلیمی یا انتقال حيازت مال منقول غير برای خود ویا برای شخص دیگر بیکی از وسایل آتی توصل ورزد به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد محکوم میگردد:

1- استعمال وسایل فریبکارانه.

2- بکار بردن اسم ویا صفت کاذب یا دادن اطلاع غلط در حادثه معین به نحویکه به _____ اثر آن مجنی علیه فریب خورده به _____ تسلیمی وادار گردد.

3- شخصیکه توسط یکی از وسایل مندرج فقره فوق شخص دیگری را به تسلیمی یا انتقال حيازت سند قرض یا سند دیگریکه استعمال آن در اثبات حق ملکیت یا حق عینی دیگری امکان داشته باشد یا به تصرف در مال یا به ابراء وادار سازد، بعین جزای مندرج فقره فوق محکوم می گردد.

4- شخصیکه توسط یکی از وسایل مندرج فقره (1) این ماده شخص دیگری را به امضاء کردن، مهر و نشان انگشت یا الغاء یا اتلاف یا تعدیل سندی از اسناد مندرج فقره (2) این ماده وادار سازد، به عین جزای مندرج فقره (1) این ماده محکوم می گردد.

ماده چهارصد و هفتادم:

شخصیکه با وجود علم به عدم ملکیت یا علم باینکه حق تصرف را در آن ندارد در مال منقول یا عقار تصرف نماید یا در مال با وجود علم به تصرف قبلی در آن یا عقد جانبین به آن تصرف نماید، به نحویکه به اثر آن به غیر ضرر برسد به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و هفتادویکم:

1- شخصیکه از احتیاج، عدم مهارت یا ضعف نفس قاصریکه سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد طوری سوء استفاده کند، که به حيله به واسطه تحریر امضاء اسناد ملکیت یا رسید خط متعلق به دیون یا طلبات یا به فراغت از اوراق تجارتي یا سایر اسناد مثبتة ضرری به شخص مذکور برساند، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد محکوم میگردد.

2- دیوانه، معتوه، محجور و شخصیکه بعد از سن هجده سالگی بالای او حکم استمرار وصایت صادر شده در حکم قاصر شمرده میشوند.

3- اگر مرتکب جرایم مندرج فقره (1) این ماده ولی وصی یاقیم بر مجنی علیه باشد یا به نحوی از انحا به سرپرستی یا حفظ منافع وی مکلف باشد اعم از اینکه به مقتضای قانون، حکم محکمه یا موافقه خاص باشد به حبس طولیکه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و هفتادودوم:

شخصیکه به سوء نیت بدون داشتن دارائی اعم از پول نقد یا اعتبار برای شخص دیگر چک بدهد یا وجه اعتبار وی کمتر از چک بوده یا اینکه بعد از اعطای چک تمام یا یک قسمتی وجهی را که به اعتبار آن چک صادر نموده از بانک بکشد، طوریکه دارائی او وجه مندرج چک را پوره نکند یا به مرجعی که از آن پول اخذ مینماید به عدم تادیه پول امر نماید یا چک را عمداً طوری تحریر یا امضاء نماید که مانع تادیه پول گردد، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده چهارصد و هفتادوسوم:

هرگاه باثر ارتکاب جرایم مندرج این فصل ضرری به مجنی علیه وارد گردد، مرتکب علاوه بر جزای اصلی به جبران خساره نیز محکوم می گردد.

فصل نهم

اختفای اشیائیکه در نتیجه ارتکاب جرم بدست می آید

ماده چهارصد و هفتاد و چهارم:

1- شخصیکه با وجود علم اشیای را که در نتیجه ارتکاب جنایت بدست آمده در حیازت خود در آورد یا آنرا پنهان یا استعمال نماید یا به نحوی از انحا در آن تصرف کند، حسب احوال به حبس متوسط محکوم می گردد. مگر اینکه در قانون جزای شدیدتری پیش بینی شده باشد.

2- اگر اشیای مندرج فقره فوق در نتیجه ارتکاب جنحه بدست آمده باشد، به حبس که از سه سال بیشتر نباشد محکوم می گردد مشروط بر اینکه جزای آن حد اکثر جزای پیش بینی شده اصل جرمیکه اشای مذکور در نتیجه ارتکاب آن بدست آمده تجاوز نکند و شخصیکه در ارتکاب جرم اشتراک نکرده باشد، اشیای بدست آمده را در حیازت خود در آورده یا آنرا پنهان یا استعمال نموده یا به نحوی از انحا در آن تصرف کرده باشد.

3- شخصیکه شی از اشیای را که در نتیجه ارتکاب جنایت یا جنحه حاصل شده در احوالی بدست آورد که بانیست به عدم مشروعیت آن علم پیدا میکرد به حبس قصیر یا جزای نقدی که از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده چهارصد و هفتاد و پنجم:

1- هرگاه مرتکب جرایم مندرج ماده (474) این قانون راجع به مرتکبین جرایمی که اشیای مذکور از نزد شان بدست آمده قبل از اقدام و تعقیب وجستجوی آنها به مراجع با صلاحیت اطلاع بدهد محکوم به جزا نمی گردد.

2- اگر اطلاع بعد از آغاز تحقیق به مراجع باصلاحیت داده شود اطلاع وی حالت مخففه شمرده می شود.

فصل بیستم

احکام مشترک

ماده چهارصد و هفتاد و هشتم:

1- در جرایم مندرج فصول (5- 7- 12- 13- 16- 17) این باب که از آن به زوج یا یکی از اصول یا فروع ضرر برسد، تحریک دعوی یا سایر اجراء علیه شان جواز ندارد. مگر به شکایت مجنی علیه و دعوی جزائی قبل از صدور حکم قطعی با انصراف مجنی علیه از شکایت ساقط می گردد.

2- انصراف اگر در جرایم مندرج فقره فوق بعد از حکم قطعی محکمه صورت گیرد تنفیذ حکم متوقف میگردد.

3- در حالتیکه اشیای محل جرم به حکم قضایا مراجع با صلاحیت قانونی تحت حجز قرار گرفته باشد یا در تصرف قضاء گذاشته شده باشد یا مرهونه غیر باشد یا به حق انتفاع غیر در آمده باشد احکام این ماده تطبیق نمی گردد.

فصل بیست و یکم

مداخله در آزادی مناقصات و مزایدات

ماده چهارصد و هفتاد و نهم:

شخصیکه به وسیله تقلب یا سایر وسایل غیر مشروع در آزادی و سلامت مناقصات و مزایدات که به دولت، مؤسسات یا شرکت هائیکه دولت در آن سهم دارد یا دوایر رسمی یا نیمه رسمی تعلق نمی گیرد اخلال وارد نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکه ازین دوجزا محکوم می گردد.

فصل بیست و دوم

جرایم مربوط به تجارت

قسمت اول

ربح غیر قانونی

ماده چهارصد و هفتاد و هشتم:

هرگاه شخصی طور علنی یا مخفی به شخص دیگر قرض یا ربح غیر مجاز بدهد به حبس قصیریکه از سه ماه کمتر نباشد و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد.

قسمت دوم

تقلب در معاملات تجارتي

ماده چهارصد و هفتاد و نهم:

شخصیکه عمداً از طریق نشر وقایع مختلفه یا اخبار کاذب یا پروپاگند و یا از طریق ارتکاب سایر اعمالیکه متضمن تقلب یا فریب باشد، سبب بلند رفتن یا پائین آمدن قیمت اجناس، اوراق مالی آماده ترویج گردد یا جنسی از اجناس آماده استهلاك را پنهان نماید یا سبب آن گردد، به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

ماده چهارصد و هشتادم:

شخصیکه با عقد کننده در یکی از موارد آتی تقلب نماید به حبس متوسط ایکه از دو سال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد:

- 1- در تعداد، مقدار، مقیاس، وزن، پیمانہ، طاقت و فیصدی مواد ترکیبی.
- 2- در عین جنس طوریکه غیر آنچه را تعهد نموده به جانب مقابل تسلیم دهد.
- 3- در ماهیت، صفات اساسی، عناصر مفیده و مرکبه شی.
- 4- در نوع، جنس و منبع شی.

قسمت سوم

جرایم مربوط به افلاس

ماده چهارصد و هشتاد و یکم:

تاجریکه به افلاس او حکم قطعی صادر گردیده در یکی از حالات آتی مفلس متقلب شمرده می شود:

- 1- در حالتیکه تمام یا بعضی دفاتر خود را پنهان، تلف، تغییر یا تبدیل نموده باشد.
- 2- در حالتیکه به غرض رساندن ضرر به دائنین یک جز مال خود را اختلاس یا پنهان نموده باشد.
- 3- در حالتیکه به دین صوری اعتراف نموده یا خود را به دینی مدیون ساخته باشد که در حقیقت به نمة او نمی باشد اعم از اینکه این دین در دفاتر یا بودجه یا در اوراق دیگر خود ثبت کرده یا طور شفوی به آن اقرار نموده باشد.
- 4- در حالتیکه به نیت سوء از تقدیم اوراق یا توضیحات در صورت مطالبه مراجع با صلاحیت امتناع ورزیده او به آثاریکه بر امتناع وی مرتب می گردد علم داشته باشد.

ماده چهارصد و هشتاد و دوم:

مفلس متقلب به حبس طویلیکه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده چهارصد و هشتاد و سوم:

- 1- تاجری که به افلاس او حکم قطعی صادر گردیده و به سبب تقصیر بزرگ باعث خساره دائنین خود گردد مفلس مقصر شمرده می شود.
- 2- تاجر مفلس در یکی از حالات آتی مقصر بزرگ شمرده میشود:

1- در حالتیکه مصرف شخصی یا فامیلی او نسبت به عایدات وی بسیار زیاد باشد.

2- در حالتیکه مبالغ هنگفت را در قمار بازی تکت های بخت آزمائی یا شرط بندی صرف نماید.

3- در حالتیکه متاعی را بخرد و به قیمت نازلتر بفروشد یا مبالغ زیاد را قرض بگیرد یا اوراق بهادار را صادر یا وسایل دیگری را استعمال نماید، به نحویکه به سبب آن خساره بزرگ به او عاید گردد به منظور اینکه مال را به دست آرد و از این طریق افلاس خود را به تاخیر اندازد.

4- در حالتیکه بعد از متوقف ساختن تادیه دین به منظور رساندن ضرر به سایر دانتین یا به قصد رسیدن به مصالحه دین یکی از دانتین را تادیه نماید.

5- در حالتیکه به وسیله تقلب با دانتین به مصالحه برسد.

ماده چهارصد و هشتاد و چهارم:

مفلس مقصر بزرگ به حبس متوسطیکه از دوسال کمتر نباشد محکوم میگردد.

ماده چهارصد و هشتاد و پنجم:

تاجریکه به افلاس او حکم قطعی صادر گردیده در یکی از حالات آتی مفلس مقصر دانسته میشود:

1- در حالتیکه قوانین تجارتی داشتن دفاتر تجارتی را لازم شمرده باشد و او دفاتر مذکور را نداشته باشد یا دفاتر طوری نامکمل و نا منظم باشد که از آن حقیقت دارائی و قرض های او معلوم نگردد.

2- در حالتیکه ورقه بیلانس خود را در میعاد قانونی تقدیم ننماید.

3- در حالتیکه بعد از متوقف ساختن تادیات، اظهارات صحیح را که قانوناً به آن مکلف است تقدیم ننماید.

4- در حالتیکه بدون عذر معقول در صورت طلب شخصاً به مرجعیکه حکم افلاس وی را صادر نموده حاضر نگردد یا اظهاراتی را که مرجع مذکور از وی مطالبه نماید تقدیم نکند یا عدم صحت این اظهارات ظاهر گردد.

5- در حالتیکه برای منفعت غیر بدون عوض قرار داد بزرگی را عقد نماید که هنگام عقد وضع مالی او اجازه ندهد.

ماده چهارصد و هشتاد و ششم:

1- هرگاه به اشتهار افلاس یک شرکت تجارتی حکم قطعی صادر گردد در صورتیکه بر یکی از اعضای مجمع عمومی یا هیئت مدیره ارتکاب یکی از افعال مندرج ماده (481) این قانون ثابت گردد به جزای پیش بینی شده ماده (482) این قانون محکوم می گردد.

2- اگر یکی از اعضای مجمع عمومی یا هیئت مدیره بوسیله تقلب یا فریب مرتکب فعلی گردد که به اثر آن شرکت مفلس گردد یا در توقف تادیات شرکت مساعدت نماید، به جزای پیش بینی شده ماده (482) این قانون محکوم می گردد.

ماده چهارصد و هشتاد و هفتم:

هرگاه به اشتهار افلاس صغیر، محجور علیه یا شخصیکه تجارت او را شخص امین اداره میکند حکم قطعی صادر گردد مسئولیت جزائی اعمال فریب یا تقصیر متوجه ولی، وصی یا امینی می باشد که ارتکاب یکی از افعال تقلب، فریب یا تقصیر مندرج مواد قبلی این فصل ثابت گردد، حسب احوال به جزای پیش بینی شده آن محکوم می گردد.

ماده چهارصد و هشتاد و هشتم:

اشخاص آتی به حبس متوسط که از دوسال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگرددند مشروط بر اینکه در قانون جزای شدی تری پیش بینی نه شده باشد:

1- شخصیکه تمام یا بعضی اموال مفلس را پنهان کند گرچه زوجه یا یکی از اصول یا فروع او باشد.

2- شخصیکه از جمله دانتین نبوده و بوسیله تقلب در مذاکرات مربوط به صلح دخالت نماید یا به وسیله تقلب به منظور مساعدت به مدیون مفلس دینی را خلاف حقیقت به نام خود یا نام شخص دیگری وا نمود سازد.

3- دانتیکه موافقه خاص را بمنظور منفعت خود و ضرر سایر دانتین عقد نماید.

4-دائیکه به وسیله تقلب اندازه دین خود را زیاد نماید یا بر مفلس یا بر شخص دیگری امتیازات خاص را در بدل دادن رأی در مذاکرات صلح یا دارائی مفلس یا وعده به آن شرط گذارد.

ماده چهارصد و هشتادونهم:

محکمه می تواند به نشر حکم محکومیت جرایم مندرج این فصل امر نماید.

فصل بیست و سوم

تجاوز بر حقوق ملکیت معنوی

ماده چهارصد و نودم:

1-شخصیکه بر یک حق از حقوق ملکیت معنوی غیر که آن را قانون یا معاهده بین المللی ایکه افغانستان به آن الحاق نموده حمایه ک رده باشد تجاوز نماید، به جزا بنقد یکه از دوازده هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد مگر اینکه قانون خاص به جزای شدیدتری حکم کرده باشد.

2-اشیائیکه در نتیجه تجاوز بر حق غیر مندرج فقره فوق به دست آمده مصادره می گردد.

فصل بیست و چهارم

جرایم تخریب، اتلاف و انتقال

قسمت اول

جرایم تخریب و اتلاف حدود

ماده چهارصد و نودیکم:

شخصیکه عفار یا مال منقول یا غیر منقول ملکیت غیر را منهدم، تخریب یا تلف نماید یا آن را غیر قابل استفاده گرداند یا به آن ضرر برساند یا به هر نحوی که باشد آن را عاطل گرداند، به حبس متوسطیکه از دوسال بیشتر نباشد و جزای نقدی که از ده هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم می گردد. مگر اینکه قانون جزای شدیدتری را پیشبینی کرده باشد.

ماده چهارصد و نوددوم:

1-هرگاه گروهی که اقل از پنج نفر تشکیل شده باشد عفار یا منقول ملکیت غیر را منهدم، خراب یا تلف نماید یا آن را غیر قابل استفاده گرداند یا به آن ضرر برساند یا به هر نحو یکه باشد آنرا عاطل سازد هر یک از آنها حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

2-اگر جرم مندرج فقره فوق با عنف بر اشخاص واقع گردد مرتکب به حبس طولیکه از هفت سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.

3-اگر ارتکاب جرم مندرج فقره فوق با استفاده از وجود حالت اضطراب، آشوب یا فاجعه بزرگ صورت گیرد مرتکب به حبس طولیکه از ده سال بیشتر نباشد محکوم می گردند.

ماده چهارصد و نودسوم:

1-اشخاص آتی علاوه بر جبران خساره به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد:

1-شخصیکه حاصلات زراعتی درو ناشده یا هر نوع نبات موجود در مزرعه ملکیت غیر را تلف نماید.

2-شخصیکه کشت ملکیت غیر را تلف یا در آن مواد یا نباتات مضره را بپاشد.

3-شخصیکه درخت ملکیت غیر را از بیخ بکشد یا قطع یا تلف نماید یا شاخچه مضره را در آن زرع نماید یا آن را به منظور خشک شدن پوست کند.

2- اگر ارتکاب جرم مندرج فقره فوق در بین غروب و طلوع آفتاب اقلأ توسط سه نفر یا توسط دو نفر که یکی از آن ها از

عنف کار بگیرد یا یکی از آن ها سلاح ظاهر یا پنهان حمل نماید صورت بگیرد هر یک از مرتکبین حسب احوال به حبس متوسط محکوم میگردد.

قسمت دوم

انتقال حدود

ماده چهارصد و نود و چهارم:

1- هرگاه شخص حدی از حدود ملکیت غیر را به نحوی از انحا عمداً خراب کند یا علامه دیگری را که بمنظور ضبط مساحت یا حدود یا بمنظور جدائی در بین املاک نصب شده انتقال دهد، یا آنرا زایل سازد به حبس متوسط ایکه از دوسال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند یا بیکی ازین دو جزا محکوم میگردد.

2- اگر جرم مندرج فقره فوق با عنف بر اشخاص یا به قصد غصب زمین ملکیت غیر ارتکاب گردد یا علامات از طرف مراجع رسمی ونیمه رسمی وضع گردد، مرتکب به حبس متوسط ایکه از دوسال کمتر نباشد محکوم میگردد.

فصل بیست و پنجم

جرایم قتل حیوانات و ضرر رساندن به آن

ماده چهارصد و نود و پنجم:

اشخاص آتی علاوه به جبران خساره به حبس قصیر و جزای نقدی که از پنج هزار افغانی تجاوز نکند یا به یکی ازین دو جزا محکوم می گردند:

1- شخصیکه عمداً یا بدون اقتضا حیوان سواری ملکیت غیر را بکشد یا آنرا شدیداً زخمی سازد یا به وجه دیگر به آن ضرر بزرگ برساند.

2- شخصیکه ماهی های موجود در دریا، نهر، غدیر، یا حوض را مسموم نماید یا در شکار آن از وسایل قتل دسته جمعی مانند استعمال مواد منفجره، مواد کیمیای و وسایل برقی و امثال آن کار بگیرد.

3- شخصیکه عمداً و بدون اقتضا کرم ابریشم، مجموعه از زنبور عسل ملکیت غیر را بکشد یا به آن ضرر بزرگ وارد نماید.

باب سوم

قباحات

فصل اول

قباحات مربوط به راه ها و اماکن عامه

ماده چهارصد و نود و هشتم:

اشخاص آتی به حبس قصیویکه از پانزده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از پنجصد افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد:

1- شخصیکه در راه عام بدون ضرورت یا بدون اجازه مراجع با صلاحیت سبب ازدحام گردد اعم از اینکه به کندن چغری در آن باشد یا به گذاشتن مواد یا اشیائیکه رفت و آمد را در آن غیر مطمئن گرداند یا به هر نحوی که باشد سبب ممانعت رفت و آمد در راه مذکور گردد.

2-شخصیکه با گذاشتن یا توقف وسایط نقلیه خلاف مقررات ترافیکی سبب مزاحمت راه شود اعم از اینکه وسایط مذکور توسط حیوان یا بدون آن رانده شود مگر اینکه گذاشتن یا توقف به منظور حمل کردن، خالی کردن بار یا بالا شدن یا پائین شدن راکبین —ه حد لازم آن صورت گرفته باشد.

3-شخصیکه پل وپلچک راه رو بالای جریان آب را که مردم بر آن حق عبور داشته باشند قطع نموده بجای آن راهرو یا وسیله دیگری برای عبور ومروور مردم نگذارد.

4-در تمام احوال مندرج این ماده محکمه علاوه بر مصارف رفع موانع به جبران خساره ناشی از آن نیز حکم می نماید.

ماده چهارصدو نودو هفتم:

اشخاص آتی به جزای نقدی که از دوصد افغانی تجاوز نکنند محکوم می گردند:

1-شخصیکه امتعه خود را در مواضع واوقاتی که از طرف مراجع با صلاحیت ممنوع قرار داده شده برای فروش عرضه نماید مگر اینکه قانون طور دیگری حکم کرده باشد.

2-شخصیکه در راه عام حیوانات یا عراده جات را بسته یا استفاده کند یا بشوید وبه اثر آن در راه عام ازدحام یا به عابرین مزاحمت تولید گردد.

ماده چهارصدو نودو هشتم:

شخصیکه علامه از علایم ترافیکی را که در راه عام یا بر بنا نصب گردیده یا علایمی را که بمنظور تعیین مسافه ها یا رهنمائی به شهر ها، راه ها یا محلات عام دیگر نصب گردیده تغییر شکل بدهد یا جهت آنرا تغییر دهد به حبسیکه از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از پنج صد افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده چهارصدو نودو نهم:

اشخاص آتی به حبسیکه از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردند:

1-شخصیکه در گذاشتن علامه اخطاریه یا تنویری در مواضعیکه در راه عام حفر می کند یا در آن اموال را می گذارد اهمال نماید.

2-شخصیکه علامات اخطاریه یا تنویری مندرج فقره فوق را از بین ببرد.

3-شخصیکه چراغی را که بمنظور روشن کردن راه یا میدان عام بکار رفته گل، دور یا تلف نماید.

ماده پنجصدم:

اشخاص آتی به حبسیکه از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگرددند:

1-شخصیکه بدون احتیاط لازم در راه عام موادی را بیندازد که باعث اذیت عابرین گردد یا بدون احتیاط لازم در راه عام یا خاص اشیائی را آویزان کند که اگر بیفتند برای مردم اذیت یا مضایقت تولد کند.

2- شخصیکه بدون احتیاط لازم مواد جامد، مایع یا گاز را بر انسان بیندازد گرچه به اثر آن کدام صدمه جسمی عاید نگردد.

ماده پنجصدو یکم:

شخصیکه اعلانات را در غیر از جاهای مجاز نصب یا تعلیق نماید یا بدون حق اعلانات را از جاهای مجاز دور، تلف یا تغییر شکل دهد به جزای نقدی که از هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده پنجصدو دوم:

اشخاص آتی به حبسیکه از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه صد افغانی تجاوز نکند محکوم میگرددند:

1-شخصیکه در راه یا میدان های عام بدون احتیاط وبی پروائی توسط سواری حیوان یا دواندن آن یا به وسیله وسایط نقلیه سبب اذیت روحی یا جسمی مردم گردد.

2- شخصیکه در بین غروب و طلوع آفتاب در راه یا میدان های عام وسایط نقلیه را بدون روشن کردن چراغ هر دو طرف استاده کرده یا آن را براند.

فصل دوم

قباحت مربوط به آسایش عامه

ماده پنجدو سوم:

شخصی را که مراجع با صلاحیت به ترمیم یا تخریب بنای نزدیک به سقوط اخطار داده او از آن امتناع یا اهمال ورزد به جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

مشروط بر اینکه در قانون خاص جزای سنگین تری پیش بینی نشده باشد.

ماده پنجدو چهارم:

اشخاص آتی به حبسیکه از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردند:

1- شخصیکه بدون اجازه مقامات مربوط در جاهای ————— آتش بازی و امثال آن بپردازد که در آن خطر حریق، تلف و یا ضرر متصور باشد.

2- شخصیکه در داخل شهر یا قریه، اسلحه ناریه یا باروت یا دیگر مواد منفلقه را استعمال نماید.

3- شخصیکه عمداً بوسیله هارن، غالمغال، آواز های تخریش کننده و امثال آن سبب اذیت دیگران گردد.

4- شخصیکه دیوانه را که مردم از او می ترسند در راه عام رها سازد.

5- شخصیکه در مورد حیوانی که در حیازت او است یا مسولیت آنرا بدوش دارد، احتیاط لازم را از جلوگیری خطر یا ضرر ممکنه اتخاذ ننماید.

فصل سوم

قباحت مربوط به صحت عامه

ماده پنجدو پنجم:

اشخاص آتی به حبسیکه از یکماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردند:

1- شخصیکه جسد انسان را در شهر، قریه یا در جای ومحلیکه مراجع با صلاحیت اجازه دفن را در آن نه داده باشد دفن نماید.

2- شخصیکه در دریا، نهر، جوی، کوچه، یا در آب جاری مواد کثیفه را که به صحت مضر باشد بیندازد.

ماده پنجدو ششم:

اشخاص آتی به حبسیکه از پانزده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از پنجدو افغانی تجاوز نکند محکوم می گردند:

1- شخصیکه در سرک، راه عام، میدان یا تفریح گاه عمومی مواد گندیده کثافات، خاک روبه، آب کثیف و غیره اشیای را که به صحت مضر باشد بیندازد.

2- شخصیکه عمداً یا به اهمال بخار، دود، آب کثیف یا مواد دیگریکه سبب ضرر، اذیت یا آلوده شدن مردم گردد رها نماید.

3- شخصیکه در نظافت یا اصلاح دودکش، تنور یا دستگاه هائیکه آتش در آن استعمال میشود اهمال نماید.

ماده پنجدو هفتم:

شخصیکه پیشه طبابت یا صحی را دارد و در اثنای معاینات یا تداوی در بدن مرده یا مجروح زخمهای را مشاهده کند که در نتیجه جرم به او رسیده یا قرانن طوری باشد که اشتباه جرم را بار آورد، مقامات باصلاحیت را اطلاع ندهد، به حبسیکه از سه ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی

که از سه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

فصل چهارم

قباحات مربوط به املاک ، اموال و حیوانات

ماده پنجدو هشتم:

اشخاص آتی به حبسیکه از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه صد افغانی تجاوز نکند محکوم میگردند:

1- شخصیکه بدون حق در زمین آماده شده برای زراعت، یا کشت شده یا در زراعت درو نمانده یا حیوان یا بدون آن از آن عبور کند.

2- شخصیکه بدون حق در زمین یا باغ رمه یا حیوانات دیگر را بچراند یا بگذارد که در آن بچرد.

3- شخصیکه سنگ یا مواد سخت دیگر یا کثافات را به وسایط نقلیه خانه، بنا، باغ یا احاطه ملک غیر پرتاب نماید.

4- شخصیکه در نهر، جوی، حوض ویا در دیگر مجاری آب ادوات یا اشیای که بوسیله آن آب بازی اشخاص اخلال گردد یا مجاری آب تنگ شود ببیندازد.

ماده پنجدونهم:

شخصیکه به سبب خطا حیوان ملکیت غیر را بکشد یا جرح نماید به حبس قصیریکه از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه صد افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده پنجدو دهم:

1- شخصیکه حیوان اهلی یا الفت گیرنده را بیرحمانه تعذیب یا مثله نماید یا به وسیله دیگر با آن معامله سوء نماید، به حبس قصیریکه از سه ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم میگردد.

2- شخصیکه حیوان سواری یا بارکش را فوق طاقت بار نماید یا حیوان مریض، زخمی یا معیوب را که طاقت کار را نداشته باشد بکار اندازد بعین جزای پیش بینی شده فقرة فوق محکوم میگردد.

فصل پنجم

قباحات مربوط به آداب عامه

ماده پنجدو یازدهم:

شخصیت در شهر، قریه یا ده بصورت منافی حیا غسل نماید یا در محل عام در حالت عریان منافی ادب ظاهر گردد، به حبسیکه از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه صد افغانی تجاوز نکند، محکوم می گردد.

ماده پنجدو دوازدهم:

شخصیکه در محلات عمومی به قصد یا هدف منافی آداب ترصد نماید به حبسیکه از ده روز بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از سه صد افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

فصل ششم

قباحات مربوط به منتظمین هوتلها

ماده پنجدو سیزدهم:

هرگاه یکی از صاحبان هتل، مهمان خانه، مسافر خانه یا غرفه ها ی که بمنظور شب گذشتاندن اشخاص تهیه و آماده شده باشد و سایر تأسیسات توریستیک در ثبت هویت مسافری یا ساکنین اماکن مذکور طبق مقررات مربوط رعایت ننماید ویا در آن اهمال ورزد، به حبسیکه از سه ماه بیشتر نباشد یا جزای نقدی پیکه از سه هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

فصل هفتم

احکام متفرقه

ماده پنجدو چهاردهم:

1- شخصیکه یکی از مشتقات مواد کیمیاوی مخدره را که زایل کننده یکی از ملکات عقلی یا ذهنی شخص گردیده و استعمال آن سبب اعتیاد سریعانه و ایجاد مرض صعب العلاج گردد استعمال نماید طبق احکام مربوط به استعمال مواد مخدره و مسکره مجازات می گردد.
2- توريد، نگهداشت، فروش، عرضه بفروش، انتقال ویا ترویج مواد مندرج فقره فوق جنایت بوده مرتکب به حبس طویل محکوم می گردد.

ماده پنجدو پانزدهم:

1- هرگاه شخص دیگران را به تهدید، عنف ویا بهر وسیله از وسایل دیگر گروگان بگیرد به حبس طویل محکوم می گردد.
2- اگر شخص گروگان گرفته شده مجروح، معلول یا مقتول گردد مرتکب به جزای پیش بینی شده اصل جرم محکوم می گردد.
مشروط بر اینکه از جزای مندرج فقره فوق کمتر نباشد.
3- اگر مرتکب باثر ارتکاب جرم مندرج فقره (1) این ماده پول یا منفعتی را بدست آورده باشد برد عین مال یا قیمت مثل آن نیز محکوم میگردد.

ماده پنجدو شانزدهم:

شخصیکه نیروی کار مردم را به فریب یا حيله استنثار نماید یا بفروش رساند ویا به یکی از جهات خارجی نیروی کار آنها را مورد معامله قرار دهد، علاوه بر جبران خساره به حبس طویل محکوم میگردد.

ماده پنجدو هفدهم:

1- شخصیکه زن بیوه یا دختری را که سن هجده سالگی را تکمیل نموده باشد به خلاف رضا و رغبت وی به شوهر دهد حسب احوال به حبس قصیر محکوم میگردد.
2- اگر جرم مندرج فقره فوق به شکل بد دادن باشد مرتکب به حبس متوسط که از دو سال بیشتر نباشد محکوم می گردد.
3- دعوی جزائی در مورد جرایم مندرج فقرات (1-2) این ماده وقتی اقامه شده می تواند که مجنی علیها شکایت نماید.

ماده پنجدو هجدهم:

شخصیکه عمداً برق، گاز، آب، پیداوار معادن ویا اشجار جنگلات را بدون استیذان مقامات صلاحیتدار تصاحب یا تصرف مالکانه نماید این عمل وی در حکم سرقت بوده مرتکب علاوه بر رد مال یا قیمت مثل آن به حبسیکه از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست وچهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می گردد.

ماده پنجدو نوزدهم:

شخصیکه مال لقطه ویا مال مفقود را دستیاب یا دریافت نماید بدون عذر موجه ودر ظرف یک هفته آنرا جهت تسلیم دهی به نزدیکترین اداره محل ویا به صاحب مال در صورتیکه تشخیص شود تسلیم ندهد، علاوه بر محرومیت از مکافات به جزای نقدی که از سه صد افغانی بیشتر نباشد محکوم می گردد.

ماده پنجدو بیستم:

1- شخصیکه از احکام مقررات خاصیکه از طرف یکی از مراجع اداری، امنیتی، شاروالی ها و ترافیک مطابق به احکام قانون وضع و نافذ گردیده باشد تخلف ورزد، به تادیبه جزای نقدی پیش بینی شده به ترتیبیکه در مقررات مربوطه تنظیم شده مکلف می گردد. مشروط بر اینکه جزای پیش بینی شده در مقررات از

حد اکثر جزای نقدی قباحت مندرج ماده (26) این قانون تجاوز ننماید.

2-اگر در مقررات خاص جزای برای تخلف از احکام آن پیش بینی نشده باشد متخلف به جزای نقدی که از دو صد افغانی تجاوز نکند مکلف می گردد.

3-مقررات خاص بهیچوجه بجز از جزای نقدی در حدودیکه در فقره (1) این ماده تذکر یافته است جزای دیگری را پیش بینی نموده نمیتواند.

ماده پنجدو بیست و یکم:

در مواردیکه قوانین خاص احکام جزائی را تنظیم کرده باشد مرتکب مطابق به احکام مندرج قوانین خاص مجازات می گردند. مگر در احوالیکه این قانون بخلاف آن تصریح کرده باشد.

ماده پنجدو بیست و دوم:

با انفاذ این قانون احکام مندرج قانون جزای _____رایم مامورین و جرایم علیه امنیت و منفعت عامه مورخه (26) قوس 1341 هـ.ش و قانون تعقیب و مجازات رشوت (15) حوت سال 1351 و هر حکم از احکام قوانینی جزائی ایکه صراحتاً یا دلالتاً مناقض با حکمی از احکام این قانون باشد ملغی شناخته میشود.

قانون جزای عسکری ازین حکم مستثنی می باشد.

ماده پنجدو بیست و سوم:

این قانون (30) روز بعداز نشر در جریده رسمی نافذ می گردد.

تحریر و ترتیب: محمد اسماعیل ((حقانی)) غوری مورخ 08/ثور/سال 1393 هجری شمسی